



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د عدلیې وزارت

سمېچنېک

- د معاملې وړسندونو قانون
- د افغانستان د اسلامي جمهوریت
- د جمهور رئیس فرمان
- قانون اسناد قابل معامله
- فرمان رئیس جمهوریت
- د اسلامي افغانستان

تاریخ نشر: (۵) دلو سال ۱۳۸۷ هـ . ش
نمبر مسلسل: (۹۷۱)

د خپريدو نېټه: د ۱۳۸۷ هـ . ش کال د سلواغې د میاشتې (۵)
پرله پسې نمبر: (۹۷۱)

در این شماره :

- ۱- فرمان شماره (۱۴۲) مؤرخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۲ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان درباره توشیح قانون اسناد قابل معامله.
- قانون اسناد قابل معامله از صفحه (۱- ۱۲۱).
۲- فرمان شماره (۱۴۶) مؤرخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۹ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در باره تعدیل، ایزاد و حذف برخی از مواد قانون تدارکات منتشره جریده رسمی شماره (۹۵۷) سال ۱۳۸۷ از صفحه (۱۲۲ - ۱۵۰).

د امتیاز خاوند: د عدلیې وزارت

وب سایت: www.moj.gov.af

د دفتر تېلفون: ۲۱۰۳۳۷۵

مرستیال: نور علم

۰۷۰۰۱۴۷۱۷۸

مهتم: محمد جان

۰۷۰۰۳۹۵۲۹۲

قیمت این شماره: (۹۰) افغاني

تیراژ چاپ اول: (۳۰۰۰) جلد

آدرس: وزارت عدلیه، ریاست نشرات، چهارراهی پشتونستان، کابل

د معاملي ورسندونو

دقانون دتوشېح په هکله

دافغانستان اسلامي

جمهوريت درئيس

فرمان

گڼه : (۱۴۲)

نېټه : ۱۳۸۷/۱۰/۲۲

لمړۍ ماده :

دافغانستان داساسي قانون دنهه اويامي مادې دحکم له مخې ، د معاملي ورسندونو قانون چې دوزيرانو شورې د ۱۳۸۷/۱۰/۱۶ نېټې (۴۵) گڼې مصوبې پربنسټ په (۱۶) فصلونو او (۱۳۳) مادوکې تاييد شوېده ، توشېح کوم.

دوه يمه ماده :

دعدليې وزير او په پارلماني چاروکې ددولت وزير مؤظف دي ، دغه فرمان دملي شورې دلومړنۍ غونډې

فرمان

رئيس جمهوري اسلامي

دافغانستان درباره

توشېح قانون اسناد

قابل معامله

شماره : (۱۴۲)

تاريخ : ۱۳۸۷/۱۰/۲۲

ماده اول :

به تاسي ازحکم ماده هفتاد ونهم قانون اساسي افغانستان ، قانون اسناد قابل معامله را که به اساس مصوبه شماره (۴۵) مؤرخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۶ شورای وزيران به داخل (۱۶) فصل و (۱۳۳) ماده تاييد گرديده است ، توشېح ميدارم.

ماده دوم :

وزيرعدليه ووزير دولت در امور پارلماني مؤظف اند ، اين فرمان را درخلاف (۳۰) روز

د جوړېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې هغې شورې ته وړاندې کړي. وړاندې کړي. وړاندې کړي. وړاندې کړي.

درېمه ماده :

دغه فرمان دتوشېح له نېټې څخه نافذ اوله قانون سره يوځای دې په رسمي جريده کې خپور شي.

ماده سوم :

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون درجریده رسمی نشر گردد.

حامد کرزی

دافغانستان داسلامی جمهوریت

رئیس

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی

افغانستان

فهرست مندرجات

قانون اسناد قابل معامله

صفحه	عنوان	ماده
۱.....	منظور و وضع	ماده اول:
۱.....	اهداف	ماده دوم:
۲.....	اصطلاحات	ماده سوم:
۱۱.....	ساحه تطبیق قانون	ماده چهارم:
۱۱.....	نظارت	ماده پنجم:

فصل دوم

اسناد قابل معامله

۱۲.....	شرایط	ماده ششم:
۱۴.....	حجت و برات قابل تأدیة عندالمطالبه	ماده هفتم:
۱۵.....	سند قابل تأدیة به دستور	ماده هشتم:
۱۷.....	اسناد مبهم	ماده نهم:
۱۷.....	تفاوت میان حروف و ارقام	ماده دهم:

فصل سوم

طرفین اسناد قابل معامله

۱۸.....	مسئولیت صادر کننده	ماده یازدهم:
۱۹.....	مسئولیت مخاطب چک	ماده دوازدهم:
۲۰.....	مسئولیت صادر کننده حجت و قبول کننده برات	ماده سیزدهم:
۲۰.....	مسئولیت مخاطبین برات	ماده چهاردهم:

ماده پانزدهم:	مسئولیت ظهرنویس..... ۲۲
ماده شانزدهم:	مكلفیت طرفین اسبق..... ۲۲
ماده هفدهم:	مسئولیت صادرکننده و قبول کننده منحیث مدیران
اصلی یا ضامن..... ۲۳	
ماده هجدهم:	مسئولیت طرف مساعدت کننده..... ۲۴
ماده نوزدهم:	مسئولیت انتقال دهنده..... ۲۵
ماده بیستم:	ضمانت..... ۲۶
ماده بیست و یکم:	برائت الذمه ظهرنویس..... ۲۶
ماده بیست و دوم:	مكلفیت قبول کننده باوجود تحریف یا اشتباه در ظهر نویسی..... ۲۷
ماده بیست و سوم:	قبولی برات به اسم تخیلی..... ۲۷
ماده بیست و چهارم:	صدورسند دربرابراجرای خدمت یا تأمین منفعت..... ۲۸
ماده بیست و پنجم:	داشتن رابطه ودرجه..... ۲۹
ماده بیست و ششم:	استحقاق دارنده سند به تناسب اجرای خدمت یا تأمین منفعت..... ۳۰
ماده بیست و هفتم:	مثنای سند مفقود شده..... ۳۱
ماده بیست و هشتم:	مسئولیت امضاً کننده و نماینده قانون متوفی..... ۳۱
ماده بیست و نهم:	امضاً تذویری یا غیر مجاز..... ۳۲
ماده سی ام:	امضای غیرمربوط و نامشخص..... ۳۳
ماده سی و یکم:	وکالت در اسناد قابل معامله..... ۳۳
ماده سی و دوم:	مسئولیت نماینده..... ۳۴

ماده سی و سوم: محدودیت بر معامله توسط ممثل قانونی ۳۴

فصل چهارم

انجام معامله

ماده سی و چهارم: تسلیمی به عنوان شرط تکمیل ۳۵

ماده سی و پنجم: شخص صاحب صلاحیت معامله ۳۶

ماده سی و ششم: ظهر نویسی محدود و اثر ظهر نویسی ۳۷

ماده سی و هفتم: مشروط ساختن مکلفیت ظهر نویس ۳۸

ماده سی و هشتم: ادعای دارنده سند از طریق دارنده با حسن نیت ... ۴۰

ماده سی و نهم: حقوق دارنده سند ۴۱

ماده چهل و یکم: حقوق دارنده با حسن نیت ۴۱

ماده چهل و یکم: سند دارای ظهر نویسی سفید ۴۲

ماده چهل و دوم: تبدیل ظهر نویسی سفید به ظهر نویسی مکمل ۴۲

ماده چهل و سوم: شرایط ظهر نویسی ۴۳

ماده چهل و چهارم: معامله سند با طرف مستول قبلی ۴۴

ماده چهل و پنجم: نقص در مالکیت ۴۵

ماده چهل و ششم: سند قابل معامله حاصل شده بعد از نکول یا گذشت

سر رسید ۴۵

ماده چهل و هفتم: قابل معامله بودن سند تا زمان تأدیه ۴۶

فصل پنجم

ارایه اسناد قابل معامله

ماده چهل و هشتم: ارایه برات برای قبولی ۴۷

۴۹.....	ارایه حجت عندالرویت	مادهٔ چهل ونهم :
۴۹.....	ارایه برای تأدیبه	مادهٔ پنجاهم :
۵۰.....	موارد عدم ارایه برای تأدیبه	مادهٔ پنجاه ویکم :
۵۰.....	ساعات ارایه جهت تأدیبه	مادهٔ پنجاه ودوم :
۵۱.....	ارایه سندقابل تأدیبه بعداز گذشت میعاد مشخص	مادهٔ پنجاه وسوم :
۵۱.....	ارایه حجت جهت تأدیبه به شکل اقساط	مادهٔ پنجاه وچهارم :
۵۲.....	ارایه سند جهت تأدیبه درمحل مشخص یاغیرآن	مادهٔ پنجاه وپنجم :
۵۳.....	ارایه نقل سند	مادهٔ پنجاه وششم :
۵۴.....	ارایه چک جهت ملزم ساختن صادرکننده	مادهٔ پنجاه وهفتم :
۵۵.....	ارایه سندقابل تأدیبه عندالمطالبه	مادهٔ پنجاه وهشتم :
	ارایه سند به نماینده ، ممثل قانونی یا شخص	مادهٔ پنجاه ونهم :
۵۵.....	ذیصلاح	
	توجیه تأخیرارایه سندقابل معامله برای قبولی یا	مادهٔ شصتم :
۵۶.....	تأدیبه	
	حالات عدم ارایه سندقابل معامله جهت قبولی یا	مادهٔ شصت ویکم :
۵۶.....	تأدیبه	
۵۹.....	اهمال بانکدار درتأدیبه سند ارایه شده	مادهٔ شصت ودوم :
فصل ششم		
تأدیبه وتکتانه		
۶۰.....	تأدیبه به دارندهٔ سندقابل معامله	مادهٔ شصت وسوم :
۶۰.....	محاسبه تکتانه یا سایر اشکال بهره	مادهٔ شصت وچهارم :
۶۵.....	الزام ظهرنویس برای تأدیبه تکتانه	مادهٔ شصت وپنجم :

ماده شصت و ششم : تسلیمی سند قابل معامله حین تأدیه یا برائت در صورت مفقودی..... ۶۵

فصل هفتم

برائت از مسئولیت در برابر اسناد قابل معامله

ماده شصت و هفتم : حالات برائت از مسئولیت ۶۶

ماده شصت و هشتم : مهلت دادن به مخاطب..... ۶۷

ماده شصت و نهم : عدم ارایه چک در موعد معینه و ضرر ناشی از آن... ۶۸

ماده هفتادم : چک قابل تأدیه به دستور..... ۶۹

ماده هفتاد و یکم : قبولی مشروط یا محدود..... ۷۰

ماده هفتاد و دوم : آثار تحریف اساسی..... ۷۲

ماده هفتاد و سوم : الزامیت قبول کننده یا ظهر نویس در صورت تحریف قبلی..... ۷۳

ماده هفتاد و چهارم : تأدیه سند دارای تحریف غیر آشکار..... ۷۳

ماده هفتاد و پنجم : برائت صادر کننده ، قبول کننده و ظهر نویس بعد از دارنده شدن سند قابل معامله توسط مدیون اصلی..... ۷۴

فصل هشتم

اطلاعیه نکول

ماده هفتاد و ششم : نکول به سبب عدم قبولی..... ۷۵

ماده هفتاد و هفتم : نکول به سبب عدم تأدیه..... ۷۶

ماده هفتاد و هشتم : اطلاعیه ابطال..... ۷۶

۷۸.....	ارایه اطلاعیه.....	ماده هفتاد ونهم :
۷۹.....	انتقال اطلاعیه نکول.....	ماده هشتادم :
۸۰.....	ارایه سند قابل معامله برای نماینده.....	ماده هشتادویکم :
۸۰.....	وفات طرف گیرنده اطلاعیه نکول.....	ماده هشتادودوم :
۸۱.....	حالات عدم ضرورت اطلاعیه نکول.....	ماده هشتادوسوم :

فصل نهم

یادداشت و اعتراض

۸۲.....	یادداشت.....	ماده هشتادوچهارم :
۸۳.....	اعتراض.....	ماده هشتاد وپنجم :
۸۴.....	محتوای اعتراض.....	ماده هشتادوششم :
	اعتراض به سبب عدم تأدیه بعداز نکول به علت عدم قبولی.....	ماده هشتادوهفتم :
۸۵.....	قبولی.....	
۸۶.....	اعتراض برسند خارجی.....	ماده هشتادوهشتم :

فصل دهم

موعد مناسب

	تأدیه حجت یا برات در خلال موعد معینه در آینده.....	ماده هشتادونهم :
۸۶.....	آینده.....	
	ترتیب سند قابل معامله به تاریخ های ماقبل یا مابعد.....	ماده نودم :
۸۷.....	مابعد.....	
	محاسبه سررسید برات یا حجت قابل تأدیه چندماه بعد از رویت یا تاریخ معینه آن.....	ماده نودویکم :
۸۸.....	بعد از رویت یا تاریخ معینه آن.....	

محداسبه سررسید برات یا حجت قابل تأدیبه چند	ماده نودودوم :
روز بعد از رویت یا تاریخ معینه آن..... ۸۹	
سررسید حجت یا برات در ایام رخصتی..... ۹۰	ماده نودوسوم :
موعد معینه..... ۹۰	ماده نودوچهارم :
موعد معینه جهت ارایه اطلاعیه نکول..... ۹۱	ماده نودوپنجم :

فصل یازدهم

قبولی و تأدیبه برات برای حفظ اعتبار

قبولی برای حفظ اعتبار..... ۹۲	ماده نودوششم :
چگونگی قبولی برای حفظ اعتبار..... ۹۳	ماده نودوهفتم :
مسئولیت قبول کننده برای حفظ اعتبار..... ۹۴	ماده نودوهشتم :
تأدیبه برای حفظ اعتبار..... ۹۵	ماده نودونهم :
حق تأدیبه کننده برای حفظ اعتبار..... ۹۶	ماده صدم :
مخاطب در صورت ضرورت..... ۹۶	ماده یکصدویکم :

فصل دوازدهم

جبران اسناد قابل معامله

جبران..... ۹۷	ماده یکصدودوم :
صدور برات برای طرف ملزم به جبران..... ۹۹	ماده یکصدوسوم :

فصل سیزدهم

احکام خاص قابل تطبیق در مورد مدارک اثباتیه

حالات صحیح درسند قابل معامله..... ۱۰۰	ماده یکصدوچهارم :
اعتبار اعتراض نکول..... ۱۰۲	ماده یکصدوپنجم :

- ماده یکصد و ششم : منع انکار اعتبار سند اولیه..... ۱۰۲
- ماده یکصد و هفتم : منع انکار صلاحیت ظهرو نویس دریافت کننده
تأدیہ..... ۱۰۳
- ماده یکصد و هشتم : ممنوعیت انکار امضاً یا صلاحیت طرفین
ماقبل سند قابل معامله..... ۱۰۳

فصل چهاردهم

موارد خاص قابل تطبیق بر چک

- ماده یکصد و نهم : حالات خاص لغو صلاحیت و مکلفیت بانکدار..... ۱۰۴
- ماده یکصد و دهم : خطوط بحیث بخش مهم چک ۱۰۴
- ماده یکصد و یازدهم : چک مخطط عام..... ۱۰۵
- ماده یکصد و دوازدهم : چک قابل تأدیہ به حساب دریافت کننده..... ۱۰۶
- ماده یکصد و سیزدهم : چک مخطط خاص..... ۱۰۷
- ماده یکصد و چهاردهم : مخطط شدن بعد از صدور..... ۱۰۷
- ماده یکصد و پانزدهم : تأدیہ چک مخطط خاص شده بیش از یک بار..... ۱۰۸
- ماده یکصد و شانزدهم : تأدیہ چک مخطط با حسن نیت..... ۱۰۹
- ماده یکصد و هفدهم : تأدیہ چک مخطط با سوء نیت ۱۱۰
- ماده یکصد و هجدهم : چک حاوی عبارت (غیر قابل انتقال)..... ۱۱۱
- ماده یکصد و نوزدهم : عدم مکلفیت بانکدار دریافت کننده مبلغ مندرج
چک..... ۱۱۱
- ماده یکصد و بیستم : کریدت چک مخطط حاوی عبارت «قابل تأدیہ به
حساب دریافت کننده مبلغ»..... ۱۱۲

فصل پانزدهم

موارد خاص قابل تطبیق بالای برات

- ماده یکصدویست و یکم : مخاطبین متعدد..... ۱۱۳
- ماده یکصدویست و دوم : صدور برات در وجه صادر کننده یا مخاطب..... ۱۱۴
- ماده یکصدویست و سوم : ضرورت ارایه برات برای قبولی..... ۱۱۴
- ماده یکصدویست و چهارم : حالات انصراف از ارایه ۱۱۴
- ماده یکصدویست و پنجم : رجوع دارنده به صادر کننده و ظهر نویسان..... ۱۱۵
- ماده یکصدویست و ششم : امتناع دارنده از قبولی مشروط..... ۱۱۵
- ماده یکصدویست و هفتم : نسخ متعدد برات..... ۱۱۶

فصل شانزدهم

احکام متفرقه

- ماده یکصدویست و هشتم : قانون قابل تطبیق بر مسئولیت های طرفین مندرج سند قابل معامله خارجی..... ۱۱۷
- ماده یکصدویست و نهم : طرز العمل خاص در مورد سند قابل معامله خارج از افغانستان..... ۱۱۹
- ماده یکصدوسی ام : فیس ها و جریمه های مالی..... ۱۲۰
- ماده یکصدوسی و یکم : اسناد موجود..... ۱۲۰
- ماده یکصدوسی و دوم : ارجحیت احکام..... ۱۲۱
- ماده یکصدوسی و سوم : تاریخ انقاد..... ۱۲۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قانون	د معاملي وړ سندونو
اسناد قابل معامله	قانون
فصل اول	لومړی فصل
احکام عمومي	عمومي حکمونه
<u>منظور وضع</u>	<u>د وضع کېدو منظور</u>
ماده اول :	لومړۍ ماده:

این قانون به منظور تنظیم امور مربوط به ترتیب و انتقال اسناد قابل معامله و تبادل به پول نقد و نظارت از آنها و رعایت معیارهای بین المللی در زمینه وضع گردیده است.

اهداف

ماده دوم :

اهداف این قانون عبارت اند از:

- ۱- فراهم آوری زمینۀ تسهیلات بیشتر در امور مالی.
- ۲- دسترسی به اعتبارات قابل معامله .

دغه قانون په معاملي او نغدو پیسو د تبادلې وړ سندونو د ترتیب او انتقال (لېږد) د اړوندو چارو د تنظیم او له هغو څخه د څارنې او په هکله ئې د بین المللي معیارونو د په پام کې نیولو په منظور، وضع شوی دی.

موخې

دوه یمه ماده:

ددې قانون موخې عبارت دي له :

- ۱- په مالي چارو کې د زیاتو اسانتیاوو د زمینې برابرول.
- ۲- د معاملي وړ اعتباراتو ته لاس رسی.

- ۳- د پانگونې جلبول او د سوداگرۍ پراختیا.
- ۳- جلب سرمایه گذاری و توسعه تجارت.
- ۴- د اشخاصو تر منځ له معاملې وړ سندونو څخه د گټې اخستې د مفکورې رواجول او پیاوړی کول.
- ۴- ترویج و تقویة مفکوره استفاده از اسناد قابل معامله میان اشخاص.
- ۵- د معاملې وړ سندونو پر تبادلې او نغدولو باندې څارنه.
- ۵- نظارت بر تبادلہ و نقد سازی اسناد قابل معامله.

اصطلاحگانې

درېمه ماده:

پدې قانون کې لاندې اصطلاحگانې دغه مفاهیم لري:

۱- د معاملې وړ سندونه: د برات، حجت (سفتې) او چک په شمول مالي بهالرونکي سندونه دي .

۲- برات: له قید او شرط پرته دستور لرونکی لیکلی سند دی چې د صادرونکي لخوا لاسلیک او په هغه کې ټاکلی شخص ملزم کېږي خو عندالمطالبه یا په راتلونکي کې په ټاکل شوي وخت د پیسو ټاکلی

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی دراین قانون دارای مفاهیم ذیل اند:

۱- اسناد قابل معامله: اسناد بهادار مالی بشمول برات، حجت (سفته) و چک است .

۲- برات: سند کتبی حاوی دستور بدون قید و شرط است که توسط صادر کننده امضاء در آن شخص معین ملزم می گردد تا عندالمطالبه یا در موعد معین در آینده، مبلغ معین پول را در وجه شخص

مبلغ د ټاکلي شخص په وجه کې یا د هغه په دستور یا د سند حامل ته ورکړي.

۳- چک: له قید او شرط پرته دستور لرونکی لیکلی سند دی چې د صادر وونکي په واسطه لاسلیک او پر بنسټ یې ټاکلي بانک ملزم کېږي خو په هغه کې درج شوی مبلغ عندالمطالبه د ټاکلي شخص په وجه کې یا د هغه په دستور یا د سند حامل ته ورکړي.

۴- حجت: د لاسلیک کوونکي د غیر مشروطې ژمنې لرونکی لیکلی سند دی چې پر بنسټ یې هغه ملزم کېږي، د پیسو ټاکلي مبلغ عندالمطالبه یا په ټاکلي وخت، د ټاکلي شخص په وجه کې یا د هغه په دستور یا د سند حامل ته ورکړي.

۵- قبولي: په برات کې د درج شوي مبلغ په ورکړې باندي موافقه ده چې د برات پرمخ لیکل کېږي.

۶- قبلوونکی: هغه شخص دی چې

معین یا به دستور وی یا به حامل سند، تأدیه نماید.

۳- چک: سند کتبی حاوی دستور بدون قید و شرط است که توسط صادر کننده امضاً و بانک معین به اساس آن ملزم می گردد تا مبلغ مندرج آنرا عندالمطالبه در وجه شخص معین یا به دستور وی یا به حامل سند، تأدیه نماید.

۴- حجت: سند کتبی حاوی تعهد غیر مشروط امضاً کننده است که به اساس آن وی ملزم می گردد، مبلغ معین پول را عندالمطالبه یا در موعد معینه در وجه شخص معین یا به دستور وی یا به حامل سند تأدیه نماید.

۵- قبولی: موافقه به تأدیه مبلغ مندرج برات است که به روی برات، تحریر می گردد.

۶- قبول کننده: شخصی است که

- د ټاکل شوو شرایطو مطابق په برات کې د درج شوي مبلغ پر ورکړې باندې ژمن ګرځي.
- ۷- د اعتبار د ساتنې لپاره قبلوونکي: هغه شخص دی چې برات د صادر وونکي یا د نوموړي برات له ظهرو نویسانو څخه د هر یوه د اعتبار د ساتلو لپاره له یادښت یا د نه قبلولو په علت له اعتراض وروسته یا د ښه تضمین لپاره قبلوي.
- ۸- مرستندوی لوری: هغه شخص دی چې پر ورکړه باندې یې ژمنه کړې وي او دهغې پر بنسټ د معاملې وړ سند په وړاندې مسئول دی.
- ۹- حامل: هغه شخص دی چې د موافقې مطابق، د معاملې وړ هغه سند چې حامل ته یې د ورکړې وړ وي، لاسته را وړي.
- ۱۰- نکول (رد): د معاملې وړ سند نه ورکړه یا نه منل دي چې ددې قانون د حکمونو مطابق ترتیب شوی وي.
- تأدیه مبلغ مندرج برات را مطابق شرایط معینه متعهد می ګرځد.
- ۷- قبول کننده برای حفظ اعتبار: شخصی است که برات را جهت حفظ اعتبار صادر کننده یا هریک از ظهرو نویسان برات مذکور بعد از یادداشت یا اعتراض به علت عدم قبولی یا جهت تضمین بهتر قبول می نماید.
- ۸- طرف مساعدت کننده: شخصی است که تعهد به تأدیه نموده و به اساس آن در برابر سند قابل معامله مسئول می باشد.
- ۹- حامل: شخصی است که بر طبق موافقه سند قابل معامله ای را که به حامل آن قابل تأدیه باشد، بدست می آورد.
- ۱۰- نکول (رد): عدم تأدیه یا قبولی سند قابل معامله ای است که مطابق احکام این قانون ترتیب شده باشد.

- ۱۱- د برات یا چک صادر وونکی: هغه شخص دی چې مخاطب ته د برات یا چک د ورکړې د ستور ورکوي.
- ۱۲- د حجت صادر وونکی: هغه شخص دی چې حجت لاسلیک کوي او پر بنسټ یې ورکړې ته ژمن کېږي.
- ۱۳- مخاطب: هغه شخص دی چې ورته د برات یا چک د ورکړې دستور ورکول کېږي.
- ۱۴- د اړتیا په صورت کې مخاطب: هغه شخص دی چې په برات یا ظهر نویسی کې پر مخاطب سربېره د هغه نوم هم درج شوی وي.
- ۱۵- د معاملي وړ سند لرونکی: د ورکړې ترلاسه کوونکی یا په ظهر نویسی کې ذینفع شخص دی چې د معاملي وړ سند متصرف یا یې حامل وي.
- ۱۶- له بڼه نیت سره لرونکی: هغه ۱۱- صادرکننده برات یا چک: شخصی است که تأدیه برات یا چک را به مخاطب دستور می دهد.
- ۱۲- صادر کننده حجت: شخصی است که حجت را امضاً و به اساس آن متعهد بـه تأدیه می گردد.
- ۱۳- مخاطب: شخصی است که تأدیه برات یا چک به وی دستور داده می شود.
- ۱۴- مخاطب در صورت ضرورت: شخصی است که در برات یا ظهر نویسی علاوه بر مخاطب اسم وی نیز درج شده باشد.
- ۱۵- دارنده سند قابل معامله: دریافت کننده تأدیه یا شخص ذینفع در ظهر نویسی است که متصرف سند قابل معامله یا حامل آن باشد.
- ۱۶- دارنده با حسن نیت: شخصی

شخص دی چې د معاملې وړ سند د ټاکل شوي مودې له تېرېدو دمخه او له عیبونو څخه له خبرېدو پرته ، پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، د ارزښت (عوض) په وړاندې لاسته راوړي.

است که سند قابل معامله را قبل از انقضای موعده معینه وبدون اطلاع از عیوب آن، مطابق احکام مندرج این قانون در برابر ارزش (عوض) بدست می آورد.

۱۷- صادرېدل: د معاملې وړ سند لومړنۍ تسلیمې هغه شخص ته ده چې د لرونکي په توګه یې تسلیموي.

۱۷- صدور : اولین تسلیمی سند قابل معامله به شخصی است که آن را بحیث دارنده تسلیم می گردد.

۱۸- ظهر نویسي : د معاملې وړ سند لرونکي یا صادر وونکي لاسلیک دی (له هغه وخت پرته چې د صادر وونکي په توګه یې لاسلیک کوي) چې د معاملې د سرته رسېدو په منظور، د معاملې وړ سند یا له هغه سره د ملصق پانې تر شا لیکل کېږي.

۱۸- ظهر نویسي : امضاً دارنده یا صادرکننده سند قابل معامله (به غیر از زمانی که به حیث صادرکننده امضاً میکند) است که به منظور انجام معامله، به عقب سند قابل معامله یا ورق ملصق به آن تحریر می گردد.

۱۹- بشپړه ظهر نویسي: هغه ظهر نویسي ده چې په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ د ورکړې دستور، د اخستونکي شخص نوم او د ظهر نویس لاسلیک درج شوي وي.

۱۹- ظهر نویسي مکمل : ظهر نویسي است که دستور تأدیه مبلغ مندرج سند قابل معامله ، اسم شخص گیرنده وامضای ظهر نویس ، در آن درج باشد.

- ۲۰- سپينه ظهر نويسي: هغه ظهر نويسي ده چي په معاملي وړ سند کي يوازي د ظهر نويس لاسليک موجود وي.
- ۲۰- ظهر نويسي سفيد: ظهر نويسي است که صرف امضای ظهر نويس در سند قابل معامله موجود باشد.
- ۲۱- د ظهر نويسي ذينفع شخص: هغه شخص دی چي بشپړې ظهر نويسي د هغه په کتبه صورت موندلی وي.
- ۲۱- شخص ذينفع ظهر نويسي: شخصي است که ظهر نويسي مکمل به نفع وی صورت گرفته باشد.
- ۲۲- مسئوليت: د عمل د سرته رسولو يا د ورکړې د اجراء په اړه د شخص مکلفيت دی.
- ۲۲- مسئوليت: مکلفيت شخص است ميني بر انجام عمل يا اجرای تأديه.
- ۲۳- برات الذمه: د معاملي وړ سندونو په وړاندې د مسئوليت پایته رسېدل دي.
- ۲۳- برات الذمه: خاتمه مسئوليت است در قبال اسناد قابل معامله.
- ۲۴- سر رسيد (موعد): هغه نېټه ده چي پکې په معاملي وړ سند کي درج شوی مبلغ، د ټاکل شوو شرايطو مطابق واجب التأديه ګرځي.
- ۲۴- سر رسيد (موعد): تاريخي است که در آن مبلغ مندرج سند قابل معامله، طبق شرايط معينه واجب التأديه می گردد.
- ۲۵- ورکړه په سر رسيد (موعد) کي: هغه حالت دی چي پکې په معاملي وړ سند کي درج مبلغ، د ټاکل شوو شرايطو مطابق او په نښه
- ۲۵- تأديه در سر رسيد (موعد): حالي است که در آن تأديه مبلغ مندرج سند قابل معامله، طبق شرايط معينه وباحسن نيت، طوری

صورت گيرد که اسباب اطمینان حامل یا دارنده سند را مبنی بر استحقاق آنها، تأمین نماید.

۲۶- معامله : انتقال سند قابل معامله است به نحوی که انتقال گیرنده موقف دارنده آنرا حایز گردد.

۲۷- طرف معامله : شخصی است که سند قابل معامله را به عنوان صادر کننده، قبول کننده، ظهر نویس یا ضمانت کننده امضاء نماید.

۲۸- دریافت کننده تأدییه : شخصی است که اسم وی در سند قابل معامله درج گردیده و دستور تأدییه مبلغ مندرج سند به وی یا به دستوروی در وجه شخص دیگر صادر شده باشد.

۲۹- اعتراض: اطلاعیه است که مطابق احکام مندرج این قانون، در صورت عدم قبولی برات

نیت سره، پداسی توگه صورت و مومی چي د سند د حامل یا لرونکي د ډاډ اسباب، د هغوی د استحقاق په اړه تأمین کړي.

۲۶- معامله: د معاملې وړ سند انتقال دی پداسې ډول چي انتقال اخستونکي د هغه د حامل موقف و نیسي.

۲۷- د معاملې اړخ: هغه شخص دی چي د معاملې وړ سند د صادر وونکي، قبلوونکي، ظهر نویس یا ضمانت کوونکي په توگه لاسلیک کړي.

۲۸- د وړ کړې ترلاسه کوونکي: هغه شخص دی چي نوم یې په معاملې وړ سند کې درج شوی وي او په سند کې د درج شوي مبلغ ورکړه هغه ته یا د هغه په دستور بل شخص ته دستور ورکول شوی وي.

۲۹- اعتراض: هغه خبرتیا ده چي پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، دبرات د نه قبلېدو یا د حجت

- د نه ورکړې په صورت کې د هغه د لرونکي په واسطه وړاندې کېږي.
- ۳۰- داخلي سند: د معاملي وړ هغه سند دی چې په افغانستان کې د ورکړې وړ وي يا په افغانستان کې د مېشت شخص په نوم صادر شوی وي.
- ۳۱- بهرنی سند: د معاملي وړ هغه سند دی چې له افغانستان څخه په بهر کې د ورکړې وړ يا له افغانستان څخه په بهر کې د مېشت شخص په نوم صادر شوی وي.
- ۳۲- معامله شوی سند: د معاملي وړ هغه سند دی چې بل شخص ته لېږدېدلی وي او پر بنسټ يې، لېږد اخستونکي د سند د لرونکي موقف و نيسي.
- ۳۳- عندالرويت (په وړاندې کولو سره): په حجت او برات کې د عندالمطالبې په مفهوم دی.
- ۳۴- له رویت وروسته: په حجت کې له وړاندې کولو څخه د وروسته په معني او په برات کې له قبلېدو
- يا عدم تأديه حجت توسط دارنده آن ارايه می گردد.
- ۳۰- سند داخلی: سند قابل معامله ای است که در افغانستان قابل تأديه يا به اسم شخص مقیم در افغانستان صادر شده باشد.
- ۳۱- سند خارجی: سند قابل معامله ای است که در خارج افغانستان قابل تأديه ويا به اسم شخص مقیم در خارج از افغانستان صادر شده باشد.
- ۳۲- سند معامله شده: سند قابل معامله ای است که به شخص دیگر منتقل شده و به اساس آن، انتقال گیرنده موقف دارنده سند را حایز گردد.
- ۳۳- عندالرويت (با ارايه): در حجت و برات به مفهوم عندالمطالبه می باشد.
- ۳۴- بعد از رویت: در حجت به معنی بعد از ارايه و در برات به مفهوم بعد از قبولی ويا بعد از

- وروسته یا د نه قبلېدو په اړه د یادښت یا اعتراض له وړاندې کولو وروسته په مفهوم دی.
- ۳۵- واکمن مامور: هغه شخص دی چې د لاسلیک د تأیید، د سند د تصدیق او پدې قانون کې د نورو درج شوو دندو لپاره د دافغانستان بانک د مالي شخړو د حل د کمېسیون لخوا، توظیف کېږي.
- ۳۶- تسلیمي: له یوه شخص څخه بل شخص ته په حقيقي یا اعتباري توګه د معاملي وړ سندونو د مالکیت لېږدېدل دي.
- ۳۷- د تسلیمي له لارې لېږدوونکی: هغه شخص دی چې د معاملي وړ سند د حامل په وجه کې د تسلیمي په وسیله او له ظهرونویسي پرته معامله کوي.
- ۳۸- تحریف: هغه غیر مجاز بدلون دی چې په سند کې واردېږي.
- ۳۹- بنسټیز تحریف: په سند کې د کتنې وړ بدلون دی چې د نېټې، د
- ارایه یادداشت یا اعتراض مینې بر عدم قبولی می باشد.
- ۳۵- مامور ذیصلاح: شخصی است که از جانب کمیسیون حل منازعات مالی د افغانستان بانک جهت تأیید امضاً، تصدیق سند و سایر وظایف مندرج این قانون، توظیف می گردد.
- ۳۶- تسلیمی: انتقال مالکیت اسناد قابل معامله است بطور حقيقي یا اعتباری از یک شخص به شخص دیگر.
- ۳۷- انتقال دهنده از طریق تسلیمی: شخصی است که سند قابل معامله را در وجه حامل بوسیله تسلیمی وبدون ظهرونویسی معامله می نماید.
- ۳۸- تحریف: تغییر غیر مجاز است که در سند وارد می گردد.
- ۳۹- تحریف اساسی: تغییر قابل ملاحظه در سند است که شامل تغییر

در تاريخ ، مبلغ قابل تاديه ومحل تاديه سند مي باشد.

۴۰- امضاً : علامه مشخص است که توسط شخص در ذيل سند توسط دست تحرير يا فکس گرديده يا به شيوه های معمول در افغانستان تصديق شود.

۴۱- محل مشخص : جای است که در سند قابل معامله جهت ارايه واضحاً مشخص مي گردد.

ساحه تطبيق قانون

ماده چهارم :

این قانون در مورد تمام اسناد قابل معامله قابل تطبيق می باشد .

نظارت

ماده پنجم :

نظارت از تطبيق احکام این قانون به عهده دافغانستان بانک می باشد .

ورکړې وړ مبلغ او د سند د ورکړې د ځای بدلون پکې شامل دی.

۴۰- لاسلیک: مشخصه علامه ده چې د شخص په واسطه تر سند لاندې د لاس په وسیله لیکل یا فکس کېږي یا په افغانستان کې په معمولو ډولونو تصدیقېږي.

۴۱- مشخص ځای: هغه ځای دی چې په معاملې وړ سند کې د وړاندې کولو لپاره په واضحه توګه مشخصېږي.

د قانون د تطبيق ساحه

څلورمه ماده:

دغه قانون د معاملې وړ ټولو سندونو په هکله د تطبيق وړ دی.

څارنه

پنځمه ماده:

ددې قانون د حکمونو له تطبيق څخه څارنه د د افغانستان بانک په غاړه ده.

دوه یم فصل

د معاملې وړ سندونه

شرایط

شپږمه ماده :

(۱) سند د لاندې شرایطو د لرلو په صورت کې، د معاملې وړ ګڼل کېږي:

۱- نه مشروط والی.

۲- د ورکړې وړ مبلغ مشخص والی.

۳- د معاملې د اړخ ټاکلیتوب.

(۲) د معاملې وړ سند په لاندې احوالو کې نا مشروط ګڼل کېږي:

۱- که چېرې په سند کې د درج شوي مبلغ د ورکړې سر رسید یا اړوند قسطونه، د مشخصې پېښې له واقع کېدو او د ټاکلې مودې (چې د بشري معمولې توقع مطابق د یادې شوې پېښې واقع کېدل حتمي خو نېټه یې نا معلومه وي) تېرېدل ټاکل

فصل دوم

اسناد قابل معامله

شرایط

ماده ششم :

(۱) سند در صورت داشتن شرایط ذیل، قابل معامله دانسته می شود:

۱- غیر مشروط بودن.

۲- مشخص بودن مبلغ قابل تأدیة .

۳- معین بودن طرف معامله.

(۲) سند قابل معامله در احوال ذیل غیر مشروط دانسته می شود :

۱- هرگاه سر رسید تأدیة مبلغ مندرج سند یا اقساط مربوط ، بعد از وقوع واقعه مشخص و انقضای مدت معین (که طبق توقع معمول بشري وقوع رویداد متذکره حتمي ولی تاریخ آن نامعلوم باشد) ، تعیین شده

- شوي وي. باشد.
- ۲- که چپرې د ورکړې وړ مبلغ، د احوالو مطابق د حجت د صادر وونکي د سوداګرۍ د ګټې او ضرر د میزان تابع وي.
- ۳- که چپرې د معاملي وړ سند د ورکړې په دستور کې مبلغ يا حساب پداسې توګه مشخص شي چې مخاطب و توانېږي، خپلې پيسې له هغه څخه ترلاسه کړي يا د هغې معاملي ډول چې د معاملي وړ سند له هغې څخه را پيدا شوی دی، و ټاکل شي.
- (۳) په لاندې احوالو کې د ورکړې وړ مبلغ په معاملي وړ سند کې مشخص کيل کېږي:
- ۱- په معاملي وړ سند کې د ټکټانې يا د ګټې د نورو ډولونو شاملول.
- ۲- د ترتيبولو په وخت کې د مشخص نرخ يا د تبادلې د ورځې د نرخ پر بنسټ په سند کې د درج شوي مبلغ د ورکړې وړتيا.
- ۳- د قسطونو په ډول دورکړې وړتيا.
- ۲- هرگاه مبلغ قابل تأديه حسب احوال تابع میزان نفع و ضرر تجارت صادرکننده حجت باشد.
- ۳- هرگاه در دستور تأديه سند قابل معامله مبلغ يا حساب طوری مشخص شده باشد که مخاطب بتواند، پول خویش را از آن حاصل نماید يا نوعیت معامله ايکه سند قابل معامله از آن ناشی شده است، تعیین گردیده باشد.
- (۳) در احوال ذیل مبلغ قابل تاديه در سند قابل معامله مشخص دانسته می شود:
- ۱- شمولیت تکتانه يا ساير اشکال بهره در سند قابل معامله.
- ۲- قابلیت تأديه مبلغ مندرج سند به اساس نرخ مشخص يا نرخ روز تبادلۀ در زمان ترتیب سند.
- ۳- قابلیت تأديه به شکل اقساط.

۴- پدې اړه د شرط درجول چې د یوه یا له یوه څخه د زیاتو قسطونو یا ټکټانې د نه ورکړې په صورت کې، ټول پاتې (نه ورکړل شوي) مبالغ په چټکه توګه واجب الاداء دي.

(۴) که چېرې په حجت یا برات کې د ورکړې د ترلاسه کوونکي شخص هويت په معمول او واضح صورت سره ټاکل شوی وي، د معاملي اړخ شخص ټاکل شوی ګڼل کېږي، که څه هم چې دغه تسمیه ناسمه وي یا دا چې یوازې د هغه مشخصات، توضیح شوي وي.

په هغه صورت کې چې د ورکړې ترلاسه کوونکي (تخیلي) یا نا موجود شخص وي، برات د هغه حامل ته د ورکړې وړ دی.

عندالمطالبه د ورکړې وړ حجت

او برات

اوومه ماده:

(۱) حجت او برات په لاندې احوالو کې عندالمطالبه د ورکړې وړ دي:

۴- درج شرط مینی بر این که در صورت عدم تأدیة یک یا بیشتر اقساط یا تکتانه ، تمام مبالغ باقی مانده (تأدیه ناشده) طور سریع ، واجب الادا می باشد.

(۴) هرگاه هویت شخص در حجت یا برات بصورت معمول و واضح تعیین شده باشد، شخص مورد نظر، معین پنداشته می شود، گرچه این تسمیه نادرست بوده یا این که صرف مشخصات وی ، توضیح نشده باشد.

در صورتی که دریافت کننده تأدیة ، شخص تخیلی یا غیر موجود باشد ، برات به حامل آن قابل تأدیة است .

حجت و برات قابل تأدیة

عندالمطالبه

ماده هفتم :

(۱) حجت و برات در احوال ذیل عندالمطالبه قابل تأدیة می باشد :

- ۱- په هغه صورت کې چې په ورکړه یې "عندالمطالبه"، "عندالرویت" یا د "وراندې کولو په وخت کې"، تصریح شوی وي.
- ۲- په هغه صورت کې چې په حجت یا برات کې د ورکړې وخت یاد شوی نه وي.
- ۳- په هغه صورت کې چې قبلوونکی یا ظهر نویس حجت یا برات د سررسید له تېرېدو وروسته قبولی یا ظهر نویسی کړی وي.
- (۲) که چېرې د حجت یا برات پرمخ د "عندالمطالبه" عبارت ولیدل شي، په هغه صورت کې چې نوموړی حجت یا برات له شپږو میاشتو څخه زیاته موده په جریان کې وي، تېر شوی گڼل کېږي.
- (۳) چک "عندالمطالبه" د ورکړې وړ دی.
- ۱- درصورتی که در حجت یا برات به تأدییه آن "عندالمطالبه"، "عندالرویت" یا "هنگام ارایه" تصریح شده باشد.
- ۲- درصورتی که زمان تأدییه در حجت و برات ذکر نشده باشد.
- ۳- درصورتی که قبول کننده یا ظهر نویس، حجت یا برات را بعد از انقضای سررسید، قبول یا ظهر نویسی نموده باشد.
- (۲) هرگاه در روی حجت یا برات عبارت "عندالمطالبه" نمایان گردد، در صورتی که حجت یا برات مذکور برای مدت بیش از شش ماه در جریان بوده باشد، منقضی محسوب می گردد.
- (۳) چک "عندالمطالبه" قابل تأدییه می باشد.

په دستور د ورکړې وړ سند

اټمه ماده:

(۱) د معاملي وړ سند په هغه

سند قابل تأدییه به دستور

ماده هشتم:

(۱) سند قابل معامله درصورتی به

دستور، قابل تأدیہ می باشد که طرز تأدیہ در آن ذکر و یا آخرین ظہر نویسی آن سفید (بدون اسم) باشد.

(۲) سند قابل معاملہ زمانی قابل تأدیہ بہ دستور دانستہ می شود کہ در آن اسم شخص معینی کہ مبلغ مندرج آنرا دریافت می نماید، تصریح شدہ و عاری از نوشتہ صریح یا ضمنی مبنی بر ممنوعیت انتقال باشد.

(۳) ہرگاہ در سند قابل معاملہ بہ صورت مستقیم یا توسط ظہر نویسی ذکر شدہ باشد کہ بہ دستور شخص معین قابل تأدیہ است (ذکر نشدہ کہ بخود شخص قابل تأدیہ است) در این صورت سند قابل معاملہ مذکور بہ انتخاب خود شخص در وجہ یا بہ دستور وی قابل تأدیہ می باشد.

(۴) سند قابل معاملہ در وجہ دویا بیشتر از دو دریافت کنندہ تأدیہ بہ صورت مشترک و یا بہ صورت بدیل

صورت کی پہ دستور د ورکری وړ دی چې د ورکری ډول پکې یاد شوی یا یې اخري ظہر نویسی سپینہ (لہ نوم پرتہ) وي.

(۲) د معاملې وړسند هغه وخت په دستور د ورکری وړدی چې پکې دهغه ټاکلي شخص نوم چې په هغه کې درج شوی مبلغ ترلاسه کوي، تصریح شوی او د لېږد د ممنوعیت له صریحې یا ضمنی لیکنې څخه تش وي.

(۳) که چېرې په معاملې وړ سند کې په مستقیمه توګه یا د ظہر نویسی په واسطه یادہ شوې وي چې د ټاکلي شخص په دستور د ورکری وړ دی (نه وي یاد شوي چې خپله شخص ته د ورکری وړ دی) پدې صورت کې د معاملې وړ نوموړی سند خپله د شخص په ټاکنه د هغه په وجہ یا په دستور د ورکری وړدی.

(۴) د معاملې وړ سند، د ورکری د ترلاسه کوونکو د دوو یا له دوو څخه د زیاتو په وجہ کې په مشترک

صورت یا له هغو څخه یوه ته د بدل په توګه یا څو تنو غوره شوو ترلاسه کوونکو ته، ورکول کېدی شي.

مهم سندونه

نهمه ماده:

که چېرې سند په حجت یا برات دواړو باندې تعبیر شي، پدې صورت کې د سند لرونکی کولی شي په خپله ټاکنه هغه د حجت یا برات په توګه وګڼي، له هغې وروسته نوموړی سند د بیا ټاکنې وړتیا نلري.

د تورو او ارقامو تر منځ توپیر

لسمه ماده:

په هغه صورت کې چې د هغه مبلغ چې د ورکړې ژمنه یا دستور یې صادر شوی دی، د تورو او ارقامو تر منځ توپیر وجود و لری، هغه مبلغ چې په تورو لیکل شوی وي، د اعتبار وړ دی. که چېرې توري مبهم یا غیر قطعي وی، پدې صورت کې مبلغ د ارقامو پر بنسټ ټاکل کېدی شي.

به یکی از آنها و یا به چندتن از دریافت کنندگان منتخب، تأدیه شده می تواند.

اسناد مبهم

ماده نهم:

هرگاه سند به حجت یا برات هر دو تعبیر شده بتواند، در این صورت دارنده سند می تواند به انتخاب خود آنرا بحیث حجت یا برات محسوب نماید. بعد از آن سند متذکره قابلیت انتخاب مجدد را ندارد.

تفاوت میان حروف و ارقام

ماده دهم:

در صورتی که میان حروف و ارقام مبلغی که تعهد یا دستور تأدیه آن صادر شده است، تفاوت وجود داشته باشد، مبلغی که به حروف تحریر گردیده، قابل اعتبار می باشد. هرگاه حروف مبهم یا غیر قطعی باشد، در این صورت مبلغ به اساس ارقام، تعیین شده می تواند.

درېم فصل

د معاملي وړ سندونو اړخونه

د صادر وونکي مسئوليت

يوولسمه ماده:

(۱) د برات صادر وونکي د هغه په صادرولو سره ژمن کېږي چې د سند په مقتضي وړاندې کولو سره، برات قبول شوی او د هغه د مفاد مطابق ورکړه صورت مومي که چېرې قبولی په دی قانون کې د درج شوو حکمونو سره سم صورت نه وي موندلی، د برات مخاطب د هغه په وړاندې مسئولیت نه لري. په هغه صورت کې چې برات رد شي، صادر وونکي د لرونکي یا ظهر نویس چې هغه یې ورکړې ده، په جبران مکلف دی.

(۲) د چک صادر وونکي د هغه په صادرولو سره ژمن کېږي چې د مخاطب لخوا د چک درد په صورت کې، هغه د سند لرونکي په جبران مکلف دی.

فصل سوم

طرفین اسناد قابل معامله

مسئولیت صادر کننده

ماده یازدهم:

(۱) صادرکننده برات با صدور آن متعهد می شود که با ارایه مقتضی سند، برات مورد قبول واقع شده و مطابق مفاد آن تأدیه صورت می گیرد. هرگاه قبولی مطابق احکام مندرج این قانون صورت نگرفته باشد، مخاطب برات در برابر آن مسئولیت ندارد. در صورتی که برات رد شود، صادرکننده مکلف به جبران دارنده یا ظهر نویسی می باشد، که آن را تأدیه نموده است.

(۲) صادرکننده چک با صدور آن متعهد می شود که در صورت رد چک توسط مخاطب، وی مکلف به جبران دارنده سند می باشد.

(۳) ددې مادې په (۲۰۱) فقره کې درج شوي حکمونه په هغه صورت کې د تطبیق وړدي چې د نوموړي برات یا چک د نکول خبرتیا پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق دمخه صادروونکي ته تسلیم شوې وي او صادروونکي هغه ترلاسه کړې وي.

د چک د مخاطب مسئولیت

دوولسمه ماده:

مخاطب هغه وخت د چک له ورکړې څخه مسئول ګڼل کېږي چې ورکړه یې رسماً غوښتل شوې وي او د چک د صادروونکي له دارايي څخه په کافي مقدار چې د هغې د ورکړې لپاره مناسبه وي په واک کې ولري، له ورکړې څخه د نکول په صورت کې، مخاطب د چک د صادروونکي په جبران مکلف دی.

(۳) احکام مندرج فقره های (۲۰۱) این ماده در صورتی قابل تطبیق می باشد که اطلاعیه نکول برات یا چک مذکور مطابق احکام مندرج این قانون قبلاً به صادر کننده تسلیم داده شده و صادر کننده آنرا دریافت نموده باشد.

مسئولیت مخاطب چک

ماده دوازدهم :

مخاطب زمانی از تأدیة چک مسئول دانسته می شود که تأدیة آن رسماً مطالبه شده و مقدار کافی از دارائی صادر کننده چک را که برای تأدیة آن مناسب باشد، در اختیار داشته باشد. در صورت نکول از تأدیة ، مخاطب مکلف به جبران صادر کننده چک می باشد.

د حجت د صادر وونکي او دبرات د قبلوونکي مسئولیت

دیارلسمه ماده:

د حجت صادر وونکي د هغه په صادرولو سره او د برات قبلوونکي له سر رسید دمخه د هغه په قبلولو سره، له احوالو سره سم د حجت د مفاد یا د برات د قبولی مطابق په ورکړې ژمن دی اوله ورکړې څخه د نکول په صورت کې، په حجت یا برات کې د طرف اشخاصو په جبران مکلف دی، خو داچې په مقاوله کې د هغه پر خلاف موافقې صورت موندلی وي. د برات قبلوونکي د هغه په قبلولو سره په سر رسید کې یا وروسته له هغه، د هغه لرونکي ته عندالمطالبه په برات کې د درج شوي مبلغ په ورکړه ژمن گڼل کېږي.

د برات د مخاطبینو مسئولیت

څوارلسمه ماده:

(۱) لاندې اشخاص د برات له

مسئولیت صادر کننده حجتوقبول کننده برات

ماده سیزدهم:

صادر کننده حجت با صدور آن وقبول کننده برات قبل از سر رسید با قبول آن ، حسب احوال متعهد به تأدیه طبق مفاد حجت یا قبولی برات می باشد و در صورت نکول از تأدیه ، مکلف به جبران اشخاص طرف در حجت یا برات می باشند ، مگر این که در مقاوله بر خلاف آن توافق صورت گرفته باشد.

قبول کننده برات با قبولی آن در سر رسید یا بعد از آن ، عندالمطالبه متعهد به تأدیه مبلغ مندرج برات ، به دارنده آن دانسته می شود.

مسئولیت مخاطبین برات

ماده چهاردهم :

(۱) اشخاص ذیل بعد از قبولی

قبلولو وروسته، په هغه کې د درج شوي مبلغ په ورکړې ملزم گڼل کېږي:

- ۱- مخاطب يا مخاطبين.
 - ۲- په برات کې درج شوی شخص چې د اړتيا په صورت کې د مخاطب په توگه معرفي شوی دی.
 - ۳- قبلوونکی داعتبارد ساتنې لپاره.
 - (۲) په برات کې د مخاطبينو دتعدد په صورت کې چې يو دبل شريکان وي، دهغو هريو کولی شي سند د ځان لپاره له شريکانو څخه په استازيتوب ومني ، پدې شرط چې دشراکت په موافقه ليک کې بل ډول تصريح شوي نه وي .
 - (۳) په برات کې د مخاطبينو دتعدد په صورت کې چې يو د بل شريکان نه وي ، هريو له هغو څخه کولی شي، برات دځان لپاره قبول کړي، خو هيڅ يو نشي کولی هغه د بل مخاطب لخوا د هغه له اجازې پرته قبول کړي.
- برات ملزم به تأديه مبلغ مندرج آن دانسته می شونډ :
- ۱- مخاطب يا مخاطبين.
 - ۲- شخص مندرج برات که بحیث مخاطب درصورت ضرورت معرفی شده است.
 - ۳- قبول کننده برای حفظ اعتبار.
 - (۲) درصورت تعدد مخاطبين دربرات که شرکای هم دیگر باشند ، هرکدام آن ها می توانند سند را برای خود یا به نمایندگی از شرکا قبول نمایند. مشروط بر این که درموافقتنامه شراکت طور دیگری تصریح نشده باشد.
 - (۳) درصورت تعدد مخاطبين دربرات که شرکای هم دیگر نباشند، هرکدام آنها می توانند برات را برای خود قبول نمایند ، اما هیچ کدام نمی تواند آن را ازطرف مخاطب دیگری بدون اجازه وی قبول نماید.

د ظهر نويس مسئوليت

پنځلسمه ماده:

ظهر نويس ژمنه کوي چې په سر رسيد کې د معاملې له وړاندې کولو وروسته، د معاملې وړ سند د قبلېدو وړ ګرځي او په هغه کې د درج شوو شرايطو مطابق ورکول کېږي. د نکول په صورت کې، د سند لرونکي يا وروستني ظهر نويس په جبران مکلف دی چې د سند په ورکړه مجبور شوی دی، خو دا چې په مقاله کې بل ډول تصريح شوي وي.

ظهر نويس د معاملې وړ سند له ردېدو وروسته پداسې توګه مسئول دی چې د ورکړې وړ عندالمطالبه سند په وړاندې مسئول دی.

د مخکنيو اړخونو مکلفيت

شپاړسمه ماده:

له بنه نيت سره د لرونکي په وړاندې د معاملې وړ سند له پخوانيو اړخونو څخه هر يو تر هغه وخته

مسئوليت ظهر نويس

ماده پانزدهم:

ظهر نويس تعهد می نماید که بعد از ارایه سند قابل معامله در سررسید ، سند قابل معامله ، مورد قبول قرار گرفته ، طبق شرایط مندرج آن تأدیه می شود . در صورت نکول ، مکلف به جبران دارنده سند یا ظهر نويس بعدی می باشد که مجبور به تأدیه سند شده است ، مگر این که در مقاله طور دیگری تصریح شده باشد.

ظهر نويس بعد از رد سند قابل معامله ، طوری مسئول است که در قبال سند قابل تأدیه عندالمطالبه مسئول می باشد.

مکلفيت طرفين اسبق

ماده شانزدهم:

هریک از طرفين اسبق سند قابل معامله در برابر دارنده با حسن نيت تا زمانی مسئول

پورې مسئول پېژندل کېږي چې په سند کې درج شوی مبلغ د هغه د مفاد مطابق ورکړل شي.

شناخته می شونډ که مبلغ مندرج سند ، مطابق مفاد آن تأدیه گردد.

د اصلي مديون يا ضامن په توگه

مسئوليت صادرکننده و قبول کننده

د صادر وونکي او قبل وونکي

منحيث مديون اصلي يا

مسئوليت

ضامن

اوولسمه ماده:

ماده هفدهم :

(۱) د حجت او چک صادر وونکي د صادرېدو له وخته، د برات صادر وونکي د قبولي تر وخته او د برات قبل وونکي د اصلي مديونينو په توگه د نوموړو سندونو په وړاندې مسئوليت لري، خودا چې په مقاوله کې بل ډول تصريح شوي وي.

(۱) صادرکننده حجت وچک از زمان صدور ، صادر کننده برات تا زمان قبولي و قبول کننده برات بحيث مديونين اصلي درقبال اسناد مذکور مسئوليت دارند ، مگر اين که درمقاوله طور ديگري تصريح شده باشد.

(۲) هغه اشخاص چې له صادرېدو يا قبولي وروسته، ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو سندونو اړخ واقع کېږي، د صادر وونکي يا قبل وونکي د ضامنانو په توگه پېژندل کېږي.

(۲) اشخاصی که بعد از صدور يا قبولي ، طرف اسناد مندرج فقره (۱) اين ماده قرار می گيرند، بحيث ضامين صادر کننده يا قبول کننده شناخته می شونډ.

(۳) له ضامنانو څخه هر يو د هغه شخص په وړاندې چې له هغه

(۳) هر یک از ضامين در برابر شخصی که بعد از وی طرف سند

وروسته د سند اړخ ګرځي، د اصلي مديون په توګه پېژندل کېږي، خو دا چې په مقاله کې بل ډول تصريح شوی وي.

د مرسته کونکي اړخ مسئوليت

اتلسمه ماده:

(۱) د معاملي وړ سند مرستندوی اړخ له ښه نيت سره لرونکي په وړاندې مسئول دی که څه هم چې لرونکی د هغه صادر وونکي له موقف څخه چې د مرستندوی اړخ په توګه وي، خبرتيا و لري که نه.

(۲) که چېرې مرستندوی اړخ، په معاملي وړ سند کې درج شوی مبلغ ورکړي، مرسته اخستونکی اړخ د هغه په بېرته ورکړه مکلف دی.

(۳) په هغه صورت کې چې مرسته اخستونکی اړخ د مرستې په سند کې درج شوی مبلغ ورکړي، نشي کولی دغه مبلغ له مرستندوی اړخ څخه ترلاسه کړي او همدارنګه د هغه د ترلاسه کولو په اړه د ادعا حق نلري.

قرار می گیرد ، بحيث مديون اصلي شناخته می شود ، مگر اين که در مقاله طور ديگري تصريح شده باشد.

مسئوليت طرف مساعدت کننده

ماده هجدهم :

(۱) طرف مساعدت کننده سند قابل معامله در برابر دارنده باحسن نيت مسئول بوده ، ولواين که دارنده از موقف صادر کننده که بحيث طرف مساعدت کننده می باشد ، اطلاع داشته باشد يا نه.

(۲) هرگاه طرف مساعدت کننده ، مبلغ مندرج سند قابل معامله را تأديه نمايد ، طرف مساعدت گيرنده مکلف به باز پرداخت آن می باشد.

(۳) در صورتی که طرف مساعدت گيرنده مبلغ مندرج سند مساعدت را تأديه نمايد، نمی تواند اين مبلغ را از طرف مساعدت دهنده حصول نمايد و نیز حق ادعاى مبنی بر حصول آن را ندارد.

د انتقالونکي مسئوليت

نولسمه ماده:

(۱) هغه انتقالونکي چې د حامل په وجه کې د معاملې وړسند له ظهر نویسی پرته انتقال اخستونکي ته تسلیموي، د سند په وړاندې مسئول نه گڼل کېږي.

(۲) هغه انتقالونکي چې د تسلیمې له لارې، سند معامله کوي، لومړۍ درجه انتقال اخستونکي ته د معاملې وړ سند په انتقالولو سره پخپله ژمنه کوي:

- هغه، سند د ارزښت په وړاندې لاسته راوړی دی.

- د معاملې وړسند اصلیت، د هغه د ظاهري مفهوم مطابق دی.

- هغه ئې د انتقال حق لري.

- هغه د انتقال په وخت کې له هغو نیمگړتیاوو څخه چې سند بې ارزښته کړي، خبرتیا نه لري.

مسئولیت انتقال دهنده

ماده نهمه:

(۱) انتقال دهنده ای که سند قابل معامله دروجه حامل را بدون ظهر نویسی به انتقال گیرنده تسلیم می نماید، در برابر سند مسئول دانسته نمی شود.

(۲) انتقال دهنده ای که از طریق تسلیمی، سند را معامله می نماید، با انتقال سند قابل معامله به انتقال گیرنده درجه اول، خود تعهد می نماید:

- وی، سند را در برابر ارزش بدست آورده است.

- اصلیت سند قابل معامله، مطابق مفهوم ظاهری آن است.

- وی، حق انتقال آن را دارد.

- وی در زمان انتقال از نواقصی که سند را بی ارزش سازد، اطلاعی نداشته است.

ضمانت

شلمه ماده:

که چپرې د قبول شوي برات لرونکي د هغه له قبلوونکي سره د قانون مطابق د نورو اړخونو د بري الذمه کولو په اړه مقاوله عقد کړي، لرونکي کولی شي په خرگنده په نوموړي قرار داد کې له نورو طرف اشخاصو څخه د غوښتنې حق ځانته وساتي، پدې حالت کې آخري اړخونه دبرات دلرونکي په وړاندې له ورکړې څخه نه بري الذمه کېږي.

د ظهر نويس بري الذمه

يوويشتمه ماده:

که چپرې د معاملي وړ سند، د ظهر نويس له موافقي پرته د جبران د ادعا حق چې د پخوانيو اړخونو پر عليه وجود لري، ساقط يا نيمگړی کړي، پدې صورت کې ظهر نويس د سند د لرونکي په وړاندې له مسئوليت څخه بري الذمه پېژندل

ضمانت

ماده بیستم :

هرگاه دارنده برات قبول شده با قبول کننده آن مقاوله ای را مطابق احکام قانون مبنی بر بری الذمه ساختن سایر طرفین منعقد سازد، دارنده می تواند طور صریح در قرارداد متذکره حق مطالبه از دیگر اشخاص طرف درسند را بخود محفوظ نگهدارد، دراین حالت طرفین اخیر در برابر دارنده برات بری الذمه نمی گردند.

برائت الذمه ظهر نويس

ماده بیست و یکم :

هرگاه دارنده سند قابل معامله، بدون موافقه ظهر نويس حق ادعای جبران را که عليه طرف های اسبق وجود داشته است، ساقط يا ناقص نماید، در این صورت ظهر نويس از مسئولیت در برابر دارنده سند، بری الذمه دانسته

شده، چنين پنداشته می شود که سند
حين سررسيد آن تأديه گرديده
است.

مکلفیت قبول کننده باوجود

تحریف یا اشتباه در ظاهر

نویسی

ماده بیست و دوم :

قبول کننده نمی تواند بدلیل
تحریف یا اشتباه در ظاهر نویسی از
تأديه مبلغ مندرج براتی که
قبلاً ظاهر نویسی شده است ، ابا
ورزد.

قبولی برات به اسم تخیلی

ماده بیست و سوم :

قبول کننده نمی تواند برات صادر
شده به اسم تخیلی که به دستور
صادر کننده قابل تأديه باشد ،
بدلیل تخیلی بودن اسم ، از
تأديه مبلغ مندرج سند در برابر
دارنده باحسن نیت ابا
ورزد، مشروط براین که سند یا

کپري داسې گڼل کېږي چې سند د
هغه د سررسيد په وخت کې ورکړل
شوی دی.

په ظاهر نویسی کې د تحریف یا

تېروتنې سره ، سره د قبلوونکي

مکلفیت

دوه ویشتمه ماده:

قبلوونکی نشي کولي په ظاهر نویسی
کې د تحریف یا تېروتنې په دلیل په
هغه برات کې د درج شوي مبلغ له
ورکړې څخه چې دمخه ظاهر نویسی
شوی دی، ډډه و کړي.

په تخیلی نوم د برات قبلول

درویشتمه ماده:

قبلوونکی نشي کولی په تخیلی نوم
لیکل شوی برات چې د
صادروونکي په دستور د ورکړې وړ
وي، د نوم د تخیلی والي په دلیل له
بنه نیت سره د لرونکي په وړاندې
په سند کې د درج شوي مبلغ له
ورکړې څخه ډډه و کړي، پدې

ظهر نویسی آن به خط و امضای صادر کننده ترتیب گردیده باشد.

صدورسند در برابر اجرای خدمت یا تأمین منفعت

ماده بیست و چهارم :

(۱) هرگاه سند قابل معامله در بدل اجرای خدمت یا تأمین منفعت صادر، قبول، ظهر نویسی یا انتقال شده باشد، تا زمانی که هدف مذکور برآورده نشده است، برای طرفین معامله مسئولیتی را بار نمی آورد.

(۲) هرگاه یکی از طرفین، سند قابل معامله را با یا بدون ظهر نویسی در بدل اجرای خدمت یا تأمین منفعت به دارنده انتقال نموده باشد، در این صورت دارنده مذکور و هریک از دارندگان بعدی که آنرا از وی تملک نموده باشند، می توانند مبلغ واجب التادیبه مندرج سند

شرط چپ سند یا بی ظهر نویسی د صاروونکی په خط او لاسلیک ترتیب شوي وي.

د خدمت د اجراء یا د گتې د تأمین په وړاندې د سند صادر بدل

خلپريشتمه ماده:

(۱) که چپرې د معاملي وړ سند د خدمت د اجراء یا د گتې د تأمین په وړاندې صادر، قبول، ظهرنویسی یا انتقال شوی وي، تر هغه وخته پورې چې نوموړې موخه تر سره شوي نه وي د معاملي اړخونو ته مسئولیت نه راوړي.

(۲) که چپرې یوه له اړخونو څخه، د معاملي وړ سند له ظهر نویسی سره یا پرته د خدمت د اجراء یا د گتې د تأمین په بدل کې لرونکي ته انتقال کړي وي، پدې صورت کې نوموړی لرونکی او له وروستیو لرونکو څخه هر یو چې هغه یې له ده څخه تملک کړی وي، کولی شي په معاملي وړ سند کې درج شوی

واجب التادیه مبلغ له هغه انتقالونکي څخه چې هغه یې د خدمت د اجراء یا د گټې د تأمین په بدل کې انتقال کړی دی او یا له پخواني اړخ څخه ترلاسه کړي.

(۳) که چېرې په معاملې وړ سند کې طرف شخص عملاً خدمت یا کټه اجراء یا تأمین کړي وي، د هغه خدمت یا گټې د معادل مبلغ د ترلاسه کولو مستحق دی چې ترسره کړي یې دي.

د رابطې (اړیکو) او درجې لړل

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) که چېرې په معاملې وړ سند کې درج شوی ارزښت هغه مبلغ وي چې په سر کې (ابتداً) په قسمي توګه نا موجود یا وروسته په قسمي توګه اجراء شوی نه وي، پدې صورت کې هغه مبلغ چې د لومړۍ درجې رابطې درلودونکي لرونکي، د نوموړي لاسلیک کوونکي په نسبت د ترلاسه کولو مستحق دی، متناسباً کمښت مومي.

قابل معامله را از انتقال دهنده ای که آنرا در بدل اجرای خدمت یا تأمین منفعت انتقال نموده ویا ازطرف اسبق، حصول نمایند.

(۳) هرگاه شخص طرف در سند قابل معامله خدمت یا منفعتی را عملاً اجراً یا تأمین نموده باشد، مستحق دریافت مبلغ معادل خدمت یا منفعتی می باشد که انجام داده است.

داشتن رابطه ودرجه

ماده بیست وینجم:

(۱) هرگاه ارزش مندرج سند قابل معامله مبلغی باشد که ابتداءً بصورت قسمی نا موجود یا بعداً طور قسمی اجرا نشده باشد، در این صورت مبلغی که دارنده دارای رابطه درجه اول نسبت به امضاً کننده مذکور مستحق دریافت می باشد، متناسباً کاهش می یابد.

(۲) د برات صادر وونکي، د هغه له قبلوونکي سره لومړۍ درجه رابطه لري، د معاملي وړ سند صادر وونکي د ورکړې له ترلاسه کوونکي سره لومړۍ درجه رابطه لري. ظاهر نويس په ظاهر نويسۍ کې له نوموړي شخص (د ظاهر نويسۍ ذينفع شخص) سره لومړۍ درجه رابطه لري. نور لاسليک کوونکي کولی شي، د سند له لرونکي سره د توافق په صورت کې لومړۍ درجه رابطه و مومي.

د خدمت داچراء يا د گټي د تأمين په تناسب د سند د لرونکي

استحقاق

شپږويشتمه ماده:

که چېرې د معاملي وړ سند د ټاکلي خدمت يا گټي د تأمين لپاره چې په پيسو باندې د تعيين وړتيا ولري صادر، خو خدمت يا گټه قسماً اجراء يا تأمين شوي وي، پدې صورت کې هغه مبلغ چې دلاسلېک کوونکي سره د لومړۍ درجې

(۲) صادرکننده برات ، رابطه درجه اول با قبول کننده آن دارد ، صادرکننده سند قابل معامله رابطه درجه اول با دریافت کننده تأديه دارد. ظهر نويس رابطه درجه اول با شخص مذکور درظهر نويسی (شخص ذينفع ظهر نويسی) دارد. ساير امضاً کنندگان می توانند ، درصورت توافق با دارنده سند، رابطه درجه اول را کسب نمایند.

استحقاق دارنده سند به تناسب اجرای خدمت یا تأمين

منفعت

ماده بیست و ششم :

هرگاه سند قابل معامله جهت اجرای خدمت یا تأمين منفعت معين که قابلیت تعيين به پول را داشته باشد ، صادر ولی خدمت یا منفعت قسماً اجراً یا تأمين شده باشد ، دراین صورت مبلغی که دارنده دارای رابطه درجه اول با امضاً

اړیکې لرونکي د هغه د ترلاسه کولو مستحق دی، متناسباً کمښت مومي.

د ورک شوي سند مثني

اووه ويشتمه ماده:

که چېرې برات د سررسید له تېرېدو دمخه ورک شي، هغه شخص چې سند ورڅخه ورک شوی دی، کولی شي له صادر وونکي څخه دهغه د مثني صادر بدل و غواړي، پدې صورت کې د سند لرونکي مکلف دی د صادر وونکي لپاره نورو اشخاصو ته د جبران له ورکړې څخه د خونديتوب په غرض یو تضمین برابر کړي. صادر وونکي مکلف دی د تضمین له ترلاسه کولو وروسته، د یاد شوي سند مثني نوموړي شخص ته تسلیم کړي.

د لاسلیک کوونکي یا متوفي د

قانوني استازي مسئولیت

اته ويشتمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د معاملې وړ

کننده، مستحق دریافت آن می باشد، متناسباً کاهش می یابد.

مثنای سند مفقود شده

ماده بیست وهفتم:

هرگاه برات قبل از انقضای سررسید مفقود گردد، شخصی که سند از نزد وی مفقود شده است، می تواند از صادر کننده، صدور مثنای آن را درخواست نماید، در این صورت دارنده سند مکلف است، تضمینی را جهت مسئولیت از تأدیة جبران به سایر اشخاص برای صادر کننده فراهم نماید. صادر کننده، مکلف است بعد از دریافت تضمین، مثنای سند متذکره رابه شخص مذکور تسلیم نماید.

مسئولیت امضاً کننده و نماینده

قانونی متوفی

ماده بیست وهشتم:

(۱) شخصی که سند قابل معامله را

منحیث صادرکننده، ظهر نویس یا قبول کننده، امضاً می نماید، مسئول دانسته می شود. در صورتی که شخص سندی را به اسم تزویری و یا شرکت تجاری امضاً نماید به همان اندازه مسئول می باشد که باسم خودش امضاً کرده است.

(۲) نماینده قانونی متوفی که سند قابل معامله را امضاً می نماید، شخصاً مسئول دانسته می شود، مگر این که ثابت نماید که مسئولیت وی محدود به آن دارائی است که وی دریافت نموده است.

امضاً تزویری یا غیرمجاز

ماده بیست ونهم :

هرگاه سند قابل معامله طور تزویری یا بدون اجازه شخص ذیصلاح امضاً گردد، در این صورت امضای تزویری یا غیرمجاز، فاقد اعتبار بوده و هیچ گونه حقی مبنی بر حفظ سند، برائت از تأدیه و حصول

سند صادر وونکی، ظهر نویس یا قبلوونکی به توگه لاسلیک کوی، مسئول گنیل کبری. به هغه صورت کپی چې شخص یوسند په تزویری یا د سوداگریز شرکت په نوم لاسلیک کړي، په هماغه اندازه مسئول دی چې په خپل نوم یې لاسلیک کړی دی.

(۲) د متوفی قانونی استازی چې د معاملې وړ سند لاسلیک کوي، شخصاً مسئول گنیل کبری، خو دا چې ثابت کړي چې مسئولیت یې په هغې شتمنی پورې محدود دی چې ترلاسه کړې یې ده.

تزویری یا غیر مجاز لاسلیک

نهم ویشتمه ماده:

که چېرې د معاملې وړ سند په تزویری توگه یا د واکمن شخص له اجازې پرته لاسلیک شي، پدې صورت کې تزویری یا غیرمجاز لاسلیک اعتبار نلري اودسند دساتنې، له ورکړې څخه د برائت او له طرف اشخاصو څخه په سند کې ددرج

شوي مبلغ د ترلاسه کولو په اړه هېڅ ډول حق نه مرتبېږي. خو هغه طرف چې د سند ساتل يايې ورکړه له هغه څخه غوښتل کېږي، د لاسليک ترويري والي يا د واک د نه موجوديت په اړه د ادعا له حق څخه محروم شوی وي.

تأيد شوي غير مجاز لاس ليکونه چې په تروير تمام نشي، پدې حکم کې شامل ندي.

نا مربوط او نا مشخص لاسليک

دېرشمه ماده:

هغه شخص چې د معاملي وړ سند (د هغه د صادر وونکي يا قبلوونکي په استثنې) لاسليک کړي، ظهرويس گڼل کېږي، خو دا چې د مناسبو کلمو په درجولو سره خپل قصد چې په بل موقف کې پر لاسليک دلالت وکړي، په صراحت سره بيان کړي.

په معاملي وړ سندونو کې وکالت

يو دېرشمه ماده:

هغه شخص چې د قانون د حکمونو

مبلغ مندرج سند از اشخاص طرف ، مرتب نمی شود، مگر طرفی که حفظ سند یا تأديه آن از وی مطالبه می گردد ، از حق ادعای مبنی بر ترويري بودن امضاً يا عدم موجوديت صلاحيت محروم شده باشد.

امضاً های غيرمجاز تأيد شده که منجر به تروير نگردد ، شامل اين حکم نمی باشد .

امضای غير مربوط و نا مشخص

ماده سي ام :

شخصی که سند قابل معامله را (به استثنای صادرکننده يا قبول کننده آن) امضاً می نماید ، ظهرويس پنداشته می شود، مگر اين که قصد خود را با درج کلمات مناسب که دلالت بر امضاً در موقف ديگری نمايد، به صراحت بيان کند.

وکالت در اسناد قابل معامله

ماده سي ويکم :

شخصی که مطابق احکام قانون

مطابق د مقاولې د عقد اهليت او واک ولري، کولی شي له نورو اشخاصو څخه په استازيتوب د معاملي وړسندونه صادر، قبول، ظهر نويسي يا سند له بل شخص څخه په استازيتوب سره تسليم شي.

د استازي مسئوليت

دوه دېرشمه ماده:

که چېرې شخص د معاملي وړ سند د هغو عبارتونو له زياتولو پرته چې د مؤکل لخوا د هغه په وکالت باندې دلالت وکړي، لاسليک کړي شخصاً مسئول گڼل کېږي. هغه شخص چې د معاملي وړ سند تر جبر او فشار لاندې له واکمن شخص څخه په استازيتوب لاسليک کړي، لدې حکم څخه مستثني دی.

د قانوني ممثل په واسطه پر معاملي

باندې محدوديت

دري دېرشمه ماده :

که چېرې د معاملي وړسند په دستور

اهليت وصلاحيت عقد مقاوله را داشته باشد، می تواند به نمایندگی از سایر اشخاص اسناد قابل معامله را صادر، قبول، ظهر نويسي يا تسليم شود.

مسئوليت نماينده

ماده سي و دوم :

هرگاه شخص، سند قابل معامله را بدون اضافه نمودن عباراتی که دلالت به نمایندگی وی نماید، امضاً کند، شخصاً مسئول دانسته می شود. شخصی که سند قابل معامله را تحت جبر و فشار به نمایندگی از شخص ذیصلاح امضاً نماید، از این حکم مستثني می باشد.

محدوديت بر معامله توسط ممثل

قانوني

ماده سي وسوم :

هرگاه سند قابل معامله به دستور

قابل تأدیة بوده و توسط متوفی
ظهرنویسی شده، اما ممثل قانونی
وی، آنرا تسلیم نشده باشد، در این
صورت ممثل قانونی نمی تواند،
صرف ذریعۀ تسلیمی آن را معامله
نماید.

فصل چهارم

انجام معامله

تسلیمی به عنوان شرط تکمیل

مادۀ سی و چهارم :

(۱) صدور، قبولی یا ظهرنویسی سند
قابل معامله با تسلیمی واقعی یا
اعتباری آن تکمیل می گردد.
(۲) سند قابل معاملۀ "قابل تأدیة
به حامل"، بانظرداشت حکم مندرج
مادۀ (چهل و پنجم) این
قانون با تسلیمی آن قابل معامله
می باشد.

(۳) سند قابل معاملۀ "قابل تأدیة
به دستور"، بانظرداشت حکم

د ورکری و پوی او د متوفی په
واسطه ظهر نویسی شوی وی خو د
هغه قانونی ممثل، هغه تسلیم شوی
نه وی، پدې صورت کې قانونی
ممثل نشي کولی، یوازې د تسلیمی
په ذریعۀ هغه معامله کړي.

خلورم فصل

د معاملې سرته رسول

د بشپړتیا د شرط په عنوان تسلیمی

خلور دېرشمه ماده:

(۱) د معاملې وړ سند صادرېدل،
قبلېدل یا ظهرنویسی د هغه په واقعی
یا اعتباری تسلیمی سره بشپړېږي.
(۲) د معاملې وړ سند "حامل ته د
ورکری وړ"، ددې قانون په (پنځه
خلوېنېتمه) ماده کې د درج شوي
حکم له په پام کې نیولو سره د هغه
په تسلیمی سره معامله کېږي.

(۳) د معاملې وړ سند، "په دستور
ورکری وړ" ددې قانون په (پنځه

خلو بنتمه) ماده کي د درج شوي حکم له په پام کي نیولو سره د لرونکي په ظهر نویسی او د هغه په تسلیمی سره معامله کپري.

(۴) د لومړۍ درجې رابطې لرونکو اړخونو تر منځ واقعي یا اعتباري تسلیمی، د هغه اړخ چې سند صادر، قبول یا ظهرو نویسی کوي یا یې د واکمن استازي په واسطه، صورت مومي.

(۵) د معاملې وړ هغه سند چې تسلیم شوی او ورکړه یې د مشخصې پېښې په واقع کېدو مشروطه وي، د پېښې تر واقع کېدو پورې د معاملې وړ ندی، خو دا چې د هغه لرونکي په واسطه معامله شي چې هغه یې د ارزښت د ورکړې په وړاندې او له نوموړې شرط څخه له خبرتیا پرته ترلاسه کړی وي.

د معاملې د واک لرونکي شخص

پنځه دېرشمه ماده:

صادروونکي، د مبلغ ترلاسه کونکي یا د ظهر نویسی ذینفع

مندرج ماده (چهل و پنجم) این قانون با ظهرو نویسی دارنده و تسلیمی آن قابل معامله می باشد.

(۴) تسلیمی واقعي یا اعتباری میان طرفین دارنده رابطه درجه اول، توسط طرفی که سند را صادر، قبول یا ظهر نویسی می نماید یا نماینده ذیصلاح وی صورت می گیرد.

(۵) سند قابل معامله که تسلیم شده و تأدیه آن مشروط به وقوع واقعه مشخص باشد، تا زمان وقوع واقعه، قابل معامله نمی باشد. مگر این که توسط دارنده ای معامله گردد که آن را در برابر تأدیه ارزش وبدون اطلاع از شرط متذکره، حصول نموده باشد.

شخص صاحب صلاحیت معامله

ماده سی و پنجم:

صادر کننده، دریافت کننده مبلغ یا شخص ذی نفع ظهرو نویسی می تواند،

شخص کولی شي د معاملې وړ هغه سند ظهنويسي او معامله کړي چې ددې قانون د حکمونو مطابق مقيد يا مستثنی شوی نه وي، پدې شرط چې د معاملې وړ سند د صادر وونکي په قانوني تصرف کې وي يا د ترلاسه کونکي سند لرونکی يا انتقال اخستونکی د (ظهنويسي. ذينفع شخص) وي.

سند قابل معامله ای را ظهنويسي ومعامله نماید که مطابق احکام این قانون مقید یا مستثنی نشده باشد، مشروط براین که سند قابل معامله در تصرف قانونی صادر کننده بوده یا دارنده سند دریافت کننده یا انتقال گیرنده (شخص ذی نفع ظهنويسي) باشد.

محدوده ظهنويسي او د

ظهنويسي اثر

شپږدېرشمه ماده:

(۱) ظهنويسي په يوه له لاندې حالاتو کې محدوده وي:

۱- په هغه حالت کې چې ظهنويسي د راوړسته معاملې حق محدود يا ساقط کړي.

۲- په هغه حالت کې چې ظهنويسي سبب شي خو د ظهنويسي ذينفع شخص د معاملې وړ سند د ظهنويسي په منظور، د ظهنويس

ظهنويسي محدود واثرو

ظهنويسي

ماده سي وششم:

(۱) ظهنويسي دريکې از حالات ذيل محدود می باشد:

۱- درحالتی که ظهنويسي حق معامله بعدی را محدود يا ساقط نماید.

۲- درحالتی که ظهنويسي سبب گردد تا شخص ذی نفع ظهنويسي به منظور ظهنويسي سند قابل معامله، نماینده ظهنويس گردد و یا

محتوی آن را برای ظهن نویسی یا شخص معین دیگری، دریافت نماید، مشروط براین که موجودیت عباراتی که مبین حق انتقال باشد، ظهن نویسی را مقید نه نماید.

(۲) ظهن نویسی سند قابل معامله، بعد از تسلیمی آن با نظر داشت احکام مربوط ظهن نویسی محدود، موجب انتقال مبلغ مندرج سند و حق معامله بعدی به شخص ذی نفع ظهن نویسی می گردد.

مشروط ساختن مکلفیت ظهن نویسی

ماده سی و هفتم:

ظهن نویسی سند قابل معامله می تواند با درج عبارتی در ظهن نویسی، مکلفیت های خود را محدود نموده یا حقوق شخص ذینفع ظهن نویسی را جهت دریافت مبلغ مندرج سند به وقوع واقعه معین، مشروط نماید، ولو این که

استازی شی یا یی محتوی د ظهن نویسی یا بل تا کلي شخص لپاره، ترلاسه کړي، پدې شرط چې د هغو عبارتونو موجودیت چې د انتقال د حق بیانوونکي وي، ظهر نویسی مقیده کړي.

(۲) د معاملې وړ سند ظهر نویسی، د هغه له تسلیمی وروسته د محدودې ظهر نویسی د اړوندو حکمونو له په پام کې نیولو سره د ظهر نویسی ذینفع شخص ته په سند کې د درج شوي مبلغ د انتقال او د را وروسته معاملې د حق، موجب کېږي.

د ظهن نویسی د مکلفیت مشروطول

اووه دېرشمه ماده:

د معاملې وړ سند ظهن نویسی کولی شي په ظهن نویسی کې د یوه عبارت په درجولو سره، خپل مکلفیتونه محدود کړي یا د ظهر نویسی په سند کې د درج شوي مبلغ د ترلاسه کولو لپاره د ذینفع شخص حقوق د تا کلي پېښې په واقع کېدو پورې

مشروط کړي، که څه هم چې نوموړی پېښه هيڅکله هم واقع نشي، که چېرې نوموړی ظهر نويس وروسته د سند لرونکی شي، پدې صورت کې ټول واسط ظهر نويسان د هغه په وړاندې مسئول دي.

که چېرې د ظهر نویسی په معاملې وړ سند کې د درج شوی مبلغ لپاره د ذینفع شخص حق په پورتنی ترتیب سره مشروط شي، د ظهر نویس او د ظهر نویسی د ذینفع شخص تر منځ یوازې شرایط د اعتبار وړ دي.

په هغه صورت کې چې د معاملې وړ سند ظهرنویسی مشروطه وي، ورکړونکی کولی شي د شرایطو له په پام کې نیولو پرته، په سند کې درج شوی مبلغ د ظهرنویسی ذینفع شخص ته ورکړي، ددې با وجود چې په ظهر نویسی کې درج شوي شرایط تحقق و مومي یا نه.

واقعۀ مذکور هرگز اتفاق نیافتد، هرگاه ظهرنویس مذکور بعداً دارندهٔ سند گردد، در این صورت تمام ظهرنویسان واسط در برابر وی مسئول می باشند.

هرگاه حق شخص ذینفع ظهرنویسی جهت دریافت مبلغ مندرج سند قابل معامله به ترتیب فوق مشروط گردد، صرف شرایط میان ظهرنویس و شخص ذینفع ظهرنویسی مدار اعتبار می باشد.

در صورتی که ظهرنویسی سند قابل معامله مشروط باشد، تأدییه کننده می تواند بدون در نظر گرفتن شرایط، مبلغ مندرج سند را به شخص ذینفع ظهرنویسی تأدییه نماید، با وجود ای که شرایط مندرج ظهر نویسی تحقق یابد یا نه.

له بنه نيت سره د لرونکي له لارېد سند د لرونکي ادعا

اته دېرشمه ماده :

(۱) هغه لرونکي چې د معاملي وړ سند په بنه نيت لرونکي څخه ترلاسه کوي، له هغو ټولو حقوقو څخه چې له بنه نيت لرونکي يې د معاملي وړ سند د قبلوونکي او نورو پخوانيو اړخونو په ارتباط لري برخمن کېږي. پدې شرط چې دسند پرمخ د تېرايستني او غيرقانوني عملونو په سرته رسېدو کې لاس و نلري.

(۲) که چېرې د سند د لرونکي مالکيت معيوب وي:

۱- په هغه صورت کې چې هغه، سند له بنه نيت لرونکي سره معامله کړي، نوموړی بنه نيت لرونکي د سند د بشپړ مالکيت حق ترلاسه کوي.

۲- په هغه صورت کې چې هغه، په سند کې درج شوی مبلغ ترلاسه کړي، هغه شخص چې مبلغ په بنه نيت سره ورکوي، د سند په نسبت

ادعاى دارنده سند از طريق دارندهباحسن نيت

ماده سی وهشتم :

(۱) دارنده ايکه سند قابل معامله را از دارنده با حسن نيت، حاصل می نمايد، از کليه حقوقی که دارنده با حسن نيت به ارتباط قبول کننده وسایر طرفین اسبق سند قابل معامله دارا بوده برخوردار می گردد. مشروط بر این که درانجام اعمال فریب و غیر قانونی بر روی سند دست نداشته باشد.

(۲) هرگاه مالکيت دارنده سند معيوب باشد:

۱- در صورتی که وی، سند را با دارنده با حسن نيت معامله نمايد، دارنده با حسن نيت مذکور حق مالکيت کامل سند را حاصل می نمايد.

۲- در صورتی که وی، مبلغ مندرج سند را حاصل نمايد، شخصی که مبلغ را با حسن نيت تأديه می نمايد، نسبت به سند بری الذمه می

بري الذمه کپري.

د سند لرونکي حقوق

نهه دپرشمه ماده:

هغه لرونکی چې سند پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، لاسته راوړي، کولی شي په هغه کې درج شوی مبلغ ترلاسه کړي، هغه بیا معامله کړي او په خپل نوم د هغه په استناد د دعوي اقامه وکړي.

له بڼه نیت سره د لرونکي حقوق

خلوېښتمه ماده:

له بڼه نیت سره لرونکی کولی شي د معاملي وړ سند د هغه د پخوانیو اړخونو په مالکیت کې د موجودو عیبونو او د هغو تر منځ د اختلاف د موجودیت له په پام کې نیولو پرته و ساتي. هغه کولی شي په سند کې د درج شوي مبلغ ورکړه له ټولو مکلفو اړخونو څخه وغواړي.

گردد.

حقوق دارنده سند

ماده سی ونهم :

دارنده ای که سند را مطابق احکام مندرج این قانون ، به دست می آورد، می تواند مبلغ مندرج آن را دریافت نموده ، آن را مجدداً معامله نماید و به اسم خودش به استناد آن اقامه دعوی نماید.

حقوق دارنده باحسن نیت

ماده چهلم :

دارنده با حسن نیت می تواند سند قابل معامله را بدون در نظر داشت عیوب موجود در مالکیت طرفین اسبق آن و موجودیت اختلاف بین آنها ، حفظ نماید. وی می تواند ، تأدیه مبلغ مندرج سند را از کلیه طرفین مکلف ، مطالبه نماید.

د سپيني ظهرونيسي لرونكي سند

يو څلوېښتمه ماده:

د مخطوطو چگونو د اړوندو حکمونو له په پام کې نيولو سره، د معاملي وړ هغه سند چې په سپينه توگه ظهرونيسي شوی وي، د هغه حامل ته د ورکړې وړ د دي، که څه هم چې نوموړی سند د دستور پر بنسټ د ورکړې وړ وي.

پر بشپړې ظهرونيسي د سپينيظهر نويسي بدلول

دوه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې د معاملي وړ سند په سپينه توگه ظهرونيسي شوی وي، لرونکی کولی شي له خپل لاسليک او د نوم له درجولو پرته سپينه ظهرونيسي په وجه يا د هغه په دستور د بل شخص په وجه کې د مبلغ د ورکړې په اړه د دستور په درجولو سره په بشپړه ظهرونيسي بدله کړي، پدې صورت کې د معاملي وړ سند

سند دارای ظهرونيسي سفيد

ماده چهل ویکم:

بانظر داشت احکام مربوط چک های مخطوط، سند قابل معامله ايکه بصورت سفيد ظهرونيسي شده باشد به حامل آن قابل تأديه است، ولو اين که سند مذکور به اساس دستور، قابل تأديه باشد.

تبدیل ظهرونيسي سفيد بهظهرونيسي مکمل

ماده چهل و دوم:

(۱) هرگاه سند قابل معامله بصورت سفيد ظهرونيسي شده باشد، دارنده می تواند بدون امضاً و درج اسم خویش، ظهرونيسي سفيد را با درج دستوری مبنی بر تأديه مبلغ در وجه يا به دستور وی در وجه شخص ديگری به ظهرونيسي مکمل، تبدیل نماید، انجام ظهرونيسي مکمل

لرونکي د ظهر نویسی مسئولیت لرونکي ته لېږدول کېږي.

(۲) که چېرې د معاملې وړ سند له سپینې ظهر نویسی څخه په بشپړه ظهر نویسی تبدیل شي، یوازې د ظهر نویسی ذینفع شخص یا بل هغه شخص چې د هغه له لارې یې د مطالبې حق ترلاسه کړی دی، کولی شي ددغه ډول مبلغ د ترلاسه کولو ادعا وکړي.

د ظهر نویسی شرایط

دري څلوېښتمه ماده:

(۱) د ظهر نویسی په واسطه په معامله کې په معاملې وړ سند کې ټول درج شوی مبلغ شاملېږي.

(۲) که چېرې د ظهر نویسی موخه هغه شخص ته چې ظهر نویسی یې په ګڼه صورت مومي د ورکړې وړ مبلغ د یوې برخې لېږدول وي یا نوموړي سند دوو یا له دوو څخه زیاتو اشخاصو ته په جلا توګه ظهر نویسی شي، دغه ډول انتقال د

باعث انتقال مسئولیت ظهر نویسی به دارنده نمی شود.

(۲) هرگاه سند قابل معامله از ظهر نویسی سفید به ظهر نویسی مکمل تبدیل شود، صرف شخص ذی نفع ظهر نویسی و یا شخص دیگری که از طریق وی حق مطالبه را حاصل نموده است، می تواند ادعای دریافت چنین مبلغ را نماید.

شرایط ظهر نویسی

ماده چهل و سوم:

(۱) معامله توسط ظهر نویسی شامل تمام مبلغ مندرج سند قابل معامله می شود.

(۲) هرگاه هدف ظهر نویسی انتقال یک قسمت مبلغ قابل تأدیبه به شخصی باشد که ظهر نویسی به نفع وی صورت می گیرد و یا سند مذکور به دو یا بیش از دو شخص بصورت جداگانه ظهر نویسی شود، چنین انتقال قابل اعتبار نمی باشد،

مگر این که مبلغ مندرج سند قابل معامله قسماً تأدیه شده باشد، در این صورت یادداشت مبنی بر معتبر بودن چنین تأدیه در آن درج می گردد و ظهنویسی مبلغ با قیمانده بعداً صورت گرفته می تواند.

معامله سند با طرف مسئول

قبلی

ماده چهارم و چهارم:

هرگاه سند قابل معامله قبل از سررسید آن دوباره به صادرکننده یا ظهن نویس قبلی یا قبول کننده آن انتقال داده شود، طرف مذکور با نظر داشت احکام این قانون می تواند، سند قابل معامله را مجدداً صادر یا انتقال دهد، ولی نمی تواند تأدیه آن را از شخص ثالثی مطالبه نماید که خود وی قبلاً در برابر شخص مذکور مسئول بود.

اعتبار و رندي، خو دا چي په معاملي وړ سند کي درج شوی مبلغ قسماً ورکړل شوی وی، پدې صورت کي د دغه ډول ورکړي د معتبروالي په اړه یادښت په هغه کي درجېږي او د پاتي مبلغ ظهنويسي وروسته صورت موندلی شي.

دمخه مسئول طرف سره دسند

معامله

څلور څلوېښتمه ماده:

که چېرې د معاملي وړ سند د هغه له سررسید دمخه دوباره پخواني صادر وونکي یا ظهن نویس ته یا د هغه قبل وونکي ته انتقال شي، نوموړی طرف ددې قانون د حکمونو له په پام کي نیولو سره کولی شي، د معاملي وړ سند بیا صادر یا انتقال کړي، خو نشي کولی د هغه ورکړه له هغه ثالث شخص څخه وغواړي چې د دمخه یې د نوموړي سند په وړاندې مسئولیت درلود.

په مالکیت کې نیمګړتیا

پنځه څلوېښتمه ماده:

که چېرې د معاملي وړسند ورک شي يا د جبر، تزوير يا نورو غير قانوني اعمالو په وسيله له صادروونکي، قبلوونکي يا د هغه له لرونکي څخه تر لاسه کړی شي، ترلاسه کوونکی، حاصلوونکی، متصرف يا د ظهر نویسی ذینفع شخص له صادروونکي، قبلوونکي يا د هغه له لرونکي څخه د ورکړې وړ مبلغ د ترلاسه کولو مستحق ندي، خودا چې ظهر نویس، متصرف يا هغه شخص چې د هغه له لارې ادعا صورت مومي، د ښه نیت لرونکی وي.

له نکول يا د سررسید له تېرېدو وروسته ترلاسه شوی د معاملي وړ

سند

شپږ څلوېښتمه ماده:

(۱) هغه لرونکی چې د معاملي

نقص در مالکیت

ماده څهله وپنجم:

هرگاه سند قابل معامله، مفقود گردد یا بوسیله جبر، تزوير و یا سایر اعمال غیر قانونی از صادرکننده، قبول کننده و یا دارنده آن حاصل شود، شخص دریافت کننده، حاصل کننده، متصرف یا ذی نفع ظهر نویسی یا شخص ای که از طریق آنان ادعا می نماید، مستحق دریافت مبلغ قابل تأدیه از صادرکننده، قبول کننده یا دارنده آن نمی باشد، مگر این که ظهر نویس، متصرف یا شخصی که از طریق وی ادعا صورت می گیرد، دارنده باحسن نیت باشد.

سند قابل معامله حاصل شدهبعد از نکول یا گذشت سررسید

ماده څهله و ششم:

(۱) دارنده که سند قابل معامله

را بعد از نکول از قبولی یا نکول از تأدیه همراه با یادداشت آن بدست آورده و یا بعد از انقضای سررسید، آن را حاصل نموده باشد، از جمله طرفین قبلی حق دعوی را صرف علیه منتقل کننده دارد که سند را از وی بدست آورده و تابع حقوقی می باشد که منتقل کننده زمان اکتساب آن را دارا بوده است.

(۲) هرگاه شخص با حسن نیت و در برابر ارزش حجت یا برات موعده گذشته ای را بدست آورد. که بدون پرداخت ارزش صادر یا قبول گردیده باشد، می تواند، مبالغ چنین حجت و یا برات را از هر جانب قبلی آن حصول نماید.

قابل معامله بودن سند تا زمان تأدیه

ماده چهل و هفتم :

سند قابل معامله تا زمان تأدیه

ورسند له قبلیدو خخه له نکول یا له ورکری خخه له نکول وروسته دهغه له یادبنت سره یو خای لاسته راوری یا دسررسیدله تیریدو وروسته یی هغه حاصل کری وی دمخکنیو اړخونوله جملي خخه یوازی د هغه منتقلوونکی پرعلیه د دعوي حق لري چې سند یی له هغه خخه لاسته راوری او د هغو حقوقو تابع دی چې د اکتساب دوخت منتقلوونکی دهغولروونکی و.

(۲) که چیرې شخص له بڼه نیت سره او د ارزښت په وړاندې د تیر موعده د هغه حجت یا برات خاوند شي چې د ارزښت له ورکری پرته صادر یا قبول شوي وي، کولی شي، ددغه ډول حجت یا برات مبالغ د هغه د دمخه هر اړخ خخه حصول کری.

د ورکری تر وخته د سند د معاملي وړتیا والی

اووه څلوېښتمه ماده:

د معاملي وړ سند په سر رسيد کې د

ورکړې تر وخته يا له هغه وروسته، د صادر وونکي، مخاطب يا قبلوونکي په واسطه د معاملي وړ دي، د سند له سررسيد وروسته صادر وونکي، مخاطب يا قبلوونکي د هغه د معاملي واک نلري، د پورته ذکر شوو اشخاصو په واسطه له ورکړې وروسته سند د معاملي وړ گرځېدی نشي.

پنځم فصل

د معاملي وړ سندونو وړاندې کول
د قبلېدو لپاره د برات وړاندې

کول

اته څلورېنتمه ماده:

(۱) هغه برات چې له رویت وروسته د ورکړې وړ دی خو زمان او ځای پکې مشخص شوي نه وي، د مناسب موعده او کاري ساعتونو په ترڅ کې، د قبلې لپاره مخاطب ته وړاندې کېږي، په هغه صورت کې چې له مقتضي لټولو وروسته

درسررسيد يا بعد از آن توسط صادرکننده، مخاطب يا قبول کننده قابل معامله می باشد. بعد از سررسيد سند، صادر کننده، مخاطب يا قبول کننده صلاحيت معامله آن را ندارند. بعد از تاديه توسط اشخاص فوق الذکر، سند مورد معامله قرار گرفته نمی تواند.

فصل پنجم

ارايه اسناد قابل معامله

ارايه برات برای

قبولی

ماده چهل و هشتم:

(۱) براتی که بعد از رویت قابل تأدیه بوده ولی زمان یا محل ارایه در آن مشخص نشده باشد، در خلال موعده مناسب و ساعات کاری، برای قبولی به مخاطب ارایه می گردد. در صورتی که بعد از جستجوی مقتضی، مخاطب پیدا

- مخاطب و نه موندلی شي، دغه ډول برات نکول شوی کڼل کېږي.
- (۲) که چېرې په برات کې تصریح شوي وي چې په خاص ځای کې دې مخاطب ته وړاندې شي، سند په هماغه ځای کې وړاندې کېږي په هغه صورت کې چې مخاطب په نوموړي ځای کې و نه موندل شي او برات په سر رسید کې ور کورونکي ته وړاندې نشي، یاد شوی برات نکول شوی کڼل کېږي.
- (۳) د برات وړاندې کول د راجستر شوي پستي لیک په واسطه هم صورت موندلی شي، پدې شرط چې د قانون د حکمونو موافقه لیک یا رایج عرف مطابق، مجاز وي.
- (۴) په هغه صورت کې چې د برات مخاطب لازم و ګڼي، لرونکی مکلف دی د برات د قبلېدو یا یې د نه قبلېدو په منظور اته څلورېنږت ساعته (له عمومي رخصتی پرته) موده مخاطب ته مهلت ورکړي.
- شده نتواند ، چنين برات نکول شده دانسته می شود.
- (۲) هرگاه در برات تصریح شده باشد که در محل خاص به مخاطب ارایه شود، سند در همان محل ارایه می گردد ، در صورتی که مخاطب در محل مذکور پیدا شده نتواند و برات در سر رسید به تأدیة کننده ارایه نگردد، برات مذکور نکول شده دانسته می شود.
- (۳) ارایه برات توسط نامه پستی راجستر شده نیز صورت گرفته می تواند، مشروط بر این که مطابق احکام قانون ، موافقتنامه یا عرف رایج مجاز باشد.
- (۴) در صورتی که مخاطب برات لازم بداند، دارنده مکلف است به منظور قبولی برات یا عدم آن مدت چهل و هشت ساعت (به جز از رخصتی عمومی) به مخاطب مهلت دهد.

عندالرويت د حجت وړاندې كول

نهه څلوربښتمه ماده:

هغه حجت چې له رویت څخه یې د ټاکلې مودې له تېرېدو وروسته د ورکړې وړ وي ، د هغه د صادرېدو له نېټې څخه وروسته د کاري ساعتونو په ترڅ کې صادروونکي ته وړاندې کېږي.

د ورکړې لپاره وړاندې كول

پنځوسمه ماده:

د معاملي وړ سند ددې قانون د حکمونو مطابق، د لرونکي په واسطه یا له هغه څخه په استازیتوب بالترتیب صادروونکي، قبلوونکي یا مخاطب ته د ورکړې لپاره وړاندې کېږي، له وړاندې کولو څخه د قصور په صورت کې، نور اړخونه د سند د لرونکي په وړاندې مسئول ندي.

(۲) که چېرې متعدد اشخاص پرته لدې چې یو د بل شریک وي، د صادر وونکي، قبلوونکي یا د معاملي وړ یوه سند د مخاطب په توګه

ارایه حجت عندالرويت

ماده چهل ونهم :

حجتي که بعد از سپری شدن موعد معینه از رویت آن قابل تأدیبه باشد درخلال موعد مناسب بعد از تاریخ صدور آن در طی ساعات کاری به صادرکننده ، ارایه می گردد.

ارایه برای تأدیبه

ماده پنجاهم :

(۱) سند قابل معامله مطابق احکام این قانون ، بوسیله دارنده یا به نمایندگی از وی بالترتیب به صادرکننده، قبول کننده، یا مخاطب، برای تأدیبه ارایه می گردد. در صورت قصور در ارایه ، سایرطرفین دربرابر دارنده سند مسئول نمی باشند.

(۲) هرگاه اشخاص متعدد بدون آنکه شریک همدیگر باشند، منحیث صادرکننده، قبول کننده ، یا مخاطب یک سند قابل معامله ، مسئول باشند،

مسئول وي او د ورکړې ځای هم په معاملي وړ سند کې مشخص شوی نه وي، د معاملي وړ سند هغو ټولو ته وړاندې کېږي.

د ورکړې لپاره د نه وړاندې کولو

موارد

يو پنځوسمه ماده:

په هغه صورت کې چې حجت يا برات عندالمطالبه او د مشخص ځای له يادولو پرته، د ورکړې وړ وي، د حجت د صادر وونکي يا د برات د قبل وونکي د ملزمولو لپاره، وړاندې کول اړين نه گڼل کېږي.

د ورکړې لپاره د وړاندې کولو

ساعتونه

دوه پنځوسمه ماده:

د ورکړې لپاره د معاملي وړ سند د کاري ساعتونو په ترڅ کې وړاندې کېږي. که چېرې وړ کوونکی بانک وي، د ورکړې لپاره د معاملي وړ سند وړاندې

و محل تأديه نيز در سند قابل معامله مشخص نشده باشد، سند قابل معامله به همه آن ها ارايه می شود.

موارد عدم ارايه برای

تأديه

ماده پنجاه و یکم :

در صورتی که حجت يا برات عندالمطالبه وبدون ذکر محل مشخص، قابل تأديه باشد، برای ملزم کردن صادرکننده حجت يا قبول کننده برات، ارايه ضرور دانسته نمی شود.

ساعات ارايه جهت

تأديه

ماده پنجاه و دوم :

سند قابل معامله برای تأديه در خلال ساعات کاری ارايه می شود. هرگاه تأديه کننده بانک باشد. ارايه سند قابل معامله برای تأديه

در خلال ساعات کاری آن، صورت می گیرد.

ارایه سند قابل تأدییه بعد از گذشت میعاد

مشخص

ماده پنجاه و سوم :

حجت یا براتی که بعد از گذشت میعاد مشخص یا بعد از رویت قابل تأدییه باشد، در سررسید آن جهت تأدییه ارایه می شود.

ارایه حجت جهت تأدییه به شکل

اقساط

ماده پنجاه و چهارم :

حجتی که به شکل اقساط قابل تأدییه باشد در روز سوم بعد از سررسید برای تأدییه هر قسط ، ارایه می گردد. در صورت عدم تأدییه بعد از چنین ارایه ، حکم عدم تأدییه در سررسید را دارا

کول، د هغه د کاری ساعتونو په ترڅ کې صورت مومي.

د مشخص میعاد له تېرېدو وروسته د تأدیې وړ سند وړاندې

کول

دري پنخوسمه ماده:

هغه حجت یا برات چې د مشخص میعاد له تېرېدو وروسته یا له رویت وروسته د ورکړې وړ وي، د هغه په سررسید کې د ورکړې لپاره وړاندې کېږي.

د قسطونو په ډول د حجت د

ورکړې وړاندې کول

څلورپنخوسمه ماده:

هغه حجت چې د قسطونو په ډول د ورکړې وړ وي، د هر قسط د ورکړې لپاره له سررسید وروسته په درېیمه ورځ، وړاندې کېږي له دغه ډول وړاندې کولو وروسته د نه ورکړې په صورت کې په سررسید کې د نه ورکړې د حکم لرونکی

وي.

مي باشد.

په مشخص ځای کې يا غير له هغهارايه سند جهت تأديهد ورکړې لپاره د سند وړاندېدر محل مشخص يا غيرکولآن

پنځه پنځوسمه ماده:

ماده پنجاه و پنجم :

(۱) که چېرې د معاملي وړ سند په يوه مشخص ځای کې د ورکړې لپاره صادر يا قبول شوی وي، د اړوند لوري د ملزمو په منظور، سند په هماغه مشخص ځای کې د ورکړې لپاره وړاندې کېدی شي.

(۱) هرگاه سند قابل معامله جهت تأديه در یک محل مشخص صادر و يا قبول شده باشد، به منظور ملزم ساختن طرف مربوط، سند در همان محل مشخص جهت تأديه ارايه شده می تواند.

(۲) که چېرې حجت يا برات ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوی حکم مطابق د ورکړې وړ نه وي، سند د ورکړې لپاره د صادر وونکي، قبلوونکي يا په برات يا حجت کې د درج شوي مخاطب په آدرس وړاندې کېږي. په هغه صورت کې چې په سند کې دغه ډول آدرس ياد شوی نه وي، د صادر وونکي، مخاطب يا قبلوونکي دکار يا اوسېدو ځای ته وړاندې کېږي.

(۲) هر گاه حجت يا برات مطابق حکم مندرج فقره (۱) اين ماده قابل تأديه نباشد، سند جهت تأديه به آدرس صادرکننده، قبول کننده يا مخاطب مندرج برات يا حجت ارايه می شود. در صورتی که درسند چنين آدرسی ذکر نشده باشد، به محل کار و يا اقامت صادرکننده، مخاطب و يا قبول کننده، ارايه می گردد.

(۳) که چپرې د معاملي وړ سند د صادر وونکي، مخاطب يا قبلوونکي د کار يا اوسېدو ځای معلوم نه وي او په معاملي وړ سند کې هم د قبلېدو يا ورکړې لپاره د وړاندې کولو په غرض ټاکلي ځای ياد شوی نه وي، پدې صورت کې د معاملي وړ سند په هر ځای کې چې وکړي شي هغو ته لاس رسي پيدا کړي، وړاندې کېدی شي.

د سند د نقل وړاندې کول

شپږ پنځوسمه ماده:

(۱) وړاندې کوونکی کولی شي، د معاملي وړ سند د اصل په عوض، اړتیا ته په پام سره، د هغه نقل مسئول شخص ته وړاندې کړي. دغه تسليمي شخصاً يا د راجستر شوي پستي ليک په ذريعه يا په هره بله اغېزمنه لاره صورت موندلی شي.

(۲) وړاندې کوونکی د ورکړې مسئول شخص ته موقع ورکوي خو ددې مادې په (۱) فقره کې درج

(۳) هرگاه محل کاريا اقامت صادرکننده، مخاطب يا قبول کننده سند قابل معامله معلوم نباشد، و در سند قابل معامله نيز محل معيني براي ارايه جهت قبولي يا تأديه ذکر نشده باشد، در اين صورت سند قابل معامله در هر محلي که بتوان به ايشان دسترسي پيدا کرد، ارايه شده می تواند.

ارايه نقل سند

ماده پنجاه و ششم:

(۱) ارايه کننده می تواند، به عوض اصل سند قابل معامله، نظر به ضرورت، نقل آن را به شخص مسئول تسليم نمايد. اين تسليمي شخصاً يا ذريعه نامۀ پستي راجستر شده و يا هر طرقي مؤثر ديگر صورت گرفته می تواند.

(۲) ارايه کننده به شخص مسئول تأديه موقع می دهد تا در رابطه به صحت نقل سند قابل

معامله مندرج فقره (۱) این ماده تحقیق و درختم ساعات رسمی روز در رابطه به آن تصمیم اتخاذ نماید. در صورت عدم قبولی، راییه کننده مکلف به راییه اصل سند می باشد.

راییه چک جهت ملزم ساختن صادر کننده

ماده پنجاه و هفتم :

(۱) به منظور مکلف ساختن صادر کننده، چک به بانکی راییه می شود که به آن صادر شده است. راییه چک، قبل از زمانی صورت می گیرد که به روابط صادر کننده و بانکدار صدمه وارد شود.

(۲) به منظور مکلف ساختن ظهرنویس (به غیر از صادر کننده)، چک بعد از تسلیمی آن از چنین شخص، در خلال موعد مناسب راییه می گردد.

شوی د معاملې وړسند د نقل د صحت په اړه څېړنه وکړي او دورځې د رسمي ساعتونو په پای کې د هغه په اړه تصمیم و نیسي، د نه قبلېدو په صورت کې، وړاندې کوونکی د سند د اصل په وړاندې کولو مکلف دی.

له صادر وونکي څخه د ورکړې د غوښتنې لپاره د چک وړاندې کول

اووه پنځوسمه ماده:

(۱) د صادر وونکي د مکلفولو په منظور، چک هغه بانک ته وړاندې کېږي چې ورته صادر شوی دی. د چک وړاندې کول له هغه وخت څخه دمنځه صورت مومي چې د صادر وونکي او بانکدار اړیکو ته زیان ورسېږي.

(۲) د ظهرنویس (له صادر وونکي پرته) د مکلفولو په منظور، چک له دغه شان شخص څخه د هغه له تسلیمی وروسته، د مناسب موعد په ترڅ کې وړاندې کېږي.

عندالمطالبه د ورکړې وړ سندوړاندې کول

اته پنځوسمه ماده:

د معاملي وړ هغه سند چې
عندالمطالبه د ورکړې وړ وي، ددې
قانون د حکمونو مطابق د لرونکي
په واسطه د هغه له ترلاسه کولو
وروسته د ټاکلي مودې په ترڅ کې
د ورکړې لپاره وړاندې کېږي.

قانوني استازي ممثل يا واکمنشخص ته د سند وړاندې کول

نهه پنځوسمه ماده:

د معاملي وړ سند د قبلېدو يا
ورکړې لپاره د مخاطب واکمن
استازي، صادر وونکي يا قبل وونکي
او د وفات يا ورسکشتگي يا
افلاس په صورت کې ددې
قانون د حکمونو مطابق د هغوی
قانوني ممثل يا واکمن شخص ته
وړاندې کېږي.

ارايه سند قابل تأديهعندالمطالبه

ماده پنجاه و هشتم:

سند قابل معامله ايکه عندالمطالبه
قابل تأديه باشد، مطابق احکام اين
قانون برای تأديه در خلال
موعد معينه بعد از حصول آن
توسط دارنده، ارايه می
گردد.

ارايه سند به نماينده، ممثل قانونييا شخص ذیصلاح

ماده پنجاه ونهم:

سند قابل معامله جهت قبولی يا
تأديه به نماينده ذیصلاح
مخاطب، صادرکننده يا قبول
کننده و در صورت وفات يا
ورشکسته شدن يا افلاس مطابق
احکام اين قانون به ممثل
قانوني يا شخص ذیصلاح آنها ارايه
می گردد.

د قبلېدو يا ورکړې لپاره د معاملي
وړ سند د وړاندې کولو د ځنډ
توجیه

شپېتمه ماده:

د قبلېدو يا ورکړې لپاره د معاملي وړ سند په وړاندې کولو کې ځنډ په هغه صورت کې موجه گڼل کېدی شي چې د سند د لرونکي له تقصير، ناوړې گټې اخستې يا غفلت څخه را پيدا شوي نه وي. د ځنډ د دليل د رفع کېدو په صورت کې د معاملي وړ سند وړاندې کول په مناسب وخت کې صورت مومي.

د قبلېدو يا ورکړې لپاره د معاملي
وړ سند د نه وړاندې کولو حالات
يو شپېتمه ماده:

(۱) د ورکړې لپاره د معاملي وړ سند وړاندې کول په لاندې حالاتو کې اړين ندي او داسې گڼل کېږي چې د معاملي وړ سند په سررسيد کې وړاندې او د نکول مورد گڼلې

توجیه تأخیر ارایه سند قابل
معامله برای قبولی یا
تأديه

ماده شصتم:

تأخیر در ارایه سند قابل معامله جهت قبولی یا تأديه در صورتی مؤجه پنداشته می شود که ناشی از تقصير، سوء استفاده و يا غفلت دارنده سند قابل معامله نباشد. در صورت رفع دليل تاخیر، ارایه سند قابل معامله در موعد مناسب صورت می گیرد.

حالات عدم ارایه سند قابل
معامله جهت قبولی یا تأديه
ماده شصت و یکم:

(۱) ارایه سند قابل معامله برای تأديه در حالات ذیل ضرور نبوده وچنين پنداشته می شود که سند قابل معامله در سررسيد ارایه و مورد نکول قرارگرفته

دی:

است:

- ۱- په هغه صورت کې چې صادر وونکی، مخاطب یا قبلوونکی عمداً د معاملې وړ سند له وړاندې کولو څخه مخنیوی وکړي.
- ۱- در صورتی که صادرکننده، مخاطب یا قبول کننده عمداً از ارایه سند قابل معامله جلوگیری نمایند.
- ۲- په هغه صورت کې چې د معاملې وړ سند د ورکونکي د کار په ځای کې د ورکړې وړ وي او هغه دغه ځای د کاري ساعتونو په بهیر کې عمداً بند کړي.
- ۲- در صورتی که سند قابل معامله در محل کارتأدیه کننده، قابل تأدیه بوده و وی این محل را در جریان ساعات کاری عمداً مسدود نماید.
- ۳- په هغه صورت کې چې د معاملې وړ سند په بل مشخص ځای کې د ورکړې وړ وي او ورکونکی یا یې واکمن استازی د کاري ساعتونو په ترڅ کې په هغه ځای کې حضور و نه مومي.
- ۳- در صورتی که سند قابل معامله در محل مشخص دیگری قابل تأدیه بوده و تأدیه کننده یا نماینده ذیصلاح وی در خلال ساعات کاری در آن محل حضور نیابند.
- ۴- په هغه صورت کې چې په معاملې وړ سند کې دورکړې لپاره یو ځای مشخص شوی نه وي او مخاطب له مقتضي پتللو وروسته پیدا نشي.
- ۴- در صورتی که در سند قابل معامله محلی جهت تأدیه مشخص نشده باشد و مخاطب پس از جستجوی مقتضی دریافت نشود.
- ۵- په هغه صورت کې چې د معاملې وړ سند تأدیه کوونکي اړخ
- ۵- در صورتی که طرف تأدیه کننده سند قابل معامله، بدون نظر داشت

- له وړاندې کولو دمخه، هغه ورکړې وې. وړاندې کولو دمخه، هغه ورکړې وې.
- ۶- په هغه صورت کې چې د بل اړخ پر علیه چې له ټاکلې وخت وروسته او د معاملي وړ سند له نه وړاندې کېدو څخه د خبرتیا سره، په هغه کې د درج شوي مبلغ یوه برخه ورکړې یا یې د هغه د ټول یا یوې برخې په ورکړې وعده کړې وي یا دا چې له خپلو حقوقو څخه، د یادشوي سند له نه وړاندې کولو څخه د گټې اخستې لپاره سترگې پټې کړې وي.
- ۷- په هغه صورت کې چې صادروونکي و نکړي شي د معاملي وړ سند له وړاندې کولو څخه را پیدا شوي زیانونه وزغمي.
- ۸- په هغه صورت کې چې مخاطب تخيلي شخص وي.
- ۹- په هغه صورت کې چې د معاملي وړ سند له ظهورنویس سره د مرستې په منظور، صادر یا قبول
- ارايه، تعهد به تادیه نموده باشد.
- ۶- در صورتی که علیه طرف دیگری که بعد از موعد معینه و با وجود آگاهی از عدم ارایه سند قابل معامله، قسمتی از مبلغ مندرج آن را تادیه نموده یا به تادیه تمام یا قسمتی از آن وعده نموده باشد یا این که از حقوق خود جهت نفع برداری از عدم ارایه سند متذکره صرف نظر نموده باشد.
- ۷- در صورتی که صادر کننده نتواند خسارات ناشی از ارایه سند قابل معامله را متحمل گردد.
- ۸- در صورتی که مخاطب شخص تخيلي باشد.
- ۹- در صورتی که سند قابل معامله به منظور مساعدت به ظهورنویس، صادر یا قبول

شوی وي او هغه د دلایلو په لرلو سره داسې وگنې چې یاد شوی سند د هغه د وړاندې کولو په صورت کې ورنکړل شي.

۱۰- په هغه صورت کې چې له مقتضي هڅې او هاند وروسته، د معاملي وړ سند وړاندې کول پدې قانون کې له درج شوو حکمونوسره په مطابقت کې صورت ونه مومي.

(۲) که چېرې د معاملي وړ سند لرونکی ددې باور لپاره دلیل ولري چې سند به د هغه د وړاندې کېدو په صورت کې نکول شي، نوموړی دلیل د هغه د وړاندې کولو له اړتیا څخه د انصراف موجب نه کېږي.

د وړاندې شوي سند په ورکړه

کې د بانکدار اهمال

دوه شپېتمه ماده:

که چېرې برات له قبلېدو وروسته د ورکړې لپاره مشخص بانک ته وړاندې شي، خو له ورکړې څخه یې نکول وشي، په هغه صورت کې

باشد، و وی با داشتن دلایل ، چنین تصور نماید که سند متذکره در صورت ارایه آن تأدیه نخواهد شد.

۱۰- در صورتی که بعد از سعی و تلاش مقتضی، ارایه سند قابل معامله در مطابقت با احکام مندرج این قانون صورت نگیرد.

(۲) هرگاه دارنده سند قابل معامله دلیلی به این باور داشته باشد که سند در صورت ارایه آن نکول خواهد شد دلیل مذکور موجب انصراف از ضرورت ارایه آن نمی گردد.

اهمال بانکدار در تأدیه سند ارایه

شده

ماده شصت و دوم :

هرگاه برات بعد از قبولی جهت تأدیه به بانک مشخص ارایه گردد، ولی از تأدیه آن نکول گردد، در صورتی که بانکدار در نگهداری، معامله

چي بانكدار دنوموري سند په ساتنه،
معاملې يا تسليمي كې داهمال او
غفلت مرتكب شي او د سند لرونكي
ته زيان ورسېږي، بانكدار مكلف
دى اووښتي زيان جبران كړي.

شپږم فصل

ور كړه او ټكتانه

د معاملي وړ سند لرونكي ته
ور كړه

دري شپيتمه ماده:

د معاملي وړ واجب التاديه سند د
صادروونكي يا قبلوونكي د بري
الذمه كولو په منظور، ددې قانون په
(اووه شپيتمه) ماده كې د درج شوې
حكم له په پام كې نيولوسره دسند
لرونكي ته وركول كېږي.

د ټكتاني يا د بهرې نور ډولونه

څلور شپيتمه ماده:

(۱) ټكتانه يا د بهرې نور ډولونه
چې د ټاكلي يا نا ټاكلي نرخ لرونكي
وي، د مديون له حقوقو څخه د

ويا تسليمي سند مذكور
مرتكب اهمال يا غفلت شده وبه
دارنده سند، خساره وارد
گردد، بانكدار مكلف است
خساره وارده را جبران نمايد.

فصل ششم

تاديه و تكتانه

تاديه به دارنده سند قابل
معامله

ماده شصت و سوم:

مبلغ مندرج سند قابل معامله واجب
التاديه به منظور بري الذمه ساختن
صادرکننده يا قبول کننده، با
نظرداشت حكم مندرج ماده (شصت
وهفتم) اين قانون به دارنده سند تاديه
مي گردد.

محاسبه تكتانه يا ساير اشكال بهره

ماده شصت و چهارم:

(۱) تكتانه اسناد قابل معامله،
با نظر داشت حمايت از
حقوق مديون مطابق

ملا تر له په پام کې نيولو سره، د قانون د حکمونو مطابق په لاندې توگه محاسبه کېږي:

۱- که چېرې ټکټانه يا د بهرې نور ډولونه په حجت يا برات کې په صراحت سره درج او د ورکړې وړ وي، خو د ټکټانې يا د بهرې د نورو ډولونو د ورکړې لپاره ټاکلې نېټه مشخصه شوې نه وي، د ټکټانې مقدار په لاندې توگه محاسبه کېږي:

- په هغه صورت کې چې سند حجت وي، ټکټانه په ټاکلي نرخ په حجت کې پر درج شوي مبلغ باندې محاسبه کېږي. د هغې د محاسبې وړ موعده د حجت د ترتيب له نېټې څخه تر هغې نېټې پورې چې نوموړی مبلغ واجب التاديه ګرځي يا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولو لپاره د دعوي اقامه صورت مومي، په پام کې نيول کېږي.

- په هغه صورت کې چې سند برات وي، ټکټانه په ټاکلي نرخ په برات

احکام قانون قرار ذيل محاسبه می گردد:

۱- هرگاه ټکټانه يا ساير اشکال بهره در حجت يا برات صريحاً درج و قابل تاديه باشد، ولي تاريخ معيني برای تاديه ټکټانه و يا ساير اشکال بهره مشخص نشده باشد، مقدار ټکټانه طور ذيل محاسبه می شود:

- در صورتی که سند حجت باشد ټکټانه به نرخ معينه بالای مبلغ مندرج حجت محاسبه می شود، موعده قابل محاسبه آن از تاريخ ترتيب حجت الی تاريخی که مبلغ مذکور واجب التاديه می گردد يا تاريخی که جهت حصول مبلغ اقامه دعوی صورت می گیرد مدنظر گرفته می شود.

- در صورتی که سند برات باشد ټکټانه به نرخ معينه بالای مبلغ

مندرج برات محاسبه می شود. موعده قابل محاسبه آن از تاریخی که برات واجب التادیه می گردد، الی تاریخی که مبلغ مندرج آن تادیه می شود یا الی تاریخی که به منظور حصول مبلغ اقامه دعوی صورت می گیرد، مدنظر گرفته می شود.

۲- هرگاه در حجت یا برات در خصوص تادیه تکتانه یا سایر اشکال بهره یا نرخ که به اساس آن تکتانه تادیه شود تصریح نشده باشد، وضع تکتانه مجاز بوده و طور ذیل محاسبه می شود.

- تکتانه بر اساس نرخ تعیین شده سالانه مطابق احکام قوانین افغانستان محاسبه می شود.

- در صورتی که سند حجت باشد تکتانه از تاریخ ترتیب حجت یا الی زمانی که مبلغ مندرج آن تادیه می

کمی پر درج شوی مبلغ باندي محاسبه کېږي. د هغې د محاسبې وړ وخت له هغې نېټې څخه چې برات واجب التادیه گرځي، تر هغې نېټې پورې چې په هغه کې درج شوی مبلغ ورکول کېږي یا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولو په منظور، د دعوي اقامه صورت مومي، په پام کې نیول کېږي.

۲- که چېرې په حجت یا برات کې د ټکټانې یا د بهرې د نورو ډولونو د ورکړې یا هغه نرخ په هکله چې پر بنسټ یې ټکټانه ورکول کېږي تصریح نه وي شوې، د ټکټانې وضع کول مجاز دي او په لاندې توګه محاسبه کېږي.

- ټکټانه د کلني ټاکل شوي نرخ پر بنسټ د افغانستان د قوانینو مطابق محاسبه کېږي.

- په هغه صورت کې چې سند حجت وي، ټکټانه د حجت د ترتیب له نېټې څخه تر هغه وخته پورې چې

گردد یا تاریخی که جهت حصول مبلغ اقامه دعوی صورت می گیرد، محاسبه می شود.

- در صورتی که سند، برات باشد تکتانه از زمانی که مبلغ مندرج برات واجب التادیه می گردد الی تاریخی که مبلغ آن تأدیه می شود یا الی تاریخی که جهت حصول مبلغ اقامه دعوی صورت می گیرد، محاسبه می شود.

(۲) احکام مندرج فقره (۱) این ماده در رابطه به محاسبه تکتانه برحجت و برات نسبت به هر مقاوله ای که توسط طرفین درحجت و برات انجام می گردد در آن ها انعکاس نیافته است، مرجح می باشد.

(۳) در صورتی که بازپرداخت مبلغ مندرج سند بر اساس روش غیر از تکتانه استوار باشد اما مقدار یا نرخ

په هغه کې درج شوی مبلغ ورکول کېږي یا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولولو لپاره د دعوي اقامه صورت مومي، محاسبه کېږي.

- په هغه صورت کې چې سند، برات وي، ټکتانه له هغه وخت څخه چې په برات کې درج شوی مبلغ واجب الادا ګرځي، تر هغې نېټې پورې چې مبلغ یې ورکول کېږي یا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولولو لپاره د دعوي اقامه صورت مومي، محاسبه کېږي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي حکمونه پر حجت او برات باندې د ټکتانې د محاسبې په اړه نسبت و هرې مقاولې ته چې د اړخونو په واسطه په حجت او برات کې تر سره خو په هغو کې یې انعکاس ندی موندلی، مرجح دي.

(۳) په هغه صورت کې چې په سند کې د درج شوي مبلغ بېرته ورکړه، د غیر ټکتانې د تګلارې پر بنسټ

آن تعیین نشده باشد، باز پرداخت مبلغ مندرج سند یا نرخ آن طور ذیل محاسبه می شود.

۱- هرگاه بازپرداخت بر اساس افزایش در قیمت، اجاره، خرید به صورت اقساط و یا مصارف خدماتی بنا یافته باشد، در این صورت نرخ قرارداد شده توسط طرفین حسب مورد، محاسبه می گردد.

۲- هرگاه بازپرداخت بر اساس اشتراک در نفع و ضرر استوار باشد، در این صورت محکمه توافق مشارکت در منافع بین بانک و مدیون حکمی در زمان عقد مقاوله قرضه را، در نظر می گیرد.

۳- بهره از زمانی که سند قابل معامله واجب التأدیه می گردد الی تاریخی که مبلغ مندرج سند قابل معامله تأدیه می گردد، مجاز

ولاره وی خو مقدار یا نرخ بی تاکل شوی نه وی، په سند کی د درج شوی مبلغ بپرته ورکړه یا بی نرخ په لاندې توگه محاسبه کېږي:

۱- که چېرې بپرته ورکړه په بیه کې د زیاتوالی، اجارې، د قسطونو په ډول د پیروندې یا خدماتي لگښتونو پر بنسټ بنا شوې وي، پدې صورت کې د اړخونو په واسطه قرارداد شوی نرخ د مورد له مخې محاسبه کېږي.

۲- که چېرې بپرته ورکړه په گټه او زیان کې د گډون پر بنسټ ولاره وي، پدې صورت کې محکمه د پور د مقاولې د عقدولو په وخت کې د بانک او حکمي مدیون تر منځ په گټو کې د گډون توافق په پام کې نیسي.

۳- بهره له هغه وخت څخه چې د معاملې وړ سند واجب التأدیه ګرځي تر هغې نېټې پورې چې په معاملې وړ سند کې درج شوی مبلغ ورکول

کپري، مجاز ده.

د ټکټاني د ورکړې لپاره د

ظهنويس الزام

پنځه شپيتمه ماده:

که چپري مسئول اړخ د معاملي وړ هغه سند ظهنويس وي چې له ورکړې څخه يې نکول صورت موندلی دی، هغه يوازې د سند د نکول د خبرتيا د ترلاسه کولو له نېټې څخه د ټکټاني يا د بهرې د نورو ډولونو پر ورکړه ملزم دی.

د ورکېدو په صورت کې د

ورکړې يا برائت په وخت کې د

معاملي وړ سند تسليمي

شپږ شپيتمه ماده:

هغه شخص چې د لرونکي په واسطه په معاملي وړ سند کې د درج شوي مبلغ په ورکړې باندې ملزم کېږي، له ورکړې دمخه حق لري څو د معاملي وړ سند رویت وغواړي او له ورکړې وروسته هغه تسليم شي، په

می باشد.

الزام ظهنويس برای تادیه

تکټانه

ماده شصت و پنجم :

هر گاه طرف مسئول، ظهنويس سند قابل معامله ای باشد که از تادیه آن نکول صورت گرفته است، وی صرف از زمان دریافت اطلاعيه نکول سند، ملزم به تادیه تکټانه يا ساير اشکال بهره می باشد.

تسليمی سند قابل معامله حين تادیه

يا برائت در صورت

مفقودی

ماده شصت و ششم :

شخصی که توسط دارنده ملزم به تادیه مبلغ مندرج سند قابل معامله می گردد ، قبل از تادیه حق دارد تا رویت سند قابل معامله را مطالبه نماید وبعد از تادیه آن را تسليم شود. در صورتی که سند مفقود

هغه صورت کې چې سند ورک شوی وي، دنوموړي سند په اړه د هر ډول وروستنۍ ادعا په وړاندې، بري الذمه گڼل کېږي.

اووم فصل

د معاملي وړ سندونو په وړاندې له مسئوليت څخه برائت

له مسئوليت څخه د برائت حالات اووه شپيتمه ماده:

د معاملي وړ سند صادر وونکي قبلوونکي يا ظهر نويس په يوه له لاندې حالاتو کې بري الذمه گرځي:

۱- په هغه صورت کې چې د سند لرونکی، د قبلوونکي يا ظهر نويس نوم د بري الذمه کولو په مقصد حذف کړي (خط ووهي). قبلوونکي يا ظهر نويس د دغه ډول لرونکي او ټولو اړخونو په نسبت چې د هغه له لارې ادعا لري، بري الذمه کېږي.

۲- په هغه صورت کې چې د سند لرونکی، صادر وونکی، قبلوونکی يا

گړدیده باشد، در مقابل هر نوع ادعای بعدی در رابطه به سند متذکره، بری الذمه دانسته می شود.

فصل هفتم

برائت از مسئولیت در برابر اسناد قابل معامله

حالات برائت از مسئولیت

ماده شصت و هفتم:

صادرکننده، قبول کننده یا ظهر نويس سند قابل معامله در یکی از حالات ذیل بری الذمه می گردد:

۱- در صورتی که دارنده سند اسم قبول کننده یا ظهر نويس را به قصد بری الذمه ساختن حذف نماید (خط بزند)، قبول کننده یا ظهر نويس نسبت به چنین دارنده و تمام طرفین که از طریق وی ادعا دارند، بری الذمه می گردد.

۲- در صورتی که دارنده سند، صادر کننده، قبول کننده یا ظهر

نویس را به شکل دیگری بری الذمه ساخته باشد، صادر کننده، قبول کننده یا ظهر نویس مذکور نسبت به چنین دارنده و تمام طرفین که از این تبریئه مطلع می باشند و از طریق وی ادعا دارند بری الذمه می گردد.

۳- در صورتی که سند قابل معامله به حامل آن قابل تأدییه بوده یا طور سفید ظهر نویسی شده باشد و صادر کننده، قبول کننده یا ظهر نویس در موعد معینه مبلغ قابل تأدییه مندرج سند قابل معامله را تأدییه نموده باشد، صادر کننده، قبول کننده یا ظهر نویس نسبت به تمام طرفین سند متذکره بری الذمه می گردد.

مهلت دادن به مخاطب

ماده شصت و هشتم :

هرگاه دارنده برات، جهت قبولی آن برای مخاطب بیش از دو روز کاری مهلت بدهد تا برات مذکور را برای قبولی ملاحظه نماید، در این

ظهر نویس په بل ډول بري الذمه کړي وي، نوموړی صادر وونکی، قبل وونکی یا ظهر نویس نسبت دغه ډول لرونکی او ټولو اړخونو ته چې لدې تبریئي څخه خبروي او د هغه له لارې ادعا لري بري الذمه کېږي.

۳- په هغه صورت کې چې د معاملې وړ سند د هغه حامل ته د ورکړې وړ وي یا په سپینه توگه ظهر نویسی شوی وي او صادر وونکی، قبل وونکی یا ظهر نویس په ټاکلي وخت کې په معاملې وړ سند کې درج شوی د ورکړې وړ مبلغ ورکړی وي، صادر وونکی، قبل وونکی یا ظهر نویس د یاد شوي سند د ټولو اړخونو په نسبت بري الذمه کېږي.

مخاطب ته د مهلت ورکول

اته شپږمه ماده:

که چېرې د برات لرونکی، د هغه د قبولی لپاره مخاطب ته له دوو کاري ورځو څخه زیات مهلت ورکړي خو نوموړی برات د قبلولو لپاره وگوري

صورت تمام طرفین قبلی برات که با دادن این مهلت موافق نیستند، نسبت به چنین دارنده ای بری الذمه دانسته می شوند.

عدم ارایه چک در موعد

معینه و ضررناشی از

آن

ماده شصت ونهم :

(۱) هرگاه چک بعد از تاریخ صدور آن در خلال موعد مناسب ، برای تأدیه ارایه نشود و صادر کننده یا شخصی که چک از حساب وی صادر شده ، در زمانی که چک باید ارایه می شد حق تأدیه چک را نزد بانک ، دارا بوده ، ولی بعلت تأخیر در ارایه آن ، متحمل خساره شود متناسب به خساره وارده بری الذمه دانسته می شود.

ماهیت چک ، عرف تجارتي ،

پدې صورت کې د برات د دمخه ټول اړخونه چې د دغه مهلت له ورکولو سره موافق ندي، ددغه ډول لرونکي په نسبت بری الذمه گڼل کېږي.

په ټاکلي وخت د چک نه وړاندې

کول او له هغه څخه را پیدا شوی

زیان

ننه شپږمه ماده:

(۱) که چېرې چک د هغه د صادرېدو له نېټې څخه د مناسب وخت په ترڅ کې، د ورکړې لپاره وړاندې نشي او صادر وونکی یا هغه شخص چې چک یې له حساب څخه صادر شوی، په هغې موده کې چې چک باید وړاندې شوی وای، دبانک په وړاندې د چک د ورکړې د حق لرونکی وي، خو د هغه په وړاندې کولو کې د ځنډ له امله زیانمن شي، له اوونښتي زیان سره متناسب بری الذمه گڼل کېږي.

د چک ماهیت، سوداگریز عرف،

بانکدار او په خاصو مواردو کې نور موجود واقعتونه د مناسب وخت د ټاکلو لپاره په پام کې نیول کېږي. (۲) ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي چک لرونکی چې صادر وونکی یا بل شخص له هغه څخه بري الذمه کېږي، ددغه ډول صادر وونکي یا شخص پرځای ددغه شان دین په اندازه، د بانکدار داین گړخي او له بانکدار څخه د مبلغ د حصول مستحق دی.

په دستور د ورکړې وړ چک

اوپا یمه ماده:

(۱) که چېرې چک "د دستور پر بنسټ" د ورکړې وړ وي او د ورکړې د ترلاسه کوونکي په واسطه یا د هغه لخوا د بل شخص په واسطه د ظهر نویسی څرگندوی وي، پدې صورت کې مخاطب، د هغه د ټاکلي وخت په ترڅ کې په ورکړې سره، بري الذمه کېږي.

(۲) په هغه صورت کې چې چک،

بانکدار و سایر واقعت های موجود در موارد خاص جهت تعیین موعد مناسب، مد نظر گرفته می شود. (۲) دارنده چک مندرج فقره (۱) این ماده که صادر کننده یا شخص دیگر از وی بری الذمه می شود، در عوض چنین صادر کننده یا شخص به اندازه چنین دین، داین بانکدار می گردد و مستحق حصول مبلغ از بانکدار می باشد.

چک قابل تأدیه به دستور

ماده هفتم:

(۱) هرگاه چک "بنا بر دستور" قابل تأدیه بوده و حاکی از ظهر نویسی توسط دریافت کننده تأدیه یا از جانب وی توسط شخص دیگر باشد، در این صورت مخاطب با تأدیه در خلال موعد معینه آن، بری الذمه می گردد.

(۲) در صورتی که چک، به "حامل

حامل ته د ورکړې وړ وي، د ټاکلې مودې په ترڅ کې حامل ته د هغه په ورکړې سره بري الذمه گڼل کېږي. له دی سره سره چې ظهرونيسي يې بشپړه يا سپينه وي يا يې وروستی معامله محدوده يا مستثني کړې وي.

مشروطه يا محدوده قبولي

يو او يايمه ماده:

(۱) په هغه صورت کې چې د برات لرونکی له مشروطې قبولي سره موافقه وکړي يا بل شخص په برات کې د درج شوي مبلغ د يوې برخې په قبولولو سره خپله موافقه محدوده کړي يا د ورکړې لپاره بل ځای يا وخت و ټاکي، يا ورکونکي يو د بل شريکان نه وي او سند د هغو ټولو لخوا لاسليک شوی نه وي پدې حالاتو کې د دمخه ټول اړخونه چې په دغه ډول قبولي کې يې رضایت اخستل شوی ندی، دبرات د لرونکي او هغو اشخاصوپه وړاندې چې د هغه له لارې مدعي دي، بري

قابل تأديه" باشد، مخاطب با تأديه آن به حامل در خلال موعده معينه بری الذمه دانسته می شود، با وجود این که ظهرونيسي آن مکمل يا سفید بوده يا معامله بعدی را محدود و يا مستثني نموده باشد.

قبولی مشروط يا محدود

ماده هفتادويکم :

(۱) در صورتی که دارنده برات با قبولی مشروط موافقه نماید يا شخص ديگری موافقت خود را به قبولی یک قسمت از مبلغ مندرج در برات محدود نماید ، محل يا زمان ديگری را برای تأديه تعيين نماید، يا تأديه کننده گان شرکای همديگر نبوده و سند به امضای همه آنان نرسیده باشد، در این حالات تمام طرفين قبلی که رضایت آنها در این گونه قبولی اخذ نشده است ، در مقابل دارنده برات و اشخاصی که از طریق وی مدعی هستند، بری الذمه می شوند، مگر این که آن ها رضایت

خود را در اطلاعیه داده شده توسط دارنده، ابراز نموده باشند.

(۲) قبولى در حالات ذيل مشروط دانسته مى شود :

۱- اعلان اين دستور كه تأديه، مشروط به وقوع واقعه مندرج در برات است.

۲- تعهد مبنى بر تاديه صرف يك قسمت از مبلغ را احتوا نمايد كه دستور تأديه آن داده شده است.

۳- هرگاه محل تأديه در دستور مشخص نشده باشد، در اين صورت تأديه كننده متعهد به تأديه در يك محل مشخص مى گردد. در صورتى كه محل تأديه در دستور مشخص شده باشد، تأديه كننده مى تواند تاديه مبلغ مندرج سند را در محل ديگرى تعهد نمايد.

۴- در صورتى كه تأديه كننده

الذمه كبري، خو دا چي هغوى خپل رضاييت د لرونكي لخوا په وركړل شوى خبرتيا كې، څرگند كړى وي.

(۲) قبولى په لاندې حالاتو كې مشروطه گڼل كېږي:

۱- ددغه دستور اعلان چي وركړه په برات كې د درج شوې پېښې په واقع كېدو پورې مشروطه ده.

۲- د وركړې په اړه ژمنه، د هغه مبلغ چي د وركړې دستور يې وركول شوى دى، يوازې يوه برخه احتوا كوي.

۳- كه چېرې په دستور كې د وركړې ځاى مشخص شوى نه وي، يا پدې صورت كې وركوونكى په يوه مشخص ځاى كې وركړې ته ژمن كېږي، په هغه صورت كې چي د وركړې ځاى په دستور كې مشخص شوى وي، وركوونكى كولى شي په سند كې د درج شوي مبلغ وركړه په بل ځاى كې ژمنه وكړي.

۴- په هغه صورت كې چي

متعهد به تأديه در يك زمان ديگر گردد ، به غير از آنچه كه در دستور بحيث موعده تأديه، معين گرديده است.

آثار تحريف اساسي

ماده هفتاد و دوم :

(۱) تحريف اساسي در سند قابل معامله باطل پنداشته مي شود، مگر اين كه طرفين به آن موافقه داشته باشند.

(۲) هرگاه تحريف اساسي توسط شخصي كه سند به اسم وي ظهر نويسي شده ، صورت گيرد، ظهر نويس از مسئوليت ها در قبال انجام تعهد بري الذمه مي گردد.

(۳) احكام مندرج فقره هاي (۱ و ۲) اين ماده با رعايت احكام مندرج مواد (چهل و دوم و يكصد و سيزدهم) اين قانون قابل تطبيق مي باشد.

ورکونکی په یوه بل وخت کې ورکړې ته ژمن شي، پرته له هغه څخه چې په دستور کې د ورکړې د مودې په توګه ټاکل شوی دی.

د بنسټيز تحريف آثار

دوه اويا يمه ماده:

(۱) په معاملې وړ سند کې بنسټيز تحريف باطل ګڼل کېږي، خو دا چې اړخونه له هغه سره موافقه ولري.

(۲) که چېرې بنسټيز تحريف د هغه شخص په واسطه چې سند يې په نوم ظهر نويسي شوی دی، صورت ومومي، ظهر نويس د ژمنې د سرته رسولو په وړاندې له مسئوليتونو څخه بري الذمه کېږي.

(۳) ددې مادې به (۱ او ۲) فقره کې درج شوي حکمونه ددې قانون (د دوه څلوېښتمې او يوسلو ديارلسمې) مادې د حکمونو له په پام کې نيولو سره، د تطبيق وړ دي.

ددمخه تحريف په صورت کې دقبلوونکي يا ظهرنويس الزاميت

دري اويايمه ماده:

دمعاملې وړسند قبلوونکي يا ظهرنويس د هغه په قبلولو يا ظهرنويس سره ملزم او مقيد کېږي، له دې سره سره چې په ياد شوي سند کې تحريف دمخه صورت موندلی وي.

د ناخرگند تحريف لرونکي سندورکړه

خلوراويايمه ماده:

په هغه صورت کې چې په معاملې وړ سند کې داسې تحريف صورت موندلی وي چې پکې ظاهر نشي يا په هغه صورت کې چې چک پداسې وضعيت سره وړاندې شي چې د وړاندې کولو په وخت کې د هغه منخطط (کراس) والي معلوم نشي يا دغه خطونه (کرنې) له چک څخه زایل شوي وي، پدغو حالاتو کې د هغه ورکړه د هغه شخص يا بانکدار

الزاميت قبول کننده يا ظهرنويسدر صورت تحريف قبلي

ماده هفتادو سوم :

قبول کننده يا ظهرنويس سند قابل معامله با قبولى يا ظهرنويسى آن ملزم و مقيد مى گردد، با وجود اين که تحريف در سند متذکره قبلاً صورت گرفته باشد.

تأديه سند داراي تحريف غيراشکاره

ماده هفتاد و چهارم :

در صورتى که در سند قابل معامله تحريفى صورت گرفته باشد که در آن ظاهر نگردد، يا در صورتى که چک به وضعيتى ارايه شود که در زمان ارايه منخطط (کراس) بودن آن معلوم نگردد و يا اين خطوط از چک زایل شده باشد، در اين حالات تأديه آن توسط شخص يا بانکدارى که ملزم به تأديه آن است، و عين

په واسطه چې په ورکړه یې ملزم دی او په متن کې درج شوی عین مبلغ یې د ورکړی یاسر رسید په وخت کې ورکړی وي، دغه ډول شخص یا بانک له هغه څخه له راپیدا شوي مسئولیت څخه بري الذمه کېږي.

په واسطه چې په ورکړه یې ملزم دی او په متن کې درج شوی عین مبلغ یې د ورکړی یاسر رسید په وخت کې ورکړی وي، دغه ډول شخص یا بانک له هغه څخه له راپیدا شوي مسئولیت څخه بري الذمه کېږي.

برائت صادر کننده ، قبول کننده
وظهرنویس بعد از دارنده شدن
سند قابل معامله توسط مدیون

د اصلي مدیون په واسطه د معاملي
وړ سند له خاوند کېدو وروسته د
صادروونکي، قبلوونکي او ظهر

اصلي

نویس برائت

ماده هفتاد و پنجم :

پنځه او یا یوه ماده:

(۱) هرگاه مدیون اصلی سند قابل معامله در سر رسید یا بعد از آن ، دارنده سند متذکره گردد، در این صورت صادر کننده، قبول کننده یا ظهر نویس سند قابل معامله از مسئولیت در برابر چنین سند، بری الذمه می شود.

(۱) که چېرې د معاملي وړ سند اصلي مدیون په سر رسید کې یا له هغه وروسته د یاد شوی سند لرونکی شي، پدې صورت کې د معاملي وړ سند صادروونکی ، قبلوونکی یا ظهر نویس، ددغه ډول سند په وړاندې له مسئولیت څخه بري الذمه کېږي.

(۲) هرگاه دارنده برات بعد از قبولی آن با قبول کننده ، مقاوله ای را

(۲) که چېرې د برات لرونکی د هغه له قبلېدو وروسته له قبلوونکي

سره ددې قانون د حکمونو په (شلمه) ماده کې د درج شوي حکم مطابق مقاوله عقد کړي، نور اړخونه بري الذمه کېږي، خو دا چې د نوموړي برات لرونکی د هغو د مکلفولو په اړه خپل حق په صراحت سره وساتي.

مطابق حکم مندرج ماده (بيستم) اين قانون عقد نمايد، ساير جوانب بري الذمه می گردند، مگر اين که دارنده برات مذکور با صراحت حق خود را مبنی بر مکلف ساختن آنها محفوظ نگهدارد.

اتم فصل

دنکول خبرتيا

د نه قبلېدو په سبب نکول

شپړاويایمه ماده:

د برات نه قبلېدل په يوه له لاندې حالاتو کې نکول گڼل کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې مخاطب يا له خو غير شريکو مخاطبينو څخه يو د هغه برات چې په قبلولو يې ملزم دی، قبلول رد کړي.

۲- په هغه صورت کې چې د برات نه وړاندې کول موجه وي او قبول نشي.

۳- په هغه صورت کې چې تأديه کوونکی د مقاولې د عقد اهليت او

فصل هشتم

اطلاعيه نکول

نکول به سبب عدم قبولي

ماده هفتاد و ششم:

عدم قبولي برات دريکې از حالات ذيل نکول پنداشته می شود:

۱- در صورتی که مخاطب يا یکی از چندین مخاطب غير شريك، قبولي براتی را که ملزم به قبول آن می باشد، رد نمايد.

۲- در صورتی که عدم ارایه برات مؤجه بوده و سند قبول نگرده.

۳- در صورتی که تأديه کننده فاقد اهليت و صلاحيت عقد مقاوله

واک و نلري.

باشد.

۴- په هغه صورت کې چې قبلېدل د قید او شرط لرونکي وي.

۴- درصورتی که قبولی دارای قید و شرط باشد.

د نه ورکړې په سبب نکول

نکول به سبب عدم تأدیه

اووه اوایمه ماده:

ماده هفتاد و هفتم :

د معاملې وړسند هغه وخت د نه ورکړې په سبب نکول شوی گڼل کېږي چې د حجت صادر وونکی، د برات قبلوونکی یا د چک مخاطب، پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، د هغو په ورکړه مکلف وي او له هغې څخه ډډه و کړي.

سند قابل معامله زمانی به سبب عدم تأدیه نکول شده پنداشته می شود که صادر کننده حجت، قبول کننده برات و یا مخاطب چک که مطابق احکام مندرج این قانون ، مکلف به تادیه آن بوده ، واز آن امتناع ورزند.

د ابطال خبرتیا

اطلاعیه ابطال

اته اوایمه ماده:

ماده هفتاد و هشتم :

(۱) که چېرې د معاملې وړ سند د نه قبلېدو یا ورکړې په سبب نکول شي، لرونکی یا نور اړخونه چې د معاملې وړ سند په وړاندې ملزم باقی پاتې دي، مکلف دي له قبلولو څخه د نکول یا ورکړې خبرتیا ټولو هغو اړخونو ته چې د لرونکي په وړاندې په انفرادي توگه او د اړخونو څخه

(۱) هرگاه سند قابل معامله به سبب عدم قبولی یا تأدیه نکول گردد، دارنده یا سایر طرفینی که درقبال سند قابل معامله ملزم باقی مانده اند، مکلف اند، اطلاعیه نکول از قبولی و یا تأدیه را به تمام طرفینی که نزد دارنده طور انفرادی و به یک یا بیشتر

از طرفینی که نزد دارنده
طور مشترک مسئول اند، ارایه
نماید.

(۲) در صورتی که برات به سبب
عدم قبولی رد گردد، صادر کننده
یا ظهر نویسی که چنین اطلاعیه به
وی ارایه نشده باشد، بری الذمه
می گردد، ولی حقوق دارنده با
حسن نیت را که متعاقب عدم
ارایه اطلاعیه مطابق احکام
مندرج این قانون حایز آن
گردیده است، متأثر نمی
سازد.

(۳) در صورتی که برات به سبب
عدم قبولی نکول گردد و اطلاعیه
نکول طور مقتضی ارایه شود،
ضرورت به اطلاعیه بعدی برای عدم
تأدیه نمی باشد، مگر این که برات در
خلال این مدت قبول گردیده
باشد.

(۴) ارایه اطلاعیه نکول به
صادرکننده حجت رد شده یا

یوه یا زیاتو ته چي لرونکي ته په
مشترک ډول مسئول دی، وړاندې
کړي.

(۲) په هغه صورت کې چې برات د
نه قبلېدو په سبب رد شي،
صادر وونکی یا هغه ظهر نویس چې
دغه ډول خبرتیا ورته وړاندې شوې
نه وي، بری الذمه کېږي، خو له بڼه
نیت سره د لرونکي حقوق چې د
خبرتیا د نه وړاندې کېدو په تعقیب،
پدې قانون کې د درج شوو حکمونو
مطابق د هغو خاوند شوی دی، نه
اغېزمنوي.

(۳) په هغه صورت کې چې برات د
نه قبلېدو په سبب نکول شي اود
نکول خبرتیا په مقتضی توګه وړاندې
شي، د نه ورکړې لپاره دوروستی.
خبرتیا اړتیا نشته خودا چې برات
ددغې مودې په ترڅ کې قبول شوی
وي.

(۴) د رد شوي حجت صادر وونکي
یا د رد شوي برات یا چک مخاطب

يا قبولونکي ته نکول د خبرتيا وړاندې کول ددې مادې په (۱، ۲، او ۳) فقره کې د درج شوو حکمونو مطابق، اړين ندي.

د خبرتيا وړاندې کول

نهه اويايمه ماده:

(۱) د نکول خبرتيا د وفات، ور شکسته کېدو يا افلاس په صورت کې قانوني ممثل يا واکمن شخص ته له احوالو سره سم وړاندې کېږي. خبرتيا په شفاهي يا ليکلي توگه ابلاغېږي، په هغه صورت کې چې خبرتيا ليکلي وي، د پستي ليک يا نورو اغېزمنو لارو څخه ددې قانون له حکمونو سره په مطابقت کې استول کېدې شي، خبرتيا په صريح ډول يا په داسې الفاظو بيانېږي چې اصلي مقصد افاده کړي. خبرتيا د مناسب موعده په ترڅ کې د سند له نکول وروسته، د کار په ځای کې او په هغه صورت کې چې دکارځای مشخص نه وي، د نظر وړ اړخ د

مخاطب يا قبول کننده چک يا برات رد شده، مطابق احکام مندرج فقره های (۱، ۲، و ۳) اين ماده ضرورنمی باشند.

ارايه اطلاعیه

ماده هفتادونهم :

(۱) اطلاعیه نکول، در صورت وفات، ورشکسته شدن يا افلاس به ممثل قانونی يا شخص ذیصلاح حسب احوال ارایه می گردد. اطلاعیه بصورت شفاهی يا کتبی ابلاغ می گردد، در صورتی که اطلاعیه کتبی باشد، از طریق نامه پستی يا طرق مؤثر دیگر در مطابقت به احکام قانون، ارسال شده می تواند. اطلاعیه طور صريح و يا به الفاظی بيان می گردد که مقصد اصلي را افاده نماید. اطلاعیه در خلال موعده مناسب بعد از نکول سند، در محل کار، در صورتی که محل کار مشخص نباشد در محل اقامت طرف مورد نظر، ارایه می

اوسيدوپه ځای کې وړاندی کېږی.
 (۲) ددې مادې په (۱) فقره کې
 درج شوې خبرتیا د لاندې معلوماتو
 لرونکې وي:

۱- سند، د نکول وړ ګرځېدلی
 دی.

۲- نکول په کومې وسیلې سره
 صورت موندلی دی.

۳- د نکول مسئولیت کوم اړخ ته
 متوجه دی.

(۳) په هغه صورت کې چې ددې
 مادې په (۱) فقره کې درج شوې
 خبرتیا په مقتضي توګه ولیکل شي او
 د پستي لیک له لارې واستول شي
 خو مقصد ته و نه رسېږي، د خبرتیا
 نه رسېدل د خبرتیا د وړاندې کولو
 د نه اعتبار سبب نه کېږي.

د نکول د خبرتیا انتقال

اتیایمه ماده:

د نکول د خبرتیا ترلاسه کوونکی
 مکلف دی، خپل د مخني لوري ته د
 مسئولیت د ارجاع په منظور، د

ګرځد.

(۲) اطلاعیه مندرج فقره (۱) این
 ماده، حاوی معلومات ذیل
 می باشد:

۱- سند، مورد نکول قرار ګرفته
 است.

۲- نکول بکدام وسیله صورت
 ګرفته است.

۳- مسئولیت نکول متوجه کدام
 طرف می باشد.

(۳) در صورتی که اطلاعیه
 مندرج فقره (۱) این ماده
 طور مقتضی تحریر و از طریق
 نامه پستی فرستاده شود ولی به
 مقصد نرسد، عدم رسیدن اطلاعیه،
 سبب عدم اعتبار رایه اطلاعیه نمی
 ګرځد.

انتقال اطلاعیه نکول

ماده هشتم:

دریافت کننده اطلاعیه نکول مکلف
 است به منظور ارجاع مسئولیت به
 جانب قبلی خود، اطلاعیه نکول را

نکول خبرتيا په مناسب وخت کې خبراڅستونکي اړخ ته وړاندې کړي، خودا چې نوموړی اړخ خبرتيا ددې قانون په (اووه اويايمه) ماده کې د درج شوي حکم مطابق ترلاسه کړې وي.

استازي ته د معاملي وړ سند

وړاندې کول

يو اتيایمه ماده:

که چېرې د معاملي وړ سند اصلی شخص يا يې استازي ته ورتسليم شي، استازی مکلف دی دخبرتيا له حصول وروسته په مناسبه موده کې اصلی شخص ته ورسوي.

د نکول د خبرتيا د اڅستونکي

اړخ وفات

دوه اتيایمه ماده:

که چېرې هغه شخص چې هغه ته د نکول خبرتيا استول شوې ده، وفات شي او د خبرتيا استوونکی د هغه له وفات څخه خبر نه وي،

در موعده مناسب به طرف اطلاع گیرنده ارایه نماید، مگر این که طرف مذکور اطلاعیه را مطابق حکم مندرج ماده (هفتاد و هفتم) این قانون دریافت نموده باشد.

ارایه سند قابل معامله برای

نماینده

ماده هشتاد و یکم :

هرگاه سند قابل معامله جهت ارایه به شخص اصلی یا به نماینده وی، تسلیم داده شود، نماینده مکلف است، اطلاعیه را بعد از حصول در موعده مناسب به شخص اصلی برساند.

وفات طرف گیرنده اطلاعیه

نکول

ماده هشتاد و دوم :

هرگاه شخصی که به وی اطلاعیه نکول فرستاده شده، وفات نماید و فرستنده اطلاعیه از وفات وی مطلع نباشد، اطلاعیه کافی بوده، فرستنده

خبرتيا كافي ده، استوونكي له مسئوليت څخه بري الذمه كېږي .

از مسئوليت بری الذمه می گردد.

د نکول د خبرتيا د نه وړاندې

حالات عدم ضرورت اطلاعیه

کولو حالات

نکول

دري اتيایمه ماده:

ماده هشتاد وسوم :

د نکول د خبرتيا وړاندې کول په لاندې حالاتو کې اړین ندي:

ارايه اطلاعیه نکول در حالات ذیل ضرور نمی باشد :

۱- په هغه صورت کې چې د خبرتيا د ترلاسه کولو مستحق شخص، دهغه له ترلاسه کولو څخه صرف نظر کړی وي.

۱- در صورتی که شخص مستحق دریافت اطلاعات، از دریافت آن صرف نظر نموده باشد.

۲- په هغه صورت کې چې صادر وونکي د ورکړې دستور فسخ کړی وي.

۲- در صورتی که صادر کننده دستور تأديه را فسخ نموده باشد.

۳- په هغه صورت کې چې د معاملې وړ سند په وړاندې ملزم اړخ، ونکړی شي دخبرتيا له وړاندې کولو څخه را پیدا شوي زیانونه و زغمي.

۳- در صورتی که طرف ملزم در برابر سند قابل معامله ، نتواند، خسارات ناشی از ارایه اطلاعیه را متحمل شود.

۴- په هغه صورت کې چې د خبرتيا د ترلاسه کولو مستحق شخص، له مقتضي لټولو وروسته پیدا نشي يا هغه اړخ چې د خبرتيا په

۴- در صورتی که شخص مستحق دریافت اطلاعیه، بعد از جستجوی مقتضى پیدا نشود و یا طرفی که ملزم به ارایه اطلاعیه است

با وجود اتخاذ تدابیر مقتضی قادر به ارایه اطلاعیه نگردد.

۵- در صورتی که قبول کننده نیز یکی از صادرکننده گان باشد.

۶- در صورتی که حجت قابل معامله نباشد.

۷- در صورتی که شخص مستحق دریافت اطلاعیه از حقایق آگاه بوده و بدون قید و شرط تأدیة مبلغ مندرج سند قابل معامله را تعهد نماید.

فصل نهم

یادداشت و اعتراض

یادداشت

مادۀ هشتاد و چهارم :

در صورت نکول از قبولی یا تأدیة حجت یا برات، دارنده می تواند، تقاضا نماید تا موضوع توسط مامور ذیصلاح در سند قابل معامله و یا در ورق ملصق به آن و یا بر هر دو، یادداشت گردد.

وړاندې کولو ملزم دی د مقتضي تدبیرونو د نیولو سره ، سره دخبرتیا په وړاندې کولو قادر نشي.

۵- په هغه صورت کې چې قبلوونکی هم یو له صادروونکو څخه وي.

۶- په هغه صورت کې چې حجت د معاملې وړ نه وي.

۷- په هغه صورت کې چې دخبرتیا د ترلاسه کولو مستحق شخص، له حقایقو څخه خبر وي او له قید او شرط پرته په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ ورکړه ژمنه وکړي.

نهم فصل

یادداشت او اعتراض

یادداشت

څلور اتیایمه ماده:

دحجت یا برات له قبلېدو یا ورکړې څخه دنکول په صورت کې، لرونکی کولی شي چې وغواړي څوموضوع په معاملې وړسند یا له هغه سره په ملصقه پاڼه کې یا پردواړو باندي د واکمن مامور په واسطه یادداشت شي.

دغه یادداشت د معاملې وړ سند له نکول وروسته، د مناسبي مودې په ترڅ کې لیکي او په هغه کې د نکول نېټه، د هغه دلیل (د موجودیت په صورت کې) او د یادداشت د لیکلو د فیس اندازه درجېږي.

اعتراض

پنځه اټایمه ماده:

(۱) د حجت یا برات له قبلېدو یا ورکړې څخه د نکول په صورت کې، د مناسبي مودې په ترڅ کې لرونکی کولی شي له واکمن مامور څخه و غواړي څو موضوع په معاملې وړ سند یا له هغه سره په ملصقه پاڼه کې وليکي او له هغه څخه تصدیق وکړي. دغه تصدیق د اعتراض په نوم یادېږي.

(۲) که چېرې د برات قبلوونکی ور شکسته یا مفلس شي او اعتبار یې له سر رسید دمخه رسماً د تعارض وړ وگرځي، د برات لرونکی کولی شي د مناسبي مودې په ترڅ کې،

این یادداشت در خلال موعده مناسب بعد از نکول سند قابل معامله، تحریر و در آن تاریخ نکول، دلیل آن (در صورت موجودیت) و اندازه فیس تحریر یادداشت درج می گردد.

اعتراض

ماده هشتاد و پنجم:

(۱) در صورت نکول از قبولی یا تأدیه حجت یا برات، در خلال موعده مناسب دارنده می تواند از مامور ذیصلاح، تقاضا نماید تا موضوع را در سند قابل معامله یا ورق ملصق به آن تحریر و از آن تصدیق نماید. این تصدیق به نام اعتراض یاد می گردد.

(۲) هرگاه قبول کننده برات ورشکسته یا مفلس شود و اعتبار وی قبل از رسید برات رسماً مورد تعارض قرار گیرد، دارنده برات می تواند در خلال موعده مناسب، تقاضا

وغوارې څو واکمن مامور له قبلوونکي څخه دښه تصدیق غوښتونکی شي او دبرات درد په صورت کې، په مناسبه موده کې حقایق په برات کې درج او تصدیق کړي، دغه ډول تصدیق، دښه تضمین لپاره اعتراض گڼل کېږي.

د اعتراض محتوي

شپړا تيايمه ماده:

ددې قانون په پنځه اتيايمه ماده کې درج شوی اعتراض د لاندې مطالبو لرونکی دی:

۱- د معترض شخص او هغه شخص نوم چې پر عليه يې اعتراض صورت موندلی.

۲- د حجت يا برات د نکول نېټه او ځای، د ښه تضمین د نه وړاندې کولو دلیل.

۳- د ورکړې يا قبلولو يا ښه تضمین لپاره د واکمن مامور په واسطه د معترض عليه د ځواب ويلو د څرنگوالي په ذکرولو يا داچې د ځواب ويلو ته حاضر ندی يا داچې

نماید تا مامور ذیصلاح از قبول کننده خواهان تضمین بهتر شده و در صورت رد این درخواست ، درموعده مناسب حقایق را یادداشت و تصدیق نماید. چنین تصدیق ، اعتراض برای تضمین بهتر نامیده می شود.

محتوای اعتراض

ماده هشتماد و ششم :

اعتراض مندرج ماده هشتماد و پنجم این قانون حاوی مطالب ذیل می باشد:

۱- اسم شخص معترض و شخصی که علیه وی اعتراض صورت گرفته است.

۲- تاریخ و محل نکول حجت یا برات، زمان و محل انکار از ارایه تضمین بهتر.

۳- توضیح مطالبات برای تأدیه یا قبولی و یا تضمین بهتر ، توسط مامور ذیصلاح با ذکر نحوه پاسخ معترض علیه یا این که حاضر به جواب دادن نبوده یا این که دریافت

و نه موندل شو دغو بښتنو څرگندول.

۴- د هغو موادو او محتویاتو شرح چې پر اصل سند باندې لیکلې یا چاپ شوېده.

۵- د هغه واکمن مامور شهرت چې د اعتراض پاڼه یې ترتیب کړېده.

۶- دثالث شخص په واسطه دنکول شوي برات دقبولی یا ورکړي په صورت کې دمديون د اعتبارد ساتنې په منظور د هغه شخص نوم چې په واسطه او د هغه شخص نوم چې د هغه لپاره یې دغه قبولي یا ورکړه صورت مومي او د وړاندیز څرنګوالي او د قبولی او ورکړې اجراء.

د نه قبلېدو په علت له نکول وروسته د نه ورکړې په سبب

اعتراض

اووه اتيایمه ماده:

هغه برات چې د مخاطب د اوسېدو د ځای په غیر په بل ځای کې د ورکړې لپاره صادر او د نه قبلېدو په سبب، نکول شوی وي، مخاطب

شده نتوانست.

۴- شرح مواد و محتویات که براصل سند نوشته یا چاپ شده است.

۵- شهرت مامور ذیصلاح که ورقه اعتراض را ترتیب نموده است .

۶- در صورت قبولی یا تأدیه برات نکول شده توسط شخص ثالث به منظور حفظ اعتبار مديون، اسم شخصی که توسط وی و اسم شخصی که برای وی این قبولی یا تأدیه صورت می گیرد و چگونگی پیشنهاد و اجرای قبولی و تأدیه.

اعتراض به سبب عدم تأدیه
بعد از نکول به علت عدم

قبولی

ماده هشتاد وهفتم :

براتی که جهت تأدیه در محل دیگری غیر از محل اقامت مخاطب صادر و به سبب عدم قبولی ، نکول شده باشد، بدون ارایه مجدد به

ته له بيا وړاندې کولو پرته، په مشخص ځای کې د نه ورکړې له امله، د اعتراض وړ ګرځېدې شي، خو دا چې دمخه يا په سر رسيد کې ورکول شوی وي.

پر بهرني سند باندې اعتراض

اته اتيایمه ماده:

که چېرې د بهرني هېواد قانون چې د معاملي وړ سند په هغه ځای کې صادر شوی، په اعتراض حکم کې وي، دغه ډول نکول د اعتراض وړ ګرځي.

لسم فصل

مناسب وخت

په راتلونکې کې وخت د ټاکل شوي وخت په ترڅ کې د حجت يا برات ورکړه

نه اتيایمه ماده:

حجت يا برات پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، په راتلونکې کې د ټاکل شوي موعده په

مخاطب، بنا بر عدم تأديه در محل مشخص، مورد اعتراض قرار گرفته می تواند، مگر این که قبل یا در سررسيد تأديه شده باشد.

اعتراض بر سند خارجي

ماده هشتمادوهشتم :

هرگاه قانون کشور خارجي که سند قابل معامله در آنجا صادر شده ، حکم به اعتراض نموده باشد، چنین نکول مورد اعتراض قرار می گیرد.

فصل دهم

موعد مناسب

تأديه حجت يا برات در خلال موعده معينه در آينده

ماده هشتماد و نهم :

حجت يا برات مطابق احكام مندرج این قانون ، در خلال موعده معين در آينده در صورتی قابل تأديه

ترخ کي په هغه صورت کي د ورکړي وړ دي چې د ورکړي وړتيا يې په لاندې توگه ليکل شوې وي:

۱- د سند د ترتيب يا د هغه د رويت له نېټې څخه د يوه ټاکلي موعده له تېرېدو وروسته.

۲- د يوې مشخصې پېښې له واقع کېدو وروسته چې واقع کېدل يې قطعي، خو وخت يې معلوم نه وي يوې ټاکلې مودې د حجت يا برات موکولول.

په مخکي يا وروسته نېټو د معاملي

وړ سند ترتيبدل

نوی یمه ماده:

که چېرې په معاملي وړسند کې درج شوې نېټه مخکي يا وروسته پورې اړه ولري، نوموړي سند د اعتبار وړ گڼل کېږي، پدې شرط چې ددغه ډول نېټې ليکل د يوې غير قانوني يا له تېر ايستې څخه ډکې معاملي د سرته رسېدو په منظور صورت نه وي موندلي.

می باشد که قابلیت تأدیة آن به ترتیب ذیل تحریر شده باشد:

۱- بعد از سپری شدن یک موعده معین از تاریخ ترتیب سند یا رويت آن.

۲- موکول نمودن حجت يا برات به یک موعده معین بعد از وقوع واقعه مشخص که وقوع آن قطعی، مگر زمان آن معلوم نباشد.

ترتيب سند قابل معامله به تاريخ

های ماقبل یا مابعد

ماده نودم:

هرگاه تاريخ مندرج سند قابل معامله مربوط ماقبل يا مابعد باشد، سند مذکور قابل اعتبار دانسته می شود، مشروط بر این که تحریر چنین تاريخ به منظور انجام یک معامله غير قانونی ويا فريب آمیز صورت نگرفته باشد.

د ورکړې وړ برات یا حجت د
سررسید محاسبه د هغه له رویت
یا ټاکلې نېټې څو میاشتي وروسته
يو نوي یمه ماده:

(۱) د هغه حجت یا برات د سررسید په محاسبه کې چې په سند کې له درج شوې نېټې څخه د څو ټاکلو میاشتو له تېرېدلو یا د مشخصي پېښې له رویت یا واقع کېدو وروسته د ورکړې وړ وي، یاده شوې موده د اړوندې میاشتي په هغه ورځ باندې پایته رسېږي چې په یوې له لاندې نېټو سره مطابقت ولري:

- ۱- په سند کې درج د ترتیب نېټه.
- ۲- د قبلېدو یا رویت لپاره د سند د وړاندې کولو نېټه.
- ۳- د نه قبلېدو په اړه د یادداښت د وړاندې کولو نېټه.
- ۴- د نه قبلېدو لپاره د اعتراض نېټه.
- ۵- د پېښې د واقع کېدو نېټه.

(۲) هغه برات چې له رویت وروسته د مشخصو میاشتو په تېرېدو

محاسبه سررسید برات یا حجت
قابل تأدیه چند ماه بعد از رویت یا
تاریخ معینه آن
ماده نود و یکم:

(۱) در محاسبه سررسید حجت یا براتی که بعد از سپری شدن چند ماه معین بعد از تاریخ مندرج سند یا رویت یا وقوع واقعه مشخص، قابل تأدیه باشد، میعاد متذکره به آن روز ماه مربوط ختم می شود که با یکی از تاریخ های ذیل مطابقت داشته باشد:

- ۱- تاریخ ترتیب سند.
- ۲- تاریخ ارایه سند جهت قبولی یا رویت.
- ۳- تاریخ ارایه یادداشت مبنی بر عدم قبولی.
- ۴- تاریخ اعتراض جهت عدم قبولی.
- ۵- تاریخ وقوع واقعه.

(۲) براتی که بعد از مرور ماه های مشخص بعد از رویت قابل تأدیه می

باشد و به منظور حفظ شهرت قبول گردیده باشد، تاریخ سر رسید آن روزی دانسته می شود که قبولی صورت گرفته است.

هرگاه در تاریخی که میعاد متذکره خاتمه می یابد، روزی مطابق به آن وجود نداشته باشد، میعاد سر رسید بروز آخر ماه خاتمه می یابد.

(۳) سر رسید برات یا حجتی که تأدییه عندالمطالبه، عندالرویت یا عندالارایه در آن اظهار نشده باشد، روز تأدییه، روز سوم بعد از تاریخ مندرج آن می باشد.

محاسبه سر رسید برات یا حجت قابل تأدییه چند روز بعد از رویت یا تاریخ معینه

آن

ماده نود و دوم:

برای محاسبه سر رسید حجت یا

سره د ورکړې وړ وي او د شهرت د ساتلو په منظور، قبول شوی وي، د هغه د سر رسید نېټه هغه ورځ گڼل کېږي چې قبولی صورت موندلی دی.

که چېرې په هغې نېټې چې یادې شوې موده پایته رسېږي د هغې مطابق ورځ وجود و نلري، د سر رسید موده د میاشتي په اخره ورځ پایته رسېږي.

(۳) د هغه برات یا حجت سر رسید چې عندالمطالبه، عندالرویت یا عندالارایه ورکړه په هغه کې یادې شوې نه وي، د ورکړې ورځ په هغه کې له درج شوې نېټې څخه وروسته، درېیمه ورځ وي.

د ورکړې وړ برات یا حجت د سر رسید محاسبه د هغه له رویت یا ټاکلې نېټې څخه څو ورځې

وروسته

دوه نوي یمه ماده:

د هغه حجت یا برات د محاسبې

لپاره چې له رویت یا سررسید یا د مشخصي پېښې له واقع کېدو وروسته د مشخصو ورځو په تېرېدو سره د ورکړې وړ ګڼل کېږي، لاندې ورځې د محاسبې وړ ندي:

- ۱- د سند د ترتیب ورځ.
- ۲- د قبلېدو یا رویت لپاره د وړاندې کولو ورځ.
- ۳- د نه قبلېدو لپاره د اعتراض ورځ.
- ۴- د پېښې د واقع کېدو ورځ.

د رخصتۍ په ورځو کې د حجت

یا برات سررسید

دري نوی یمه ماده:

که چېرې د حجت یا برات د سررسید ورځ د عمومي رخصتۍ له ورځې سره مصادفه وي، سررسید یې را وروسته رسمي ورځ ده.

ټاکلۍ موده

څلور نوي یمه ماده:

د معاملي وړ سند د وړاندې کولو قبلېدو یا ورکړې، د نکول د خبرتیا

براتی که با سپری شدن روز های مشخص بعد از رویت یا سررسید یا وقوع واقعه مشخص قابل تأدیة دانسته می شود، روزهای ذیل قابل محاسبه نمی باشد:

- ۱- روز ترتیب سند .
- ۲- روز ارایه جهت قبولی یا رویت .
- ۳- روز اعتراض جهت عدم قبولی .
- ۴- روز وقوع واقعه .

سررسید حجت یا برات در ایام

رخصتی

ماده نود و سوم:

هرگاه روز سررسید حجت یا برات مصادف با روز رخصتی عمومی باشد، سررسید آن، روز رسمی ما بعد آن می باشد.

موعد معینه

ماده نود و چهارم:

موعد معینه برای ارایه، قبولی یا تأدیة سند قابل معامله،

ارايه اطلاعیه نکول و یاد داشت با نظر داشت ماهیت آن و مراحل معمول اسناد مشابه، تعیین می گردد. در محاسبه چنین موعد رخصتی های عمومی شامل نمی گردند.

موعد معینه جهت ارایه اطلاعیه

نکول

ماده نود و پنجم :

(۱) هرگاه دارنده و طرفی که اطلاعیه نکول به وی ارایه می گردد در عین محل کار یا اقامت داشته باشند، اطلاعیه زمانی در موعد معینه ارایه شده دانسته می شود که ارسال آن در موقعی صورت گیرد که یک روز بعد از نکول به مقصد برسد.

(۲) هرگاه طرفین مندرج فقره (۱) این ماده در محلات مختلف، کار یا اقامت داشته باشند، اطلاعیه زمانی در موعد معینه ،

او یادداشت د وړاندې کولو لپاره ټاکلې موده ، د هغه د ماهیت او د ورته سندونو د پراوونو له په پام کې نیولو سره، ټاکل کېږي. ددغه ډول مودې په محاسبه کې عمومي رخصتی نه شاملېږي.

د نکول د خبرتیا د وړاندې کولو

لپاره ټاکلې موده

پنځه نوي یمه ماده:

(۱) که چېرې لرونکی او هغه اړخ چې د نکول خبرتیا ورته وړاندې کېږي ، په عین ځای کې کار یا استوګنه ولري، خبرتیا هغه وخت په ټاکلې موده وړاندې شوې ګڼل کېږي چې استول یې پداسې موقع کې صورت و مومي چې له نکول څخه یوه ورځ وروسته مقصد ته ورسېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي اړخونه په مختلفو ځایونو کې کار او استوګنه ولري، خبرتیا هغه وخت په ټاکلې

ارايه شده دانسته می شود که توسط پست بعدی و یا یک روز بعد از نکول به مقصد برسد.

(۳) شخصی که طرف سند قابل معامله بوده اما دارنده آن نباشد، می تواند بانظر داشت شرایط مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده، اطلاعیه نکول را در خلال موعد معینه به طرف ماقبل ارسال نماید.

فصل یازدهم

قبولی و تأدیة برات برای حفظ

اعتبار

قبولی برای حفظ اعتبار

ماده نود و ششم :

هرگاه در مورد برات بنابر عدم قبولی یا ارایة تضمین بهتر، یادداشت یا اعتراض صورت گیرد، شخصی که متعهد در برابر تأدیة مبلغ مندرج برات نباشد، می تواند

موده ورنده شوې گنیل کپري چې د وروستني پُست په واسطه یا له نکول څخه یوه ورځ وروسته مقصد ته ورسېږي.

(۳) هغه شخص چې د معاملي وړسند طرف وي خو لرونکی یې نه وي کولی شي ددې مادې په (۱ او ۲) فقره کې د درج شوو شرایطو له په پام کې نیولو سره د نکول خبرتیا د ټاکل شوې مودې په ترڅ کې مخکنې اړخ ته واستوي.

یوولسم فصل

د اعتبار د ساتلو لپاره د برات

قبول او ورکړه

د اعتبار د ساتلو لپاره قبول

شپږنوي يمه ماده:

که چېرې د برات په هکله د نه قبلېدو یا بڼه تضمین د نه وړاندې کولو له امله یادداشت یا اعتراض صورت و مومي، هغه شخص چې په برات کې د درج شوي مبلغ د ورکړې

په وړاندې ژمن نه وي، کولی شي د هغه د لرونکي د موافقي په اخستلو سره، په برات کې په لیکلو سره، هغه له دمخه اړخونو څخه د یوه د اعتبار د ساتلو لپاره، قبول کړي.

د اعتبار د ساتلو لپاره د قبلېدو

څرنگوالي

اووه نوي يمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د برات د اعتبار د ساتلو لپاره د قبولي مینه وال وي، مکلف دی په هغه برات کې چې په واک کې یې دی، وليکي چې هغه د اعتراض د حق په ساتلو سره، اعتراض شوی برات د صادر وونکي یا مشخص ظهر نويس چې ورڅخه نوم اخلي د اعتبار د ساتلو لپاره یا په عام صورت د اعتبار د ساتلو لپاره قبلوي.

(۲) که چېرې په قبولي کې د اعتبار د ساتلو لپاره، دکوم شخص نوم یاد شوی وي، پدې صورت کې داسې گڼل کېږي چې قبولي د معاملي وړ

با اخذ موافقه دارنده آن با تحریر در برات، آنرا برای حفظ اعتبار یکی از طرفین قبلی، قبول نماید.

چگونگی قبولی برای حفظ

اعتبار

ماده نود وهفتم :

(۱) شخصی که علاقمند قبولی برای حفظ اعتبار برات باشد، مکلف است در براتی که در اختیار وی قرار دارد، تحریر نماید که وی با حفظ حق اعتراض، برات اعتراض شده را جهت حفظ اعتبار صادرکننده و یا ظهرنویس مشخص که از وی نام می برد و یا بصورت عام برای حفظ اعتبار، قبول می نماید.

(۲) هرگاه در قبولی برای حفظ اعتبار، اسم شخصی ذکر نه شده باشد، در این صورت چنین پنداشته می شود که قبولی برای حفظ اعتبار

سند د صادر وونکي د اعتبار د ساتلو لپاره صورت موندلی دی.

د اعتبار د ساتلو لپاره د قبلوونکي

مسئولیت

اته نوي یمه ماده:

(۱) قبلوونکی د اعتبار د ساتلو لپاره د هغه اړخ د ټولو وروستیو اړخونو په وړاندې چې هغه د خپل اعتبار د ساتلو لپاره په برات کې د درج شوي مبلغ ورکړه د مخاطب لخوا د نه ورکړې په صورت کې قبلوي، ملزم دی. پدې صورت کې اړخ او ټول دمخه اړخونه د واک په حدودو کې د هغه زیان په جبرانولو مکلف دي چې قبلوونکی یې د اعتبار د ساتلو لپاره د دغه ډول قبولی په پایله کې زغمي.

(۲) قبلوونکی د اعتبار د ساتلو لپاره د برات د لرونکي په وړاندې ملزم ندی خودا چې برات هغه ته وړاندې شوی وي یا په هغه صورت کې چې د دغه ډول قبلوونکي په واسطه په

صادرکننده سند قابل معامله صورت گرفته است .

مسئولیت قبول کننده برای حفظ

اعتبار

ماده نودو هشتم :

(۱) قبول کننده برای حفظ اعتبار، در برابر تمام طرفین مابعد طرفی که وی برای حفظ اعتبارش، تأدیة مبلغ مندرج برات را در صورت عدم تأدیة توسط مخاطب قبول می نماید، ملزم می باشد. در این صورت طرف و تمام طرفین قبلی در حدود صلاحیت، مکلف به جبران خساره ای می باشند که قبول کننده برای حفظ اعتبار، در نتیجه چنین قبولی آنرا متحمل می گردد.

(۲) قبول کننده برای حفظ اعتبار، در برابر دارنده برات ملزم نمی باشد، مگر این که برات به وی ارایه گردیده یا در صورتی که آدرس ذکر شده در برات توسط چنین قبول

برات کي ذکر شوي آدرس له هغه ځای څخه پرته چې برات هلته د ورکړې وړ دی ، بل ځای وي ، له سررسيد څخه تر را وروسته ورځې پورې وړاندې شوي وي يا دا چې برات په سررسيد کې مخاطب ته د ورکړې لپاره وړاندې او نوموړي له هغه څخه نکول او برات د يادداښت يا اعتراض وړ گرځېدلی وي.

د اعتبار د ساتلو لپاره ورکړه

نهه نوي يمه ماده:

که چېرې د برات د نه ورکړې په علت، يادداښت ليکل شوی يا اعتراض صورت موندلی وي ، هر شخص کولی شي په برات کې درج شوی عين مبلغ د دغه ډول مبلغ په ورکړه له ملزمو اړخونو څخه د يوه داعتبار د ساتلو لپاره، ورکړي. پدې شرط چې شخص يا يې استازی دمخه د واکمن مامور په حضور کې د هغه اړخ نوم ياد کړي چې د هغه د اعتبار د ساتلو لپاره ورکړه

کننده محل ديگري غيراز محلي باشد که برات در آن قابل تأديه است الی روز بعد از سررسيد ارايه شده باشد يا اين که برات در سررسيد جهت تأديه به مخاطب ارايه وموصوف از آن نکول و برات مورد يادداشت يا اعتراض قرار گرفته باشد.

تأديه برای حفظ اعتبار

ماده نود ونهم :

هرگاه به علت عدم تأديه برات ، يادداشت تحرير يا اعتراض صورت گرفته باشد، هر شخص می تواند، عين مبلغ مندرج در برات را برای حفظ اعتبار يکی از طرفين ملزم به تأديه چنين مبلغ، تأديه نمايد، مشروط بر اين که شخص يا نماينده وی قبلاً در حضور مامور ذیصلاح ، اسم طرفی را اظهار نمايد که برای حفظ اعتبار وی تأديه صورت می گيرد و اظهاريه توسط

صورت مومي او اظهاریه د واکمن
مامور په واسطه ثبت شي.

مامور ذیصلاح ثبت
گردد.

د اعتبار دساتلو لپاره د
ورکونکي حق

حق تأدیه کننده برای حفظ
اعتبار

سلمه ماده:

ماده صدم :

هغه شخص چې د اعتبار د ساتلو
لپاره ورکړه کوي ، د هغو ټولو
حقوقو مستحق دی چې د برات
لرونکیو ددغه ډول ورکړې په وخت
کې د هغو لرونکي و او له هغه اړخ
څخه چې د اعتبار د ساتلو لپاره یې
ورکړه صورت مومي، کولی شي د
ټکټانې او هر ډول لگښتونو چې د
دغې ورکړې لپاره یې زغمي په
شمول ټول ورکړل شوی مبلغ،
حصول کړي.

شخصی که برای حفظ اعتبار تأدیه
می نماید ، مستحق تمام حقوقی می
باشد که دارنده برات در زمان چنین
تأدیه آنرا دارا بوده و از طرفی که
برای حفظ اعتبارش تأدیه
صورت می گیرد، می تواند تمام
مبلغ تأدیه شده را بشمول
تکتانه و هر نوع مصارفی که
برای انجام این تأدیه
متحمل می شود ، حصول
نماید.

د اړتیا په صورت کې مخاطب

مخاطب در صورت ضرورت

یوسلو یوه یمه ماده:

ماده یکصد ویکم :

(۱) که چېرې په برات، یا
ظهرنویسی کې د اړتیا په صورت
کې د یوه شخص نوم د مخاطب په

(۱) هرگاه در برات یا ظهر نویسی
اسم شخصی بحیث مخاطب
در صورت ضرورت، ذکر

گردد ، برات تا زمانی نکول شده شمردہ نمی شود کہ توسط چنین مخاطب ، نکول نگردیده باشد.

(۲) مخاطب در صورت ضرورت می تواند برات را بدون آنکه اعتراض قبلی بر آن صورت گرفته باشد ، قبول و تأدیہ نماید.

فصل دوازدهم

جبران اسناد قابل معامله

جبران

مادۀ یکصد و دوم :

در صورت نکول از تأدیہ یا قبولی سند قابل معامله ، طرف ملزم در برابر دارنده سند و یا شخص ذینفع ظہرنویسی، قرار ذیل مکلف به جبران می باشد:

۱- دارنده سند قابل معامله ، مستحق دریافت مبلغ واجب التأدیہ مندرج سند و دریافت مصارف موجه ای می باشد

توگه، یادشی، برات ترهغه وخته پوری نکول شوی نه کنیل کیپری چپی ددغه ډول مخاطب په واسطه نکول شوی نه وي.

(۲) مخاطب د اړتیا په صورت کې کولی شي برات پرته لدې چپی د مخنی اعتراض پرې شوی وي، قبول او ور کړي.

دولسم فصل

د معاملې وړ سندونو جبران

جبران

یوسلو دوه یمه ماده:

د معاملې وړ سند له ورکړې یا قبولی- څخه د نکول په صورت کې، ملزم اړخ د سند د لرونکي یا د ظہر نویسی د ذینفع شخص په وړاندې، په لاندې توگه د زیان په جبران مکلف دی:

۱- د معاملې وړ سند لرونکی، په سند کې د درج شوي واجب التأدیہ مبلغ د ترلاسه کولو اود هغو موجهو لگښتونو د ترلاسه کولو مستحق دی

که وی حین ارایه سند ، یادداشت یا اعتراض در سند ، متحمل شده است.

۲- در صورتی که اقامت گاه شخص ملزم ، در محل دیگری غیر از محل تأدیه آن باشد، دارنده سند قابل معامله ، مستحق دریافت مبلغ مندرج سند به نرخ روز تبادلیه در میان این دو محل می باشد.

۳- در صورتی که شخص ملزم و ظهرنویس در محلات مختلف اقامت داشته باشند، ظهرنویس مستحق دریافت مبلغ مندرج سند قابل معامله به نرخ روز تبادلیه میان این دو محل می باشد .

۴- ظهر نویسی که در برابر سند قابل معامله ملزم بوده و مبلغ مندرج در سند قابل معامله را تأدیه نموده باشد، مستحق دریافت مبلغ تأدیه

چې هغه د سند، یادداشت یا په سند کې د اعتراض وړاندې کولو په وخت کې زغملي دي.

۲- په هغه صورت کې چې د ملزم شخص د اوسېدو ځای د ورکړې له ځای پرته په بل ځای کې وي، د معاملې وړ سند لرونکی د دغو دوو ځایونو تر منځ د ورځ د تبادلې په نرخ په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ د ترلاسه کولو مستحق دی.

۳- په هغه صورت کې چې ملزم شخص او ظهر نویس په مختلفو ځایونو کې استوګنه ولري، ظهرنویس د دوو ځایونو ترمنځ د تبادلې د ورځې په نرخ په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ د ترلاسه کولو مستحق دی.

۴- هغه ظهرنویس چې د معاملې وړ سند په وړاندې ملزم وي او په معاملې وړ سند کې درج شوی مبلغ یې ورکړی وی، اعتبار د ورکړې له

شده همراه با تکتانه آن به نرخ فیصدی سالانه ، مطابق احکام قوانین افغانستان اعتبار از تاریخ تأدیة الی تاریخ دریافت بدون قید و شرط یا حصول چنین مبلغی، همراه با تمام مصارفی می باشد که وی بعلت نکول و تأدیة ، متحمل شده است.

صدر برات برای طرف ملزم به

جبران

مادۀ یکصدوسوم:

طرف مستحق دریافت جبران، می تواند براتی را که عندالرویت یا عندالمطالبه قابل تأدیة بوده و شامل مبلغ طلب وی و تمام مصارفی که موصوف متحمل شده است ، بالای طرفی که ملزم به جبران است، صادر نماید ، چنین برات با سند نکول شده و اعتراض (در صورت موجودیت آن) ضمیمه می گردد. اگر چنین برات نکول

نبتی خخه د ترلاسه کولو تر نبتی پورې د افغانستان د قوانینو د حکمونو مطابق د کلنی فیصدی په نرخ د هغه له پکتانې سره د ورکول شوي مبلغ د ترلاسه کولو یا له هغو ټولو لگښتونو سره چې هغه د نکول یا ورکړې په علت زغملي دي ، یو ځای د دغه ډول مبلغ د حصول مستحق دی.

په جبران ملزم اړخ ته د برات

صادرول

یوسلو درېمه ماده:

د جبران د ترلاسه کولو مستحق اړخ کولی شي هغه برات چې عندالرویت یا عندالمطالبه د ورکړې وړ وي او د هغه طلب مبلغ او ټول لگښتونه چې نوموړي زغملي دي پکې شامل دي ، پر هغه اړخ باندې چې په جبران ملزم دی، صادر کړي، دغه ډول برات له نکول شوي سند او اعتراض (د هغه د موجودیت په صورت کې) سره

ضمیمه کپری، که دغه ډول برات نکول شی، نکول کوونکی اړخ په عین تگلارې سره چې د اصلي برات په هکله عملي کپری د هغه په جبران ملزم دی.

گردد، طرف نکول کننده ملزم به جبران آن به عین روشی می باشد که در مورد برات اصلی عملی می گردد.

دیارلسم فصل

د اثباتیه مدر کونو په هکله د تطبیق وړ خاص حالات

په معاملي وړ سند کې صحیح حالات

یوسلو څلورمه ماده:

په معاملي وړ سندونو کې لاندې احوال، صحیح گڼل کېږي، خو دا چې خلاف یې ثابت شي:

۱- د معاملي وړ هر سند د ارزښت په وړاندې صادر شوی دی، ددغه شان سند هر ډول قبولي، ظهنوینوسی، معامله یا انتقال دعوض په وړاندې صورت موندلی دی.

۲- د معاملي وړ هر سند چې نېټه لري په هماغې نېټه لیکلی یا صادر

فصل سیزدهم

احکام خاص قابل تطبیق در مورد مدارک اثباتیه

حالات صحیح در سند قابل معامله

ماده یکصد و چهارم:

احوال ذیل در اسناد قابل معامله صحیح دانسته می شود، مگر این که خلاف آن ثابت گردد:

۱- هر سند قابل معامله در مقابل ارزش صادر شده است، هر نوع قبولی، ظهنوینوسی، معامله یا انتقال چنین سند در مقابل عوض صورت گرفته است.

۲- هر سند قابل معامله که حاوی تاریخ است در همان تاریخ تحریر و

- شوی دی. یا صادر گردیده است.
- ۳- هر قبول شوی برات د هغه له نېټې وروسته او له سررسید دمخه د مناسبې مودې په ترڅ کې قبول شوی دی.
- ۴- د معاملې وړ سند هر انتقال د هغه له سررسید دمخه صورت موندلی دی.
- ۵- په معاملې وړ سند کې درج شوې ظهورنویسی، په هغه ترتیب چې د سند پر مخ لیدل کېږي، صورت موندلی دی.
- ۶- د معاملې وړ هر سند چې ورک شوی وي په مقتضي توګه مهمور شوی، تلقی کېږي.
- ۷- د معاملې وړ سند لرونکی د هغه له بڼه نیت سره لرونکی دی، که چېرې سند د هغه له قانوني مالک څخه یا له بل شخص څخه چې د هغه قانوني اختیار لري، د تخلف یا تېراستنې په وسیله تحصیل شوی وي یا د هغه له صادر وونکي یا
- ۳- هر برات قبول شده، در خلال موعده مناسب بعد از تاریخ آن و قبل از سررسید آن مورد قبول قرار گرفته است.
- ۴- هر انتقال سند قابل معامله قبل از سررسید آن صورت گرفته است.
- ۵- ظهورنویسی های مندرج سند قابل معامله به ترتیبی که در روی سند مشاهده می گردد، صورت گرفته است.
- ۶- هر سند قابل معامله که مفقود شده باشد طور مقتضی مهمور گردیده، تلقی می شود.
- ۷- دارنده سند قابل معامله، دارنده با حسن نیت آن است، هرگاه سند از مالک قانونی آن یا از شخص دیگری که اختیار قانونی آن را دارا است، به وسیله تخلف یا فریب تحصیل شده یا از صادرکننده

يا قبول ڪنده آن به وسيله
تخلف يا فريب، يا جهت
انجام عمل غير قانوني تحصيل
شده باشد، در اين احوال
مسئوليت اثبات دارنده با حسن نيت
برعهده دارنده سند است.

اعتبار اعتراض نڪول

ماده يكصد و پنجم :

برای اقامه دعوی در مورد نڪول
سند قابل معامله، اعتراض صورت
گرفته در مورد نڪول معتبر دانسته می
شود ، مگر این که اعتراض مورد
تأیید قرار نگیرد.

منع انڪار اعتبار سند

اوليه

ماده يكصد و ششم :

صادرکننده سند قابل معامله
يا قبول ڪنده جهت حفظ
اعتبار صادر ڪنده برات ، نمی تواند
در دعوی اقامه شده توسط دارنده با
حسن نيت اعتبار سند اوليه را

قبلوونڪي ڇخه د تخلف يا
تپرايستني په وسيله يا د غير قانوني
عمل د سرته رسولو لپاره تحصيل
شوی وي، پدې احوالو کې له بڼه
نيت سره د لرونکي د اثبات مسئوليت
د سند د لرونکي په غاړه دی.

د نڪول د اعتراض اعتبار

يوسلو پنځمه ماده:

د معاملې وړ سند د نڪول په هکله د
دعوي د اقامې لپاره، د نڪول په
هکله صورت موندلی اعتراض معتبر
گڼل کېږي، خو دا چې اعتراض د
تأیید وړ ونه ګرځي.

د لومړني سند د اعتبار د انڪار

منع

يوسلو شپږمه ماده:

د معاملې وړ سند صادر وونکی يا
قبلوونکی، د برات د صادر وونکي د
اعتبار د ساتلو لپاره، نشي کولی له
بڼه نيت سره د لرونکي په واسطه په
اقامه شوې دعوي کې د لومړني سند

اعتبار، انکار کړی.

انکار نماید.

د ورکړې د ترلاسه کوونکي د ظهنوئیس د واک د انکار منع

منع انکار صلاحیت ظهنوئیس دریافت کونده تأدیه

یوسلو اوومه ماده:

ماده یکصدوهفتم :

د حجت صادر وونکی او په دستور د ورکړې وړ برات قبلوونکی، نشي کولی له ښه نیت سره دلرونکي په واسطه د دعوي د اقامې په وخت کې، په عین ظهنوئیس کې دورکړې د ترلاسه کوونکي واک د حجت او برات په سر رسید کې انکار کړي.

صادر کونده حجت و قبول کونده برات قابل تأدیه به دستور، نمی تواند حین اقامه دعوی توسط دارنده با حسن نیت صلاحیت دریافت کونده تأدیه در عین ظهنوئیس را در سر رسید حجت و برات انکار نمایند.

د معاملې وړ سند دمخکني اړخونو د لاسلیک یا واک د انکار

ممنوعیت انکار امضاء یا صلاحیت طرفین ماقبل سند قابل

ممنوعیت

معامله

یوسلو اتمه ماده:

ماده یکصدوهشتم :

دوروستني لرونکي په واسطه دمعاملي وړ سند په هکله په اقامه شوې دعوي کې ظهن نويس نشي کولی د سند له اسبقو اړخونو څخه د یوه د لاسلیک یاد قرارداد د عقد واک انکار کړي.

ظهن نويس در دعوی اقامه شده در مورد سند قابل معامله توسط دارنده مابعد، نمی تواند از امضاً یا صلاحیت عقد قرارداد یکی از طرفین اسبق سند، انکار نماید.

خوارلسم فصل

پر چک باندي د تطبيق

ور خاص موارد

د بانکدار د واک او مکلفیت د

لغو خاص حالات

يوسلو نهمه ماده:

د بانکدار واک او مکلفیت د هغه د مشتری په واسطه د صادر شوي چک د ورکړې لپاره په لاندې خاصو حالاتو کې لغو کېږي:

۱- د ورکړې د دستور د لغو په صورت کې.

۲- د مشتری له وفات څخه د خبرتیا په صورت کې.

۳- د مشتری له ورشکستگۍ څخه د خبرتیا په صورت کې.

کرنبي (خطونه) د چک د مهمېبرخي په توگه

يوسلو لسمه ماده:

رسم شوي کرنبي ددې قانون د حکمونو مطابق، د چک مهمه برخه

فصل چهاردهم

موارد خاص قابل تطبيق

بر چک

حالات خاص لغو صلاحیت و

مکلفیت بانکدار

ماده یکصدونهم:

صلاحیت و مکلفیت بانکدار جهت تأدیة چک صادرشده توسط مشتری آن در حالات خاص ذیل لغو می گردد:

۱- در صورت لغو دستور تأدیة.

۲- در صورت اطلاع از وفات مشتری.

۳- در صورت اطلاع از ورشکستگی مشتری.

خطوط بحيث بخش مهمچک

ماده یکصدودهم:

خطوط رسم شده مطابق احکام این قانون، بخش مهمی از چک محسوب

گنبل کپري، د هغو امحا، زياتول يا بدلول پدې قانون کې د درج شوو مواردو په استثنې، جايز ندي.

عام منخط چک

يوسلو يوولسمه ماده:

که چېرې چک، عام منخط وي، مخاطب بانکدار نشي کولی په هغه کې درج شوی مبلغ له مخاطب بانکدار پرته بل شخص ته ورکړي.

عام منخط چک هغه چک دی چې پر خپل منځ د کرښو لرونکی وي چې د دوو عرضي موازي کرښو تر منځ د (او شرکت) عبارت يا ددې عبارت اختصارات زيات شوي وي يا يوازې دوه موازي کرښې موجودې وي لدې سره سره چې د (دنه ليرد وړ) عبارت پکې درج شوی وي يا نه، دغه زياتونې، منخط کېدل گنبل کپري او عام منخط چک بلل کېږي.

گرديده، امحا، ايزاد يا تغيير آن به استثنای موارد مندرج اين قانون، جايز نمی باشد.

چک منخط عام

ماده یکصد و يازدهم:

هرگاه چک، منخط عام باشد، بانکدار مخاطب نمی تواند مبلغ مندرج آن را به غير از بانکدار به شخص ديگری تأديه نمايد.

چک منخط عام چکی است که حاوی خطوطی بر روی خود باشد که در بين دو خط موازی عرضی عبارت (و شرکت) يا اختصارات، اين عبارت، اضافه گرديده يا صرف دو خط موازی موجود باشد، اعم از اين که عبارت (غير قابل انتقال) در آن درج شده باشد يا نه، اين اضافات، منخط کردن محسوب گرديده و چک منخط عام پنداشته می شود.

د ترلاسه کونکي په حساب دورکړې وړ چک

يو سلو دوولسمه ماده:

(۱) که چېرې د عام منخطط چک پرمخ د دوو عرضي موازي کرښو تر منځ چې د هغه د عموميت بنودونکي دي « د مبلغ د ترلاسه کونکي په حساب دی ورکول شي» عبارت زيات شي، پريعام منخطط والی د منخطط چک په توگه « د ترلاسه کونکي په حساب د ورکړې وړ» هم يادېږي.

(۲) د ترلاسه کونکي په حساب د ورکړې وړ منخطط چک، د لاندې آثارو لرونکی وي:

۱- د چک د انتقال وړتيا تېرېږي.

۲- د چک د مبلغ حاصلوونکی بانکدار، يوازې په چک کې د درج شوي ترلاسه کونکي په حساب د هغه د عوايدو د کړېدو کولو مسئول ګرځي.

چک قابل تأديه به حساب دريافتکننده

ماده یکصد و دوازدهم:

(۱) هرگاه بر روی چک منخطط عام در بين دو خط موازی عرضی که مبین عمومیت آن است، عبارت «به حساب دريافت کننده مبلغ تأديه گردد.» ايزاد شود، علاوه بر منخطط بودن عام بحيث چک منخطط «قابل تأديه به حساب دريافت کننده» نیز ياد می گردد.

(۲) چک منخطط قابل تأديه به حساب دريافت کننده، دارای آثار ذیل می باشد:

۱- قابلیت انتقال چک منقضی می گردد.

۲- بانکدار حصول کننده مبلغ چک، مسئول کړېدو نمودن عوايد آن صرف به حساب دريافت کننده مندرج چک می گردد.

خاص منخط چک

يوسلو ديارلسمه ماده:

که چپرې د چک پرمخ، د مشخص بانکدار نوم درج شوی وي لډې سره سره چې (د نه انتقال وړ) له عبارت سره يو ځای وي که نه، خاص منخط چک دی او داسې گڼل کېږي چې د مشخص بانکدار په نوم، منخط شوی دی.

که چپرې منخط چک خاص وي، مخاطب بانکدار نشي کولی په چک کې درج شوی مبلغ له هغه بانکدار پرته چې چک يې په نوم منخط شوی دی بل بانکدار يا د هغه استازي ته د حصول لپاره، ورکړي.

له صادرېدو وروسته منخط کېدل

يو سلو څوارلسمه ماده:

(۱) که چپرې چک منخط نه وي، لرونکی کولی شي هغه په عام يا خاص ډول منخط کړي.

(۲) که چپرې چک عام منخط وي، لرونکی کولی شي هغه په خاص

چک منخط خاص

ماده یکصدوسيزدهم:

هرگاه بر روی چک، اسم بانکدار مشخص درج شده باشد، اعم از این که توأم با عبارت (غیر قابل انتقال) باشد یا نه، چک منخط خاص بوده و چنین پنداشته می شود که به اسم بانکدار مشخص، منخط شده است.

هرگاه چک منخط خاص باشد، بانکدار مخاطب نمی تواند مبلغ مندرج چک را به بانکدار دیگری غیر از بانکداری که چک به اسم وی منخط شده یا نماینده وی برای حصول، تأدیه نماید.

منخط شدن بعد از صدور

ماده یکصدوچهاردهم:

(۱) هرگاه چک منخط نباشد، دارنده می تواند آنرا بصورت عام یا خاص منخط نماید.

(۲) هرگاه چک منخط عام باشد، دارنده می تواند آنرا به چک منخط

مخطط چک واروي.

خاص تبديل نمايد.

(۳) که چپرې چک په عامه يا خاصه توگه مخطط وي، لرونکی کولی شي (دلیرد نه وړ) عبارت پر هغه ورزيات کړي.

(۳) هرگاه چک بطور عام يا خاص مخطط باشد، دارنده می تواند عبارت (غير قابل انتقال) را به آن اضافه نمايد.

(۴) که چپرې چک خاص مخطط وي هغه بانکدار چې چک يې په نوم مخطط شوی دی کولی شي، هغه په خاصه توگه بل بانکدار ته چې د هغه استازی وي د حصول لپاره مخطط کړي.

(۴) هرگاه چک، مخطط خاص باشد، بانکداري که چک به اسم وی مخطط شده است می تواند، آنرا بطور خاص به بانکدار دیگری که نماينده وی باشد، برای حصول مخطط نمايد.

(۵) که چپرې نه مخطط کړی شوی چک يا عام مخطط چک بانکدار ته د حصول لپاره واستول شي، هغه کولی شي چې په خپل نوم ئې په خاصه توگه مخطط کړي.

(۵) هرگاه چک مخطط ناشده يا چک مخطط عام به بانکدار برای حصول ارسال گردد، وی می تواند آنرا به اسم خود بطور خاص مخطط نمايد.

له يو ځل څخه زيات د خاص شوي مخطط چک ورکړه

تأديۀ چک مخطط خاص شده بيش از يك بار

يو سلو پنځلسمه ماده:

ماده یکصدوپانزدهم :

که چپرې چک له یوه خاص بانکدار څخه زیاتو ته مخطط شوی وي، مخاطب بانکدار کولی شي د هغه د

هرگاه چک به بیش از یک بانکدار خاص، مخطط شده باشد، بانکدار مخاطب می تواند تأديۀ مبلغ

مبلغ له ورکړې څخه نکول وکړي، د هغه حالت په استثنی چې چک د مبلغ د ترلاسه کولو لپاره، د استازي په واسطه مخطط شوی وي.

آن نکول نماید، به استثناء حالتی که چک برای دریافت مبلغ، توسط نماینده مخطط شده باشد.

په بڼه نیت سره د مخطط چک

ورکړه

یوسلو شپارسمه ماده:

که چېرې په بڼه نیت سره مخاطب بانکدار او له سهل انگاری-پرته، عام مخطط رسېدلی چک په سررسید کې یوه بانکدار ته او په هغه صورت کې چې خاص مخطط وي، هغه بانکدار ته چې چک یې په نوم مخطط شوی دی یا یې استازي ته د هغه مبلغ د حصول لپاره چې خپله یو بانکدار وي، ورکړي، په هغه صورت کې چې دغه چک د ورکړې د ترلاسه کوونکي لاس ته ورسېږي، د چک ورکوونکی او صادر وونکی بانکدار په ټولو مواردو کې د هغو حقوقو او موقف لرونکی ګرځي چې حقيقي لرونکي ته د

تأدیة چک مخطط با حسن

نیت

ماده یکصدوشانزدهم:

هرگاه بانکدار مخاطب با حسن نیت و بدون سهل انگاری، چک واصله مخطط عام را در سررسید به یک بانکدار و در صورتی که مخطط خاص باشد، به بانکداری که چک به اسم وی مخطط شده یا نماینده وی برای حصول مبلغ که خود یک بانکدار باشد، تأدیة نماید، در صورتی که این چک بدست دریافت کننده تأدیة برسد، بانکدار تأدیة کننده و صادرکننده چک در تمام موارد دارای عین حقوق و موقفی می گردند که در صورت تأدیة

چک د ورکړې په صورت کې له هغو څخه برخمن دی.

چک به دارنده حقيقي از آن برخوردار دارمی شدند.

له بدنیت سره د مخطط چک

تأديه چک مخطط با

ورکړه

سوءنیت

يو سلو اوولسمه ماده:

ماده يكصدوهفدهم :

(۱) هغه بانکدار چې عام مخطط چک له بانکدار پرته شخص ته يا خاص مخطط چک له هغه بانکدار څخه چې چک يې په نوم مخطط شوی دی ، پرته شخص ته يا يې استازي ته چې خپله بانکدار دی د تحصیل لپاره، ورکړي، د هغه زیان په علت چې د دغه ډول ورکړې په پایله کې د چک اصلي مالک ته ور اړوي، مسئول دی.

(۱) بانکداری که چک مخطط عام را به شخصی غیر از بانکدار، یا چک مخطط خاص را به شخصی غیر از بانکداری که چک به اسم وی مخطط شده، یا نماینده وی برای تحصیل که خود بانکدار است، تأديه نماید، به علت خساره ای که در نتیجه چنین تأديه به مالک اصلی چک وارد می شود، مسئول می باشد.

(۲) په هغه صورت کې چې د ورکړې لپاره وړاندې شوی چک مخطط په نظر را نشي يا د داسې کړنو لرونکی وي چې محو شوي وي يا زیات شوی وي يا په بل ډول چې ددې قانون لخوا مجاز گڼل شوی نه وي ، په هغه کې تحریف

(۲) در صورتی که چک ارایه شده جهت تأديه ، مخطط به نظر نرسد يا دارای خطوطی بوده که محو گردیده، يا ايزاد شده است يا به شکل دیگری که توسط این قانون مجاز دانسته نشده ، در آن تحریف بعمل آمده باشد، بانکداری که

راغلی وي، هغه بانکدار چې چک په بڼه نیت سره او له سهل انگاری پرته ورکوي، مسئول نه گڼل کېږي.

د (نه لېږد وړ) عبارت لرونکي

چک

یوسلو اتلسمه ماده:

هغه شخص چې عام یا خاص منخط چک اخلي، په هغه صورت کې چې په هغه کې (د نه لېږد وړ) عبارت درج شوی وي د انتقال په اړه د هغه حق محدودېږي.

په چک کې د درج شوي مبلغ د

ترلاسه کوونکي بانکدارنه

مکلفیت

یوسلو نولسمه ماده:

ددې قانون د حکمونو مطابق د منخطو چکونو په هکله چې د «د مبلغ د ترلاسه کوونکي په حساب د ورکړې وړ» عبارت لرونکي وي که په بڼه نیت سره او له سهل انگاری پرته یو مبلغ له مشتریانو څخه د یوه

چک را با حسن نیت و بدون سهل انگاری تأدیه می نماید، مسئول دانسته نمی شود.

چک حاوی عبارت (غیر قابل

انتقال)

ماده یکصد و هجدهم:

شخصی که چک منخط عام یا خاص را اخذ می نماید، در صورتی که در آن عبارت (غیر قابل انتقال) درج شده باشد، حق وی مبنی بر انتقال محدود می گردد.

عدم مکلفیت بانکدار دریافت

کننده مبلغ مندرج

چک

ماده یکصد و نهم:

با در نظر داشت احکام این قانون در مورد چک های منخط که حاوی عبارت «قابل تأدیه به حساب دریافت کننده مبلغ» باشند، اگر بانکدار با حسن نیت و بدون سهل انگاری مبلغی را به اسم یکی از مشتریان از

په نوم د هغه چک له مدرک څخه چې په عام یا خاص ډول مخطط شوی وي، ترلاسه کړي چې مشتري د هغه په نسبت د مالکیت نه لرونکی یا د نیمگړي مالکیت لرونکی وي بل بانکدار یوازې ددغې ورکړې پرموجب د حقيقي مالک په وړاندې مسئول ندی. بانکدار کولی شي په چک کې درج شوی مبلغ له ترلاسه کولو دمخه د مشتري په حساب کړېدت (اضافه) کړي.

د «دمبلغ د ترلاسه کوونکي په حساب د ورکړې وړ» عبارت لرونکي مخطط چک کړېدت

یوسلو شلمه ماده:

که چېرې چک د حصول لپاره داسې بانکدار ته تسلیم کړل شي چې د تسلیم په وخت کې "حساب ته دلیرد وړ" په عبارت مخطط شوی نه وي یا په پورتنی عبارت مخطط له هغه څخه زایل یا تحریف شوی وي او بانکدار په ښه نیت سره او له

مدرک چکی که بصورت عام یا خاص برای وی مخطط شده باشد، دریافت نماید که مشتری نسبت به آن فاقد مالکیت یا دارای مالکیت ناقص باشد، بانکدار صرف بموجب این تأدیه در مقابل مالک حقيقي مسئول نمی باشد. بانکدار می تواند مبلغ مندرج چک را قبل از دریافت به حساب مشتری کړېدت (اضافه) نماید.

کړېدت چک مخطط حاوی عبارت «قابل تأدیه به حساب دریافت کننده مبلغ»

ماده یکصد و بیستم:

هرگاه چک جهت حصول به بانکداری تسلیم گردد که در زمان تسلیمی با عبارت «قابل انتقال به حساب» مخطط نشده باشد یا مخطط با عبارت فوق از آن زایل یا تحریف شده باشد و بانکدار با حسن نیت و بدون سهل انگاری

سهل انگاری-پرته بانکدار دچک مبلغ حصول او هغه له مشتریانو څخه دیوه په حساب کړېدت کړي، نوموړی بانکدار پدې دلایلو سره چې(حساب ته دلیرد وړ) په عبارت مخطوط دی یارسم شوې کړنې محو یا تحریف شوي دي او مبلغ یې هغه شخص ته چې د هغه د ورکړې ترلاسه کوونکی ندی کړېدت شوی دی، مسئول نه گنیل کېږي.

مبلغ چک را حصول و آنرا به حساب یکی از مشتریان کړېدت نماید، بانکدار موصوف به این دلایل که عبارت «قابل انتقال به حساب» مخطوط بوده یا خطوط مرسم محو یا تحریف شده و مبلغ آن به شخصی که دریافت کننده تأدیة آن نبوده، کړېدت شده است، مسئول پنداشته نمی شود.

پنځلسم فصل

پر برات باندې د تطبیق وړ خاص موارد

فصل پانزدهم

موارد خاص قابل تطبیق بالای برات

متعدد مخاطبین

یوسلو یو ویشتمه ماده:

برات دوو یا زیاتو مخاطبینو ته چې یو د بل شریکان وي که نه. صادرېدی شي، خو هغه دستور چې لرونکي ته، د غوره کېدو وړ دوه مخاطبین وټاکي یا دوه یا زیات متوالي مخاطبین وي، برات نه گنیل

مخاطبین متعدد

ماده یکصد و بیست و یکم:

برات برای دو یا بیشتر مخاطبین که شرکای یکدیگر باشند یا نه، صادر شده می تواند، اما دستوری که برای دارنده دو مخاطب قابل انتخاب، تعیین نماید یا دارای دو یا بیشتر مخاطب متوالی باشد، برات محسوب

کپري.

د صادر وونکي يا مخاطب په وجه

کي د برات صادر بدل

يوسلو دوه ويشتمه ماده:

صادر شوی برات کېدلی شي د صادر وونکي يا مخاطب په وجه يا حواله کرد کې د ورکړې وړ وي.

د قبلېدو لپاره د برات د وړاندېکولو اړتيا

يوسلو درويشتمه ماده:

برات د ورکړې لپاره له وړاندې کېدو دمخه، د ملزم قبل وونکي د تثبيت په منظور، وړاندې کېږي.

له وړاندې کولو څخه انصراف حالات

يوسلو څلېرېشتمه ماده:

په لاندې احوالو کې د قبلېدو لپاره د برات له وړاندې کولو څخه ډډه کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې مخاطب وفات شي يا مفلس شي يا د برات د مقالې د عقدولو لپاره تخيلی يا د

نمی گردد.

صدر برات در وجه صادر کننده

يا مخاطب

ماده يكصد و بيست و دوم :

برات صادر شده می تواند قابل تأديه در وجه يا به حواله کرد صادر کننده يا مخاطب باشد.

ضرورت ارايه برات برایقبولی

ماده يكصد و بيست و سوم :

برات قبل از ارايه برای تأديه ، جهت قبولی به منظور تثبيت قبول کننده ملزم ، ارايه می گردد.

حالات انصراف از ارايه

ماده يكصد و بيست و چهارم :

در احوال ذيل از ارايه برات برای قبولی صرف نظر می گردد :

۱- در صورتی که مخاطب وفات نماید يا مفلس گردد و يا شخص تخيلی يا فاقد اهليت و صلاحيت

اهلیت او واک نه لرونکی شخص وی. برای عقد مقاوله برات باشد.

۲- په هغه صورت کې چې مخاطب په ټاکلې وخت او له مقتضي لټولو وروسته په ټاکلې ځای کې د برات د وړاندې کولو لپاره پیدا نشي.

۳- د مقتضي هڅې له سرته رسولو وروسته دغه ډول وړاندې کول معتبر نه وي.

صادروونکو او ظهنويسانو ته د

لرونکي رجوع

یوسلو پنځه ویشتمه ماده :

که چېرې ددې قانون د حکمونو مطابق برات، د نه قبلېدو به علت نکول شي، د صادروونکي او ظهن نویس پر علیه د دعوي د اقامې حق، د برات په لرونکې پورې اړه پیدا کوي .

له مشروطي قبولي څخه د لرونکي

ډډه کول

یوسلو شپږویشتمه ماده:

د برات لرونکی کولی شي له

برای عقد مقاوله برات باشد.

۲- در صورتی که مخاطب در موعد معینه و بعد از جستجوی مقتضی در محل تعیین شده برای ارایه برات ، دریافت نگردد.

۳- بعد از انجام مساعی مقتضی چنین ارایه معتبر نباشد.

رجوع دارنده به صادر کننده و

ظهنويسان

ماده یکصد و بیست و پنجم :

هرگاه برات مطابق احکام این قانون بنا بر عدم قبولی نکول گردد ، حق اقامه دعوی علیه صادر کننده و ظهن نویس به دارنده برات تعلق می گیرد.

امتناع دارنده از قبولی

مشروط

ماده یکصد و بیست و ششم :

دارنده برات می تواند از قبولی

مشروطي قبولي ڇخه ڊڊه وکړي. که چېرې هغه غیر مشروطه قبولي لاسته را نه وړي، کیدای شي چې برات د نه قبلېدو له امله، نکول شوی وگنل شي.

د برات ډیر شمیر نسخي

یوسلو اووه ویشتمه ماده:

(۱) برات په څو نسخو کې صادرېدی شي. پدې صورت کې په هرې نسخې باندې د هغې شمېره لیکل کېږي او پکې قیدېږي چې (د برات دغه برخه تر هغه مودې پورې واجب التادیه دی چې پاتې برخې ورکړل شوې نه وي) ټولې برخې یوه ټولگه جوړوي او یوه ټولگه یو برات گنل کېږي.

د هغه له برخو څخه د یوې د نه ورکړې په صورت کې، د برات ټوله ټولگه ساقطېږي.

(۲) که چېرې یو شخص د برات مختلفې برخې د مختلفو اشخاصو په ګټه قبولي یا ظهنويسي کړي، هغه

مشروط امتناع نماید. هرگاه وی قبولی غیر مشروط را بدست نیاورد، می تواند برات بنابر عدم قبولی، نکول شده محسوب نماید.

نسخ متعدد برات

ماده یکصد و بیست و هفتم:

(۱) برات در چند نسخه صادر شده می تواند. در این صورت بر هر نسخه شماره آن تحریر و در آن قید می گردد که (این بخش برات الی موعدی واجب التادیه می باشد که بخش های متبقی تادیه نگردیده باشد) کلیه بخش ها یک مجموعه را تشکیل و مجموعه یک برات محسوب می گردد.

در صورت عدم تادیه یکی از بخش های آن، تمام مجموعه برات ساقط می گردد.

(۲) هرگاه شخصی، بخش های مختلف برات را به نفع اشخاص مختلف قبول یا ظهنويسي نماید،

اوله برخو څخه د هرې يوې را وروسته (مابعد) ظهورنويس، د هرې برخې په وړاندې، داسې مسئول دی لکه داچې د هغو هر يو، يو مجزاء برات وي.

۳- که چېرې يو شخص چې د برات د يوې ټولگې له بڼه نيت سره د لرونکو تر منځ لومړنی فرد وي چې د خپلې برخې مالکيت يې لاسته راوړی دی، دغه ډول شخص د پاتي برخو او له برات څخه دلاسته راغلي مبلغ په نسبت د لومړيتوب د حق لرونکی دی.

وی و ظهورنويس مابعد هر یک از بخش ها، در مقابل هر بخش، طوری مسئول می باشند مانند این که هرکدام از آنها یک برات مجزاء باشد.

(۳) هرگاه شخصی که در میان دارندگان با حسن نیت یک مجموعه برات، نخستین فردی باشد که مالکیت بخش خود را بدست آورده است، چنین شخص نسبت به متباقی بخش ها و مبلغ حاصله از برات دارای حق تقدم می باشد.

شپارسم فصل

متفرقه حکمونه

په بهرنۍ معاملي وړ سند کې د

درج شوو اړخونو پر مسئولیتونو

باندي د تطبيق وړ قانون

یوسلوا ته ویشتمه ماده:

د بهرنۍ معاملي وړ سند په هکله لاندې مراتب د اعتبار وړ دي، خو

فصل شانزدهم

احکام متفرقه

قانون قابل تطبيق بر مسئولیت

های طرفین مندرج سند قابل

معامله خارجی

ماده یکصد و بیست و هشتم:

در مورد سند قابل معامله خارجی مراتب ذیل مدار اعتبار می باشد،

۱۳- هغه سيمه ييز قانون چې سند په هغه کې صادر، قبول يا معامله شوی وي په هغه کې د درج شوو حکمونو مطابق، د اړخونو واک، د سند اعتبار، د هغه قبلول يا انتقال ټاکي، پدې شرط چې سند د هغه د صادرېدو د سيمې د قوانينو مطابق، د کافي مهرونو د نشتوالي په علت، غير مجاز ګرځول شوی نه وي.

۱- قانون محلی که سند در آن صادر، قبول يا معامله شده باشد، مطابق احکام مندرج آن صلاحيت طرفين، اعتبار سند، قبولی ويا انتقال آن را تعيين می نمايد، مشروط بر این که سند مطابق قوانين محل صدور آن، به علت فقدان مهرهای کافی غير مجاز نگردیده باشد.

۲- هغه سيمه ييز قانون چې د معاملې وړ سند په هغه ځای کې د ورکړې وړ دی، لاندې مراتب وټاکي:

- د ټولو اړخونو مسئوليت
- د قبولی يا ورکړې لپاره د وړاندې کولو په هکله د لرونکي مکلفيت.
- د معاملې وړ سند سررسيد.
- د نکول موجبات.
- د ټولو اړخونو مسئوليت.
- د قبولی يا ټاډيه.
- د سررسيد سند قابل معامله.
- د موجبات نکول.
- د ضرورت به اعتراض و کفايت آن

د نکول د خبرتيا اړتيا.

يا ضرورت اطلاعاته نکول .

- د ورکړې يا د ژمنې د ترسره کولو په اړه د اسعارو د ډول او د تبادلې د نرخ چې په سند کې درج شوی مبلغ بايد د هغو له په پام کې نيولو سره ورکړل شي په شمول نورې پوښتنې.

- سايرسوالات در ارتباط با تأديه و انجام تعهد، بشمول نوع اسعار و نرخ تبادلۀ که مبلغ مندرج سند بايد با رعايت آن ها تأديه گردد.

له افغانستان څخه بهر د معاملي

طرزالعمل خاص در مورد سند قابل

وړ سند په هکله خاصه کړنلاره

معاملۀ خارج از افغانستان

يوسلونهه ويشتمه ماده:

ماده يكصدوبيست ونهم :

که چېرې د معاملي وړ سند چې له افغانستان څخه بهر صادر، قبول يا ظهنويسي شوی، خو پکې (د افغانستان دقوانينو مطابق) عبارت تصريح شوی وي، پدې صورت کې هغه مقاوله چې ديد شوي سند پوښت عقد، خود مقاولې د عقد دسيمې د هېواد د قوانينو له منځې له اعتباره ولېږي، په افغانستان کې دراوروسته هرې قبولې يا ظهر نویسی د بطلان موجب نه گرځي.

هرگاه سند قابل معامله در خارج از افغانستان صادر، قبول يا ظهنويسي گرديده ولی در آن عبارت (مطابق قوانين افغانستان) تصريح شده باشد، در اينصورت مقاوله ايکه به اساس آن سند متذکره عقد، اما به تأسی از قوانين کشور محل عقد مقاوله فاقد اعتبار گردد، موجب بطلان هر قبولی يا ظهنويسي بعدی در افغانستان نمی گردد.

مالي فيسونه او جريمې

يوسلو دپړشمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک کولی شي د دې قانون په درج شوو حکمونو کې د بانکي فيسونو مالي جريمو او د مشتريانو او بانکونو په واسطه د نکول شوو چکونو په هکله، مقرري او کړنلاري وضع کړي.

(۲) دافغانستان بانک کولی شي ددې قانون د حکمونو د بڼه تطبيق لپاره مقرري له پراوونو څخه تېري او جلا لايحي او کړنلاري چې ددې قانون د حکمونو مغايري نه وي، وضع او تطبيق کړي.

موجود سندونه

يوسلو يو دپړشمه ماده:

دمعاملي وړ هغه موجود سندونه چې ددې قانون له نافذېدو دمخه صادر شوي دي، د هغو په هکله ددې قانون حکمونه د تطبيق وړ دي.

فيس ها و جريمه های مالي

ماده یکصدوسی ام :

(۱) دافغانستان بانک می تواند در مورد فيس های بانکی و جرایم مالی - چک های نکول شده مندرج احکام این قانون توسط مشتریان بانک ها ، مقررات و طرز العمل ها را وضع نماید.

(۲) دافغانستان بانک می تواند جهت تطبيق بهتر احکام این قانون مقررره ها را طی مراحل و لوايح و طرز العمل های جداگانه ايرا که مغاير احکام این قانون نباشد، وضع و تطبيق نماید.

اسناد موجود

ماده یکصدوسی ویکم :

اسناد قابل معامله که قبل از انفاذ این قانون صادر و موجود اند، احکام این قانون در مورد آن ها قابل تطبيق می باشد .

د حکمونو ارجحيت

يوسلو دوه دېرشمه ماده:

له نورو قوانينو سره ددې قانون د حکمونو د مغيارت په صورت کې ددغه قانون حکمونه مرجح گڼل کېږي.

د انفاذ نېټه

يو سلو دري دېرشمه ماده :

دغه قانون د توشيخ له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دې خپور شي، په نافذېدو سره يې د ۱۳۳۶ کال د تلې د مياشتې په (۸۹) گڼه رسمي جريده کې خپور شوي د افغانستان د سوداگري د قانون د درېيم باب لومړۍ، دوه يم او درېيم فصل ملغي گڼل کېږي.

ارجحيت احکام

ماده يکصدوسی و دوم:

در صورت مغيارت احکام اين قانون با ساير قوانين، احکام اين قانون مرجح دانسته می شود.

تاريخ انفاذ

ماده يکصدوسی و سوم :

اين قانون از تاريخ توشيخ نافذ ودر جريده رسمی نشر گردد. با انفاذ آن احکام فصل های اول ، دوم و سوم باب سوم قانون تجارت افغانستان منتشره جريده رسمی شماره (۸۹) میزان سال ۱۳۳۶ ملغي شناخته می شود.

اشتراک سالانه

در مرکز و ولایات: (۸۰۰) افغانی
برای مامورین دولت : با ۲۵ فیصد تخفیف
برای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق ، نصف قیمت
خارج از کشور : (۲۰۰) دالر امریکایی



**ISLAMIC REPUBLIC
OF
AFGHANISTAN
MINISTRY OF JUSTICE**

**OFFICIAL
GAZETTE**

- **Law On Transactions Documents.**
- **Presidential Decree Islamic Republic of Afghanistan.**

Date: ۲۴th JANUARY. ۲۰۰۹

ISSUE NO :(۹۷۱)